

رهبر انقلاب: سازمان بسیج باید نسخه‌های پیشرفته‌تر و جدیدتر از بسیج پیشین را تنظیم و مدیریت کند

ابلاغ نقشه راه تحول بسیج

- بعثت ملت بزرگ ایران در دوره دفاع مقدس سوم؛ تکثیر روحیه بسیجی در سراسر کشور به شمار می‌رود
- بسیارند کسانی که عضو مصطلح بسیج نبوده ولی تفکر و مکتب بسیج را می‌ستایند
- بسیج به‌مدد بسیجیان خود تا به‌حال کاستی‌های بسیاری از نهادهای رسمی و غیررسمی را جبران کرده است
- روحیه بسیجی با رفتار خود بسیجیان قابل تکثیر در اجزاء جامعه است

شنبه
۷ آذر ۱۴۰۵
۱۷ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۲۷ نوامبر ۲۰۲۶

سال دوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۷۰۱

www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه
آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!

زلنسکی از نتانیاهو دریوزگی می‌کند

تنبیه اوکراین در دستور کار

۳

کارنامه رشادت‌های نیروی دریایی را ورق می‌زنیم

غریبانه‌های آبی بیکران

۴

چهره‌های فرهنگی، ناشران و مخاطبان ادبیات در تشییع رضا امیرخانی اذعان کردند

جزخیر ازاوندیدیم

۵

درباره نمایش سالانه «تخفیف‌های جعلی» و سونامی پیامک‌های مزاحم

جمعه سیاه یا سیاه‌کاری جمعه

۵



توسعه زیرساخت‌ها از مسیر تامین مالی پایدار محقق می‌شود

پروژه‌های عمرانی در تله ناترازی منابع

توسعه زیرساخت های عمومی از جمله بیمارستان ها، تصفیه خانه های آب، شبکه های جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب شهری، راه‌ها و سایر طرح‌های عمرانی، یکی از الزامات اساسی ارتقای کیفیت زندگی مردم و پیشرفت متوازن استان‌ها به شمار می‌رود؛ با این حال، طولانی شدن روند اجرای این پروژه‌ها و انباشت طرح‌های نیمه‌تمام، به یکی از چالش‌های جدی نظام برنامه‌ریزی و مدیریت منابع کشور تبدیل شده است. پروژه‌هایی که گاه با مراسم کلنگ‌زنی و وعده تامین اعتبار آغاز می‌شوند، اما در ادامه مسیر، به دلیل محدودیت منابع مالی، ناترازی میان حجم تعهدات و اعتبارات، تغییر اولویت‌ها و نبود سازوکار مشخص برای تامین مالی، سال‌ها در انتظار تخصیص منابع باقی می‌مانند.

واقعیت این است که توسعه استان ها بدون ایجاد و تکمیل زیرساخت های مورد نیاز امکان پذیر نیست و دولت نیز به عنوان اصلی ترین متولی تامین زیرساخت های عمومی، مسئولیت مهمی در این زمینه برعهده دارد، اما در شرایطی که سهم اعتبارات عمرانی از منابع عمومی بودجه با محدودیت‌های جدی مواجه شده و هزینه اجرای طرح‌ها تحت تاثیر تورم و افزایش قیمت نهاده‌های ساختمانی رشد کرده است، اتکای صرف به منابع دولتی دیگر پاسخگوی حجم پروژه‌های تعریف‌شده نیست.

در چنین شرایطی، پرسش اصلی این است که چگونه می توان از یک سو روند توسعه زیرساخت‌های استان‌ها را متوقف نکرد و از سوی دیگر، مانع افزایش تعداد پروژه‌هایی شد که بدون برخورداری از منابع مالی پایدار، سال‌ها در فهرست طرح‌های نیمه‌تمام باقی می‌مانند؟

انباشت پروژه‌های نیمه‌تمام؛ میراثی که هر سال سنگین‌تر می‌شود

ابعاد مسئله زمانی روشن‌تر می‌شود که به آمار پروژه‌های نیمه‌تمام در کشور توجه کنیم. علی نیکزاد، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، در جلسه شورای برنامه ریزی و توسعه استان اردبیل در بیستم شهریور ۱۴۰۴، با اشاره به تعداد بالای پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام در کشور، اعلام کرد: «ما در کشور یک هزار و ۳۶۵ پروژه ملی داریم. اگر هیچ کاری نکنیم و تورم نیز در همین سقف باقی بماند، ۲۹ سال طول می‌کشد تا این پروژه‌ها به اتمام برسند. در کل استان‌ها نیز ۲۴ هزار پروژه نیمه‌تمام داریم و اگر هیچ کاری نکنیم و تورم در همین سطح باقی بماند، ۱۰ سال طول می‌کشد تا این پروژه‌ها تمام شوند.»

این اظهارات به خوبی نشان می‌دهد که مسئله پروژه‌های نیمه‌تمام صرفا به کمبود اعتبار در یک یا چند دستگاه اجرایی محدود نیست، بلکه با یک چالش ساختاری در نظام تعریف، تصویب، اولویت‌بندی و تامین مالی طرح‌های عمرانی مواجه هستیم؛ چالشی که در صورت تداوم، می‌تواند هزینه‌های بیشتری را به اقتصاد کشور تحمیل کند.

درواقع، هر پروژه نیمه‌تمام علاوه بر منابعی که تاکنون برای آن هزینه شده، به اعتبار جدیدی برای تکمیل نیاز دارد. از سوی دیگر، طولانی شدن زمان اجرا موجب افزایش هزینه‌های ساخت، استهلاک تجهیزات و تاسیسات اجراشده و در برخی موارد تغییر مشخصات فنی پروژه می‌شود.

به این ترتیب، طرحی که در زمان آغاز با برآورد مشخصی تعریف شده، ممکن است پس از چند سال برای تکمیل به چندین برابر منابع اولیه نیاز داشته باشد. این موضوع در پروژه‌هایی که مستقیما با زندگی روزمره مردم ارتباط دارند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. تکمیل نشدن یک بیمارستان، تصفیه خانه آب یا شبکه فاضلاب شهری صرفا به معنای باقی ماندن یک سازه نیمه‌تمام نیست، بلکه به معنای تاخیر در دسترسی مردم به خدمات عمومی، تحمیل هزینه‌های جانبی به مدیریت شهری و تداوم مشکلات زیست‌محیطی و بهداشتی است.

مسعود نصرتی، معاون عمرانی وزیر کشور، نیز دوم خرداد ۱۴۰۴ در نشست مشترک با شهرداران مازندران، با اشاره به وجود چند هزار پروژه نیمه‌تمام در کشور، بر ضرورت تغییر رویکرد مدیریت عمرانی و حرکت از پروژه‌محوری به سمت نتیجه‌گرایی تاکید کرد و از سیاست دولت برای پرهیز از تعریف پروژه‌های جدید سخن گفت.

به گفته وی، تا زمانی که هدف‌گذاری و انگیزه‌سازی مشخصی در بخش‌های مختلف صورت نگیرد، حرکت دستگاه‌ها همچنان موضوع‌محور خواهد بود. نصرتی همچنین از ابلاغ ۱۴ شاخص کلیدی برای خروج از فضای بی‌برنامگی خبر داد و تاکید کرد که اولویت دولت باید تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمامی باشد که برای آنها منابع ریالی قابل توجهی هزینه شده است. بر اساس این رویکرد، پروژه‌ها باید متناسب با میزان پیشرفت، اهمیت و امکان تامین منابع دسته‌بندی شوند؛ طرح‌هایی که قابلیت تکمیل دارند در اولویت قرار گیرند و برای سایر پروژه‌ها نیز در صورت امکان، زمینه واگذاری به بخش خصوصی فراهم شود.

وقتی حجم پروژه‌ها با ظرفیت اعتبارات همخوانی ندارد

یکی از مهم‌ترین ریشه‌های طولانی شدن پروژه های عمرانی، نبود تناسب میان تعداد و حجم طرح‌های تعریف شده با منابعی است که برای اجرای آنها اختصاص پیدا می‌کند. به بیان دیگر، در بسیاری از موارد، نظام برنامه‌ریزی عمرانی کشور بیش از آنکه بر ظرفیت واقعی تامین مالی متمرکز باشد، بر تعریف و آغاز پروژه‌های جدید استوار بوده است؛ موضوعی که در نهایت به پراکندگی اعتبارات و کاهش اثربخشی منابع محدود دولتی منجر می‌شود. غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس، در جریان نظارت میدانی این کمیسیون بر پروژه‌های عمرانی استان گیلان، با اشاره به همین مسئله، محدودیت منابع را یکی از عوامل اصلی تاخیر در اجرای طرح‌ها دانست و گفت: حجم طرح‌ها و پروژه‌های تعریف‌شده با منابعی که برای اجرای آنها اختصاص پیدا می‌کند، تناسب ندارد. وی برای تبیین این ناترازی به پروژه‌های محور ساحلی شمال کشور از بندر انزلی تا بهشهر اشاره کرد؛ محوری که حدود ۸۰۰ تا ۹۰۰ کیلومتر طول دارد و ۱۳ تا ۱۴ پیمانکار در قطعات مختلف آن مشغول فعالیت هستند، اما مجموع منابع در نظر گرفته‌شده برای این طرح‌ها حدود ۸۵۰ میلیارد تومان است. به گفته تاجگردون، اگر این رقم به‌صورت میانگین میان پیمانکاران تقسیم شود، سهم هر پیمانکار حدود ۶۰ تا ۷۰ میلیارد تومان خواهد بود؛ رقمی که با توجه به حجم عملیات و هزینه‌های اجرای پروژه‌های عمرانی، تناسبی با نیاز واقعی طرح‌ها ندارد. این مثال نشان می‌دهد که صرف درج اعتبار در ردیف‌های بودجه‌ای یا ابلاغ منابع به دستگاه‌های اجرایی، لزوما به معنای فراهم شدن امکان پیشرفت موثر پروژه نیست. زمانی که اعتبار تخصیص‌یافته با حجم تعهدات پیمانکاران و هزینه واقعی اجرای عملیات تناسب نداشته باشد، پروژه‌ها با کندی مواجه می‌شوند و حتی ممکن است فعالیت اجرایی در برخی قطعات عملا متوقف شود.

پروژه‌های جدید در دل طرح‌های نیمه‌تمام پراکندگی منابع به جای تکمیل

در کنار محدودیت منابع، یکی دیگر از مشکلات ساختاری در اجرای پروژه‌های عمرانی، اضافه شدن طرح ها و تعهدات جدید به پروژه‌هایی است که هنوز تعیین تکلیف نشده‌اند. این مسئله در بسیاری از موارد موجب می‌شود اعتبارات محدود موجود به جای تمرکز بر تکمیل طرح‌های دارای پیشرفت فیزیکی، میان مجموعه‌ای از تعهدات جدید و قدیم توزیع شود. تاجگردون نیز با اشاره به این موضوع تاکید کرده است که گاهی در جریان اجرای یک پروژه، طرح‌های جدیدی به آن اضافه می‌شود که نتیجه آن پراکندگی منابع و کاهش اعتبارات قابل تخصیص به پروژه های اصلی است. از نگاه رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس، دستگاه های اجرایی و سازمان برنامه و بودجه باید در این زمینه دقت و مراقبت بیشتری داشته باشند؛ چراکه اساسا ماده ۲۳ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت با هدف ایجاد ضابطه برای تعریف و تصویب پروژه‌های جدید و جلوگیری از آغاز طرح های فاقد توجیه و پشتوانه کارشناسی پیش بینی شده است. در واقع، اگر پیش از آغاز هر پروژه، مطالعات فنی و اقتصادی، برآورد هزینه، منابع تامین مالی و زمان بندی اجرای آن به درستی مشخص نشود، احتمال تبدیل شدن آن به یک طرح نیمه‌تمام افزایش می‌یابد. بنابراین، کنترل ورودی پروژه‌های عمرانی به اندازه تامین اعتبار برای پروژه‌های موجود اهمیت دارد. از سوی دیگر، ادامه روند فعلی می‌تواند به شکل‌گیری چرخه‌ای معیوب منجر شود؛ به این معنا که هر سال پروژه‌های جدیدی به فهرست طرح‌های عمرانی اضافه شوند، در حالی که منابع مورد نیاز برای تکمیل پروژه‌های قبلی همچنان تامین نشده باشد. در چنین شرایطی، نه تنها سرعت توسعه زیرساخت ها افزایش نمی‌یابد، بلکه منابع عمومی نیز در تعداد بیشتری از طرح‌ها پراکنده می‌شود.

اختیارات استانی؛ حلقه مفقوده مدیریت پروژه‌های عمرانی

مسئله دیگر، نحوه مدیریت و تخصیص منابع در سطح استان هاست. در شرایطی که استانداران و مدیران اجرایی استان‌ها از نزدیک با نیازهای زیرساختی و اولویت‌های منطقه‌ای آشنا هستند، محدودیت اختیارات آنها در جابه‌جایی و مدیریت منابع می‌تواند روند اجرای پروژه‌ها را با دشواری مواجه کند. گاهی منابعی برای اجرای یک طرح پیش‌بینی می‌شود، اما به دلیل محدودیت اختیارات مدیران استانی یا تغییر اولویت‌های دستگاه‌های مرکزی، امکان استفاده از آن در زمان مناسب فراهم نمی‌شود. این مسئله به‌ویژه در پروژه‌هایی که نیازمند هماهنگی میان چند دستگاه اجرایی هستند، می‌تواند زمان اجرای طرح را طولانی‌تر کند.

تاجگردون نیز افزایش اختیارات استان ها را یکی از راهکارهای تسریع در اجرای پروژه های عمرانی دانسته و معتقد است که اگر استان‌ها از اختیارات بیشتری برخوردار باشند، انگیزه و توان بالاتری برای پیشبرد پروژه‌های ملی واقع در محدوده خود خواهند داشت. البته افزایش اختیارات استانی به معنای کاهش نظارت یا واگذاری بدون ضابطه منابع نیست، بلکه باید در چارچوب نظام مشخصی از پاسخگویی، شفافیت و اولویت‌بندی صورت گیرد. به عبارت دیگر، استانداران و مدیران استانی باید بتوانند متناسب با نیازهای واقعی منطقه، درباره نحوه استفاده از ظرفیت‌های مالی و اجرایی تصمیم‌گیری کنند و در مقابل، نسبت به میزان پیشرفت پروژه‌ها و نتایج حاصل از هزینه‌کرد منابع پاسخگو باشند.

عبور از بودجه دولتی؛ ضرورت فعال‌سازی ظرفیت بخش خصوصی

با وجود همه این چالش‌ها، نمی‌توان انتظار داشت که دولت به‌تنهایی منابع مورد نیاز برای تکمیل ده‌ها هزار پروژه عمرانی را تامین کند. محدودیت منابع عمومی، افزایش هزینه‌های جاری و ضرورت مدیریت کسری بودجه، ظرفیت دولت برای اختصاص اعتبارات عمرانی را محدود کرده است. بنابراین، یکی از مسیرهای ضروری برای عبور از وضعیت موجود، استفاده هدفمند از ظرفیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و ابزارهای متنوع تامین مالی است.

بخش خصوصی در صورت برخورداری از چارچوب حقوقی روشن، تضمین‌های قابل اتکا و مدل اقتصادی توجیه‌پذیر، می‌تواند در اجرای پروژه‌هایی که امکان ایجاد درآمد مستقیم یا غیرمستقیم دارند، نقش موثری ایفا کند. توسعه برخی زیرساخت‌های حمل‌ونقل، پروژه‌های خدمات شهری، تاسیسات آب و فاضلاب و طرح‌های گردشگری از جمله حوزه‌هایی هستند که با طراحی الگوهای مناسب مشارکت عمومی و خصوصی، امکان جذب سرمایه‌گذاری غیردولتی در آنها وجود دارد. در کنار آن، مولدسازی دارایی‌های دولت نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای تامین منابع برای تکمیل طرح‌های عمرانی مورد استفاده قرار گیرد. دولت و دستگاه‌های اجرایی از دارایی‌ها و املاکی برخوردارند که بخشی از آنها به‌صورت غیربهینه نگهداری می‌شوند و امکان تبدیل آنها به منابع مالی یا استفاده از ظرفیت اقتصادی‌شان وجود دارد. البته مولدسازی زمانی می‌تواند به تکمیل پروژه‌های عمرانی کمک کند که منابع حاصل از آن به‌صورت هدفمند به طرح‌های اولویت‌دار اختصاص یابد و فرآیند ارزش‌گذاری و واگذاری دارایی‌ها نیز با شفافیت و نظارت کافی همراه باشد. در غیر این صورت، این ابزار نیز ممکن است به درآمدی مقطعی تبدیل شود که اثر پایداری بر توسعه زیرساخت‌ها نداشته باشد.

ماده ۵۶؛ ابزاری برای تسریع در تامین مالی طرح‌ها

یکی دیگر از ظرفیت‌های قانونی برای تامین مالی پروژه‌های عمرانی، استفاده از سازوکار ماده ۵۶ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت است. این ماده امکان استفاده از تسهیلات بانکی برای اجرای برخی طرح‌های عمرانی را فراهم می‌کند و می‌تواند در شرایط محدودیت اعتبارات نقدی دولت، به تسریع روند اجرای پروژه‌های دارای اولویت کمک کند. در این روش، دستگاه اجرایی می‌تواند با استفاده از ظرفیت شبکه بانکی و در چارچوب ضوابط قانونی، منابع مورد نیاز پروژه را تامین کند و بازپرداخت تسهیلات نیز مطابق سازوکارهای پیش‌بینی‌شده از محل منابع مربوط انجام شود.

تغییر رویکرد در نظام عمرانی؛ از کلنگ‌زنی تا بهره‌برداری

مجموع این مسائل نشان می دهد که حل مشکل پروژه های نیمه تمام صرفا با افزایش اعتبارات عمرانی امکان پذیر نیست، بلکه به اصلاح رویکرد در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت پروژه‌ها نیاز دارد. در شرایط محدودیت منابع، اولویت باید از تعریف پروژه‌های جدید به سمت تکمیل طرح‌هایی تغییر کند که از پیشرفت فیزیکی مناسب، اهمیت اقتصادی و اجتماعی و امکان بهره برداری در کوتاه مدت برخوردارند. در این مسیر، دسته‌بندی پروژه‌ها بر اساس میزان پیشرفت، هزینه تکمیل، آثار اقتصادی و اجتماعی و امکان جذب سرمایه‌گذار می‌تواند مبنای تصمیم گیری قرار گیرد. طرح هایی که با اختصاص منابع محدود در مدت کوتاه به بهره برداری می‌رسند، باید در اولویت قرار گیرند و پروژه هایی که امکان تامین مالی دولتی ندارند، از مسیر مشارکت عمومی و خصوصی یا سایر ابزارهای قانونی تعیین تکلیف شوند.

تاب‌آوری اقتصادی ضرورت عبور از شعار به عمل



امیر اسماعیلی
سردبیر

اقتصاد کشورمان ایران امروز در یکی از دشوارترین دوره‌های خود قرار دارد. محدودیت های شدید دریایی که از سوی دشمن سفاک آمریکایی اعمال شده، همراه با فشارهای تحریمی و آثار ناشی از تنش‌های نظامی، درآمدهای ارزی کشور را به شدت کاهش داده و معیشت مردم را تحت فشار قرار داده است. در چنین شرایطی، سخن گفتن از «تاب آوری» دیگر یک بحث نظری نیست؛ بلکه ضرورتی حیاتی برای حفظ ثبات اقتصادی و اجتماعی کشور است. اما تاب آوری واقعی تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که از سطح شعار فراتر رود و به مجموعه‌ای از اقدامات مشخص و عملیاتی تبدیل شود.

نخستین گام در این مسیر، تنوع‌بخشی جدی به مسیرهای تجاری و تامین کالا است. وابستگی طولانی‌مدت به صادرات نفت و مسیرهای دریایی سنتی، به هر حال کشور را در برابر محدودیت‌های خارجی آسیب‌پذیر کرده است. توسعه کریدورهای زمینی و ریلی با همسایگان، گسترش تجارت تهاتری و استفاده از پیمان های پولی دوجانبه می تواند بخشی از این آسیب پذیری را کاهش دهد. همزمان، ایجاد انبارهای استراتژیک کالاهای اساسی در نقاط مختلف کشور، به‌ویژه نزدیک مرزهای زمینی، ضرورتی انکارناپذیر است تا اختلال در بنادر به کمبود ناگهانی کالا منجر نشود. در کنار این موضوع، تقویت تولید داخلی و جایگزینی هوشمندانه واردات باید در اولویت قرار گیرد. حمایت پراکنده و بدون اولویت از همه صنایع، منابع محدود را هدر می‌دهد. تمرکز بر تولید نهاده‌های کلیدی، قطعات حیاتی و کالاهای اساسی، همراه با تسهیل دسترسی بنگاه‌های کوچک و متوسط به سرمایه در گردش، می‌تواند ظرفیت واقعی اقتصاد را افزایش دهد. تجربه سال های اخیر نشان داده که تولید داخلی زمانی موفق است که با کاهش موانع بوروکراتیک و فساد اداری همراه باشد. مدیریت انرژی و امنیت غذایی نیز از ارکان اصلی تاب‌آوری است. اصلاح ساختار یارانه‌ها، اولویت‌بندی مصرف انرژی و افزایش ذخایر استراتژیک گندم، روغن و نهاده‌های دامی، از جمله اقداماتی است که باید بدون تاخیر انجام شود. امنیت غذایی و انرژی نه تنها یک موضوع اقتصادی، بلکه زیربنای ثبات اجتماعی است. هرگونه غفلت در این زمینه می‌تواند فشارهای خارجی را به بحران داخلی تبدیل کند.

در حوزه مالی نیز شفافیت و انضباط ضروری است. منابع ارزی محدود باید به واردات کالاهای ضروری و مواد اولیه تولید اختصاص یابد و از هدررفت آن در مسیرهای غیرضروری جلوگیری شود. توسعه کانال های تجاری جایگزین و نظارت دقیق بر آنها، همزمان با جلوگیری از رانت و فساد، شرط موفقیت این بخش است. بدون شفافیت، هر سیاستی با شکست مواجه خواهد شد.

در نهایت، تاب‌آوری اقتصادی بدون توجه به ابعاد اجتماعی ناقص می‌ماند. هدفمند کردن یارانه‌ها، اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف به جامعه و تقویت نقش بخش خصوصی واقعی، می‌تواند اعتماد عمومی را حفظ کند. فشار اقتصادی زمانی خطرناک‌تر می‌شود که با بی‌اعتمادی و نارضایتی اجتماعی همراه شود. تاب‌آوری واقعی نه انکار مشکلات است و نه تسلیم در برابر آنها. این مفهوم زمانی محقق می‌شود که تصمیم‌گیران با اولویت‌بندی روشن، سرعت عمل و نظارت جدی، ساختارهای ناکارآمد را اصلاح کنند. در شرایط فعلی، زمان برای آزمون و خطا محدود است و هر تاخیر در اجرای راهکارهای عملیاتی، هزینه سنگینی برای کشور به همراه خواهد داشت.



آیت‌الله خاتمی، خطیب نماز جمعه تهران:
انسداد تنگه هرمز، دشمن را به ستوه آورد

شنبـه/ ۷ آذر ۱۴۰۵/ شماره ۷۰۱

رئیس ستادکل نیروهای مسلح
به مناسبت هفتم آذر اعلام کرد
پاسخ قاطع نیروی دریایی ارتش به هرگونه تهدید و تجاوز دشمن

عملیات نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در هفتم آذر ۱۳۵۹ در انهدام دو سکوی البکر و الامیه نقطه عطفی در تاریخ مجاهدت نیروی دریایی در دوران دفاع مقدس شد. این اقدام غرورآفرین که ضربه مهلکی به توان اقتصادی نظامی رژیم بعث و نیروی دریایی عراق وارد کرد منجر به نامگذاری روز نیروی دریایی شد.

دلاوری های «نداجایی ها» فقط به اوایل انقلاب خلاصه نشد. ایستادگی نیروی دریایی در دو جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، حقیقتا روایت واحد از بازدارندگی است؛ روایتی که در آن، دشمن با تمام توان کوشید تا از طریق دریا، فشار خود را بر سواحل جنوبی و بنادر حیاتی افزایش دهد، اما با حضور مقتدرانه نداجا روبه‌رو شد. در آن ایام، نیروی دریایی نه تنها با پایش دقیق دریا از شریان های تدارکاتی محافظت کرد، در اصل با ارسال پیام صریح خود، ثابت کرد که سواحل ایران، جایگاه نفوذ دشمن نیست، بلکه خط قرمز ارتش است. این میراث و اراده محکم و قوی نیروی دریایی ارتش، امروز در ناو دنا تجدید حیات یافته است؛ ناوی که نه تنها نماد اقتدار دریایی ماست، بلکه با خون شهدایش، به پیوند میان ایستادگی گذشته و قدرت امروز ایران تبدیل شده است.

درهمین رابطه سرلشکر خلبان علی عبداللهی، به مناسبت فرارسیدن هفتم آذر روز نیروی دریایی ارتش، پیامی صادر و یاد و خاطره شهدای والامقام نداجا به‌ویژه شهیدان ناو دنا را گرامیداشت.

متن کامل پیام رئیس ستادکل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) بدین شرح است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

هفتم آذر، «روز نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران» در شرایطی فرا می‌رسد که خلیج فارس و تنگه هرمز به کانون رویارویی راهبردی با جبهه استکبار جهانی و صهیونیسم جنایتکار تبدیل شده و دریادلان نیروهای مسلح با ایستادگی و اقتدار، نقشه های دشمن متجاوز را با شکست مواجه ساخته‌اند.

امروز نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در هم افزایی با نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با برخورداری از آمادگی رزمی و عملیاتی، نقشی تعیین کننده در صیانت از امنیت و منافع ملی، حراست از آب های سرزمینی و اعمال اقتدار جمهوری اسلامی ایران در دریای عمان ایفا می‌کند و آمادگی دارد در اجرای تدابیر و فرامین فرمانده معظم کل قوا، پاسخی قاطع، موثر و پشیمان کننده به هرگونه تهدید و تجاوز دشمن بدهد.

ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای والامقام نیروی دریایی ارتش، به‌ویژه شهیدان ناو دنا که در پی حمله ناجوانمردانه ارتش تروریستی آمریکا در ۱۳ اسفند ۱۴۰۴ به فیض شهادت نائل آمدند، از مجاهدت ها و تلاش های خالصانه فرماندهان و کارکنان غیور آن نیرو در دفاع از استقلال، امنیت و اقتدار دریایی کشور صمیمانه قدردانی می‌کنم و از درگاه خداوند متعال، عزت و سربلندی و توفیق روزافزون نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را در سایه عنایات حضرت ولیعصر (ع) و تحت تدابیر و فرامین فرمانده معزز کل قوا حضرت امام سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله العالی) را مسئلت دارم.»



شگفتانه‌های نیروی دریایی به نمایش درنیامده است

دریادار شهرام ایرانی نیز دیروز در سخنان پیش از خطبه های نماز جمعه تهران نکات مهمی را درباره عملکرد نداجا در جنگ تحمیلی اخیر بیان کرد و گفت: امروز نیروهای مسلح کشور به ویژه نیروی دریایی ارتش به لطف خدا و لطف شما مردم عزیز، جوانان غیور، دانش بنیان ها، دانشمندان و صنعتگران قوی‌تر شده و روز به روز بدنه نیروی مسلح و به طور خاص نیروی دریایی به تجهیزات جدید مجهز می‌شوند.

وی با اشاره به تجهیزات و سامانه های جدید نیروی دریایی گفت: آنچه درباره شگفتانه ها گفته می‌شود، در تصاویر دیده نشده است. در تصاویر منتشرشده، بسیار مختصر و شاید تنها یک یا دو سامانه به نمایش درآمده، اما بقیه سامانه‌ها در صحنه و منطقه عملیاتی قرار دارند و به‌صورت دقیق در حال ارزیابی هستند.

فرمانده نیروی دریایی ارتش با اشاره به وضعیت نیروهای دشمن گفت: واقعا امروز دشمن مستاصل شده است؛ از خلبانان و سربازان تا فرماندهانش، همه مستاصل هستند و نمی دانند از کجا، چگونه و با چه وسیله‌ای مورد تهاجم قرار می‌گیرند. امروز افتخار مردم عزیز ایران و ایران بزرگ اسلامی، زیر سایه پرچم ولایت، این است که ان‌شاءالله دشمن را برای همیشه تاریخ، نه تنها از خلیج فارس، بلکه از غرب آسیا اخراج خواهند کرد.

دریادار ایرانی با اشاره به اقدامات خصمانه دشمن گفت: پاسخ پدرکشی، برادرکشی و کودک‌کشی را حتما خواهیم داد و انتقام عزیزانمان را خواهیم گرفت. دشمن به‌خوبی می‌داند که اگرچه با تمام ناجوانمردی، قوانین را زیر پا گذاشته است، اما پاسخ این اقدامات را دریافت خواهد کرد.

بازپس‌گیری دو نفتکش در عملیات تکاوران ارتش

وی با اشاره به عملکرد نیروهای دریایی ارتش در مقابله با اقدامات دشمن عنوان کرد: امروز دشمن نه به‌عنوان ارتشی با توانمندی والا و ویژگی های خاص، بلکه با اقداماتی شناخته می‌شود که ماهیت واقعی آن را نشان می‌دهد. آنها دو نفتکش ما را به سرقت بردند، اما تکاوران دلاور نیروی دریایی ارتش وارد عمل شدند و این نفتکش ها را پس گرفتند. زمانی که نیروهای ما وارد کشتی شدند، تیم مستقر برای حفاظت آن در خواب بود.

فرمانده نیروی دریایی ارتش گفت: «آنها برای عبور شناورها از تنگه هرمز، مبالغی بالغ بر میلیون‌ها دلار دریافت می‌کنند و حتی پیش از عبور شناور، پول را مطالبه می‌کنند. اما زمانی که همان شناور مورد اصابت قرار می‌گیرد، مسئولیت آن را نمی‌پذیرند. این یک حساب یک‌طرفه است؛ پول دریافت می‌کنند، اما هنگام بروز حادثه مسئولیتی قبول نمی‌کنند.» آنچه مشخص است اینکه نیروی دریایی ارتش، در طول تاریخ، همیشه نقش «ترازو» را ایفا کرده است؛ ترازویی که وقتی موازنه قدرت در دریا به نفع دشمن سنگینی می‌کند، با ایستادگی و قدرت‌نمایی خود، دوباره آن را به نفع حاکمیت ملی تنظیم می‌کند. نداجا امروز نماد این حقیقت است که ایران، کشوری است که با قدرت خود در دریا، امنیت خود را تضمین می‌کند.

رهبر انقلاب: سازمان بسیج باید نسخه‌های پیشرفته‌تر و جدیدتر از بسیج پیشین را تنظیم و مدیریت کند
ابلاغ نقشه راه تحول بسیج



- سازمان بسیج با استفاده از ملت بعثت یافته، نسخه های پیشرفته تر و جدیدتری از بسیج را تنظیم کند
- بسیجیان از هیچ فرصتی برای ضربه به دشمنان چشم‌پوشی نمی‌کنند
- بعثت ملت بزرگ ایران در دوره دفاع مقدس سوم؛ تکثیر روحیه بسیجی در سراسر کشور به شمار می‌رود
- بسیارند کسانی که عضو مصطلح بسیج نبوده ولی تفکر و مکتب بسیج را می‌ستایند
- بسیج به‌مدد بسیجیان خود تا به حال کاستی‌های بسیاری از نهادهای رسمی و غیررسمی را جبران کرده است
- روحیه بسیجی با رفتار خود بسیجیان قابل تکثیر در اجزای جامعه است

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت هفته بسیج، این نهاد مردمی و سرسپرده مکتب حسین صلوات‌الله و سلامه علیه را پدیده‌ای شگفت انگیز و ارزشمند خواندند و با اشاره به ظرفیت گسترده بعثت ملت ایران که تکثیر روحیه بسیجی در سراسر کشور است، تاکید کردند: سازمان بسیج باید با استفاده از این ظرفیت عظیم برای تحول و تولدی جدید و دستیابی به نسخه‌های پیشرفته‌تر و جدیدتر از بسیج که زمینه‌ساز تحقق شعار «هر ایرانی یک بسیجی» است، برنامه‌ریزی و اقدام نماید.

متن پیام رهبر انقلاب به این شرح است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

هفته بسیج موقعیت مناسبی برای نگاهی جدید به پدیده شگفت‌انگیز و ارزشمند بسیج است. نهادی که به ابتکار حضرت امام خمینی اعلی‌الله مقامه الشریف تشکیل شد تا به‌تدریج و در طی دوره‌ای تکاملی، ایرانیان پرانگیزه، امیدوار، فداکار و خواهان عزت اسلام و ایران و سرسپردگان مکتب حسین صلوات‌الله و سلامه علیه را از نسل‌های مختلف گرد هم آورد و هسته‌ای سخت از طرفداران حق و عدالت باشد. بسیج ابتدائا خود را در دفاع هشت ساله نشان داد؛ آن‌گاه که با حضوری کارساز در عرصه‌های نبرد نظامی، پشتوانه اصلی و محوری جنگ شد. در طول آن نبرد مقدس، بسیجیان از نوجوانان تا کهن‌سالان از فضای روحانی خاکریزها و سنگرها بهره‌های معنوی بی‌شماری می‌بردند و به‌واسطه ایشان فضای شهرها و روستاهای کشور عطرآگین می‌شد.

بدین‌سان آنچه در اذهان عموم از بسیج و بسیجیان نقش می‌بست، تصویری بود از ایمان، تعهد، صفا، اخلاص، بصیرت، شجاعت، مجاهدت، عمل به تکلیف و از خودگذشتگی و فداکاری برای دیگران؛ مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی که در آثار کهن این سرزمین، پهلوانان نامدار اخلاق‌مدار با بعضی از آن توصیف شده بودند. اگر تا به حال بعضی از شخصیت‌های داستان‌های افسانه‌گون، نماد پاره‌ای از این خصوصیات بودند، اینک به برکت انقلاب اسلامی، این شخصیت‌های حقیقی در داستان واقعی بودند که در لباس بسیج حماسه می‌آفریدند و گذشت‌ها و فداکاری‌های فراوان بسیاری را به نمایش می‌گذاشتند.

گرچه دوران دفاع مقدس پس از هشت سال به پایان افتخارآمیز خود رسید، ولی به‌واسطه روحیه بسیجی، اثری عمیق از خود بر جهات مختلف نظامات رسمی و به‌خصوص غیررسمی کشور به جا گذاشت. این روحیه، ثروتی عظیم بود که دفاع مقدس و هدایت‌های حضرت امام خمینی اعلی‌الله مقامه الشریف و پشتیبانی توده‌های انبوه مردم، آن را به عمل آورد. اینک در توضیح بیشتر برخی از وجوه مقصود از سخن، چند نکته معروض می‌گردد:

اولا: بدون تردید به‌موازات بعثت ملت بزرگ ایران در دوره دفاع مقدس سوم که به نوعی تکثیر روحیه بسیجی در سراسر کشور به شمار می‌رود، سازمان بسیج نیز باید تحول و تولدی جدید را تجربه نماید. این سازمان باید با استفاده از ملت بعثت‌یافته، نسخه‌های پیشرفته‌تر و جدیدتری از بسیج پیشین را تنظیم و مدیریت کند. لذا از این پس باید با گام‌های بلند، محکم و حساب شده به‌سوی تحقق شعار «هر ایرانی، یک بسیجی» راه پیمود. اکنون بسیاری از ارتشیان، سپاهیان، انتظامیان، دولتیان، مجلسیان و امثال ایشان همچون انبوهی از مردم از آنجا که دل در گرو مکتب و مرام بسیج دارند، خود را یکی از بسیجیان می‌دانند؛ همچنان که یاران پرچم به دست شب‌ها و روزهای میادین و خیابان‌ها که بعثت ملت را معنایی ملموس و مشهودتر بخشیدند و انبوه جان‌فدایان عملا این‌چنین هستند. بسیارند کسانی که عضو مصطلح بسیج نبوده ولی تفکر و مکتب بسیج را می‌ستایند و احیانا مرام خود را با آن وفق می‌دهند. سازمان بسیج باید به بهترین شکل از این نعمت خداداد استفاده کند.

ثانیا: غیر از ظرفیت فراهم‌آمده مذکور، سازمان رسمی بسیج همواره باید برای گسترش روحیه بسیجی در جای جای کشور تلاش نماید. روحیه بسیجی که به بعضی از ویژگی‌های آن اشاره شد با رفتار خود بسیجیان قابل تکثیر در اجزای جامعه است. در پیش گرفتن حسن خلق، عطوفت و مهربانی، احترام به مردم، رعایت جهات مختلف تقوای فردی و جمعی و مراعات آنچه از دوران‌های سابق، بسیاری از بسیجیان با آن شناخته می‌شدند از قبیل تواضع و فروتنی، ایثار، عدم تمایل به دیده شدن، دوری از تجملات و تشریفات و امثال این‌گونه رفتارهای مطبوع، ایشان را به چشم و چراغ ملت در هر محله و شهر و روستایی تبدیل کرده و همگان را به تاسی از این مرام و مسلک فرا می‌خواند.

ثالثا: سرسپردگی اصلی بسیجیان به مکتب حسین صلوات‌الله و سلامه علیه که قرائت صحیح از اسلام ناب محمدی صلی‌الله علیه و آله و سلم است، می‌باشد. هر وصل و فصل و هر تولا و تبرای ایشان بر این اساس شکل می‌گیرد. دو آموزه قرآنی حیات‌بخش: «رحماء بینهم» و «اشداء علی الکفار»(۱) چراغ راه قلب بسیجیان است. از این‌رو ایشان هرگونه مهربانی و فداکاری نسبت به مردم و نظام و انقلاب به عمل می‌آورند و از هیچ فرصتی برای ضربه به دشمنان اسلام و نظام اسلامی چشم‌پوشی نمی‌نمایند.

پاسداشت انسجام اجتماعی و اتحاد مقدس ملت ایران که در این ایام ارزش والای آن و تاثیر شگرف آن در امتداد پیروزی های رزمندگان شجاع و فداکار اسلام در عرصه‌های نظامی بر دستگاه محاسباتی دشمن در هر دو سوی آوردگاه حق و باطل امری مشهود است، باید از صفات مشترک همه بسیجیان باشد.

رابعا: بسیج به‌مدد بسیجیان خود در طول حیات خود تا به حال کاستی‌های بسیاری از نهادهای رسمی و غیررسمی را جبران کرده است. حال با توجه به رشد چشمگیر بسیج در دوره بعثت مردم ایران، ظرفیت‌های بالفعل و همه کسانی که قلبا بسیجی محسوب می‌شوند از قبیل اصحاب میادین و خیابان‌ها و جان‌فدایان و دیگرانی که در مسیر تعالی فردی و اجتماعی، هم‌عهد با آنان هستند؛ کسانی که دل‌های آنان پایگاه‌های واقعی بسیج به شمار می‌رود، قدرت عظیمی را تشکیل می‌دهد که باید از جزء جزء آن در مسیر حل مشکلات کشور و دستیابی به فرصت‌های جدید و بدیع بهره برد و این‌گونه به شعار هر ایرانی یک بسیجی، غنای بیشتری بخشید.

امید است با توجه به این نکات، بسیج ایرانیان نمونه‌ای متعالی از همیاری و نصابی عالی از تحقق مفهوم امت و ملت را در تاریخ این کشور ثبت نماید؛ به‌طوری که مبدأ ترقیات و پیشرفت‌های چشمگیر آینده به شمار آید.

از خداوند متعال مسئلت می‌کنم که شهدای عزیز بسیج را به رضوان الهی و هم‌جواری با اهل بیت صلوات‌الله و سلامه علیهم اجمعین متنعم و به جانبازان عزیزشان صبر و عافیت عنایت فرموده و همه بسیجیان ایران و جبهه مقاومت که خود یکی از کوچک‌ترین آنانم را در زمره سربازان سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف و مشمول دعای خیر و فتح و برکت آن حضرت قرار دهند.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای

۵/آذر/۱۴۰۵

۱) سوره فتح، آیه ۲۹

درگفت‌وگو با بادامچیان بررسی شد
پیش‌شرط‌های ایران ابرقدرت



محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، پنج‌شنبه هفته گذشته در حساب کاربری خود با بیان اینکه امروز بسیج را باید فراتر از عرصه دفاع دید؛ از امنیت و اقتدار ملی تا علم و فناوری، از اقتصاد و تولید تا سازندگی و محرومیت‌زدایی نوشته بود: «این ظرفیت می‌تواند یکی از ارکان اصلی شکل‌گیری ایران قدرتمند و اثرگذار در جهان باشد. ایران ابرقدرت، فقط با قدرت نظامی ساخته نمی‌شود؛ به سرمایه انسانی، اراده ملی، دانش و روحیه مسئولیت‌پذیری مردم نیاز دارد.»

با توجه به موضع‌گیری دبیر شعام پیش‌شرط های «ایران ابرقدرت» را با یک فعال سیاسی گفت‌وگو کرده ایم.

اسدالله بادامچیان در تبیین نخستین پیش شرط رسیدن به «ایران قوی»، گفت: مدیریت جامعه باید در دست عناصری فهیم، قوی و در مسیر اسلام واقعی قرار گیرد، به‌گونه‌ای که اقتصاد آنها اقتصادی فقاهتی، سیاست‌شان سیاست علوی و حکومت‌شان حکومت مهدوی باشد. اگر طراحی جامعه بر این مبانی استوار شود، به پیشرفت دست خواهیم یافت!

وی تاکید کرد: همچنین مدیریت کشور باید به دست عناصر مکتبی خالصی سپرده شود که اسلام و فقه را به درستی بشناسند و به تعبیر مرحوم عسگراولادی، بدانند که فقه و قرآن چه می‌گوید و دستورات خداوند رزاق را در جامعه پیاده کنند، این‌گونه بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.

رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی درخصوص دومین پیش‌شرط رسیدن به «ایران قوی» گفت: مدیران نباید تنها افراد خوبی باشند که با اسلام آشنایی دارند، بلکه باید در کنار پاکدستی و تدین، از توان مدیریتی، تخصص و آگاهی لازم نیز برخوردار باشند. ممکن است فردی متدین و اهل عبادت باشد، اما با مبانی اقتصاد اسلامی آشنایی نداشته باشد و تنها اقتصاد مادی‌گرایانه را در دانشگاه آموخته باشد در این صورت، هنگام تصمیم‌گیری نیز به نظریه های اقتصاد غربی تکیه می‌کند.

بادامچیان تاکید کرد: اقتصاد به مدیرانی نیاز دارد که قوی، آگاه، متدین، باتقوا و آشنا با مبانی اسلام باشند. همان‌طور که در کتاب «مبانی و روش تحلیل سیاسی» نوشته‌ام، سیاست انبیا و سیاست علوی با دیگر الگوهای سیاسی تفاوت دارد؛ از این رو مدیران باید این مبانی را بشناسند. وی با بیان اینکه مدیر باید قاطعیت داشته باشد و در عین حال، از انعطاف لازم برخوردار باشد، همچنین باید فردی مسلط، کارآمد و توانمند در هدایت امور باشد اظهار کرد: معتقدم بخشی از مشکلات اقتصادی کشور به همین مسائل بازمی‌گردد. برخی از مدیران متاثر از غرب، تصور می‌کنند می‌توان الگوی سرمایه‌سالارانه غرب را در اقتصاد اسلامی ارزش‌محور و مردم‌سالار اجرا کرد و برخی دیگر نیز گمان می‌کنند با الگوهای اقتصاد چپ می‌توان عدالت برقرار کرد و اقتصاد را به حرکت درآورد.

رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی با اشاره به تجربه کشورهای کمونیستی، خاطرنشان کرد: اگر این الگوها کارآمد بودند، شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی می‌توانستند با اتکا به آنها به خوبی اداره شوند. حتی چین دوران مائو نیز نتوانست این مسیر را ادامه دهد اما دنگ شیائوپینگ با تغییر رویکردها و اصلاح سیاست‌ها، مسیر دیگری را در پیش گرفت.

بادامچیان درباره الزامات پیشرفت اقتصادی کشور، گفت: اگر می‌خواهیم اقتصاد کشور پیشرفت کند، توجه به همین پیش‌شرط‌ها ضروری است. خوشبختانه زیربنای اقتصاد کشور ما امروز محکم است؛ ما در شرایط رویارویی با استکبار جهانی، تحریم‌های بین‌المللی و توطئه‌های صهیونیسم بین‌الملل قرار داشته‌ایم، اما با وجود تمام این فشارها، کشور اداره شده است.

وی با بیان اینکه امروز با گذشت ماه‌ها از این شرایط سخت، تمامی اقلام و تجهیزات مورد نیاز در کشور فراهم است، گفت: چنانکه در حوزه نظامی شاهد تکامل توان دفاعی و دستاوردهای سپاه پاسداران هستیم و در سطح جامعه نیز کالاها در دسترس مردم قرار دارد، زیرساخت‌های آب، برق، گاز و بنزین تامین است و مردم به امور روزمره می‌پردازند. این وضعیت به‌خوبی نشان می‌دهد که زیربنای اقتصادی کشور مستحکم است.

گزارش «آگاه» درباره پیش‌نویس لایحه جدید برای اصلاح
سازوکار فعالیت‌های سیاسی را بخوانید
پایان عصر احزاب فصلی و خانوادگی

سیدمهدی حسینی، خبرنگار سیاسی آگاه: در هر نظام سیاسی، احزاب نقش پل ارتباطی میان مردم و قدرت را ایفا می‌کنند. ایده‌آل این است که احزاب، بستری برای تبدیل ایده‌ها به برنامه‌های اجرایی باشند و کادرهایی تربیت کنند که وقتی در قدرت قرار می‌گیرند، دیگر نیازی به آزمون و خطا نباشد. اما در فضای سیاسی ما، احزاب غالبا در ایام انتخابات ظهور و بروز می‌کنند؛ تشکل‌هایی که فقط در ایام انتخابات زنده می‌شوند و پس از آن، به خوابی عمیق فرو می‌روند.

علی زینی‌وند، سخنگو و معاون سیاسی وزیر کشور، دیروز (جمعه) در گفت‌وگویی، از تدوین پیش‌نویس لایحه جدید برای اصلاح سازوکار فعالیت تشکل‌های سیاسی خبر داد و گفت: این نقص است که روسای جمهور ما از یک حزب بیرون نمی‌آیند و بعدا هم به لحاظ برنامه و هم به لحاظ چینش نیروها با مشکل مواجه می‌شوند بنابراین فعالیت احزاب در این حوزه جدی‌تر می‌شود و به استانداردها نزدیک می‌شود.

وی اظهار کرد: احزاب را بین احزاب استانی و ملی تقسیم کرده‌ایم؛ این هم یکی از چالش‌ها است که اصلا حزب به معنای محلی، در ساختار کشور به آن صورت تعریف نشده است. شاید بهتر باشد احزاب در سطح ملی فعالیت کنند، هرچند ممکن است در سطح استانی ریشه‌دار یا دارای افراد استانی باشند، اما در سطح ملی اثرگذاری کنند. بنابراین، ما در مجوزهای اولیه و نهایی، احزاب را با تعریف کرده‌ایم تا فعالیت آنها به استانداردهای اصلی احزاب نزدیک‌تر شود. معاون سیاسی وزیر کشور با بیان اینکه ما احزاب را وادار می‌کنیم که برای انتخابات برنامه‌ریزی کنند و کادرهای آموزشی تربیت کنند، تاکید کرد: کشور باید توسط احزاب و کادرهای آموزش‌دیده با دیدگاه‌های مختلف از مجلس و دولت اداره شود و واقعا برنامه داشته باشند. این یکی از نقص‌هایی است که رفع می‌شود.



سخنان علی زینی‌وند را می‌توان در سه بخش تحلیل کرد:

۱- حزب محوری در قوه مجریه: در طول تاریخ انقلاب، روسای جمهور اغلب به عنوان شخصیت‌های منفرد وارد پاستور می‌شدند و نماینده یک حزب با برنامه‌ای مدون نبودند. طبیعتا پس از پیروزی، رئیس جمهور منتخب با دو چالش مواجه می‌شود. نخست نبود برنامه مکتوب و جامع و دوم، نبود کادرهای هم‌سو؛ از این رو تلاش برای اینکه روسای جمهور از دل احزاب بیرون بیایند، حرکتی به سمت «برنامه‌محوری» ارزیابی می‌شود.

۲. احزاب و بازتعریف جغرافیا: تا امروز، تفکیک احزاب استانی و ملی در عمل با چالش‌های زیادی روبه‌رو بود. برخی از احزاب استانی، بیشتر شبیه به گروه‌های محلی بودند تا یک حزب سیاسی با دیدگاه کلان. برهمین اساس، پیشنهاد زینی‌وند. بخوانید وزارت کشور. مبنی بر تمرکز بر اثرگذاری ملی، نگاه هوشمندانه‌ای است به دلیل آنکه حزب نباید در مرزهای جغرافیایی استانی محصور شود، باید ریشه‌هایش در استان‌ها و شاخه‌هایش در سطح ملی تصمیم‌گیرنده باشد و این کار، مانع جزیره‌ای عمل کردن احزاب می‌شود.

۳. احزاب و اجبار به برنامه‌ریزی و تربیت کادر: نکته کلیدی در سخنان دبیر کمیسیون ماده ۱۰، تاکید بر الزام احزاب به برنامه‌ریزی است. وقتی حزب موظف شود کادرهای آموزشی تربیت کند، در واقع دارد بانک مدیران کشور را تقویت می‌کند. در این مدل، کسی به مجلس یا دولت نمی‌رسد، مگر آنکه از فیلتر آموزشی و برنامه‌ریزی حزب عبور کرده باشد تا دیگر مدیریت کشور در دست افرادی نباشد که تازه پس از رسیدن به قدرت، برایشان سوال پیش بیاید که حالا چه کنند!

در نهایت، موضع‌گیری معاون سیاسی وزیر کشور، آسیب‌شناسی دقیق از وضعیت فعلی است. او به صراحت می‌گوید که ما با کمبود حزب روبه‌رو نیستیم، با کمبود استانداردهای حزبی روبه‌رو هستیم. بنابراین اگر این پیش‌نویس لایحه به مرحله اجرا برسد و احزاب را از حالت فعالیت‌های انتخاباتی به نهادهای برنامه‌ریز تبدیل کند، شاهد اقدام ارزنده‌ای خواهیم بود. در آن صورت رقابت سیاسی دیگر نبردی میان افراد نیست، رقابتی میان برنامه‌ها ست و برنده، آن حزبی خواهد بود که بهترین کادرهای آموزش دیده و جامع‌ترین برنامه‌ها را برای مردم داشته باشد.



عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی:

ذخایر کافی اسکناس ارزی در اختیار داریم

زلنسکی از نتانیاهو دریوزگی می‌کند

تنبیه اوکراین در دستور کار



رویدادهای روزهای اخیر بیانگر تلاش صهیونیست‌ها جهت تدارک تجاوز مجدد به ایران است. رژیم اسرائیل درصدد است با انجام عملیات‌های پرچم دروغین یا همان False flag زمینه تجاوز به ایران را فراهم آورد.

روز پنج‌شنبه بود که رسانه‌های غربی گزارش دادند زیرساخت‌های شرکت صنایع دفاعی راین‌متال آلمان درکویت با حمله پهپادی، مورد هدف واقع شده و چهار نفر از جمله دو تکنسین ایتالیایی مجروح شده‌اند. پس از چند ساعت همان رسانه‌های غربی مدعی شدند که آن دو تکنسین ایتالیایی کشته شده‌اند. پس از این اتفاق، موج اتهام‌زنی به سوی ایران سرازیر شد و غربی‌ها، ایران را مسئول حمله به تاسیسات آلمانی کویت و کشتن دو تکنسین اروپایی معرفی کردند.

به دنبال این اتفاق، مقامات کشورمان از جمله سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه و سردار ابوالفضل شکارچی، سخنگوی ارشد نیروهای مسلح، انتساب این حمله به ایران را تکذیب کردند.

در همین رابطه، عراقچی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس، نوشت: در گفت‌وگوهای تلفنی با همتایان ایتالیایی و کویتی، مراتب تسلیت و همدردی خود را به دلیل جان باختن شهروندان ایتالیایی در کویت ابراز کردم. وی افزود: این حادثه مشکوک است و به نظر می‌رسد بخشی از یک سناریوی از پیش طراحی‌شده برای شعله‌ور کردن جنگ باشد. وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تصریح کرد: ما آمادگی کامل داریم با کویت و ایتالیا برای روشن شدن علت وقوع این حادثه همکاری کنیم.

سردار شکارچی، سخنگوی ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیز با اشاره به ادعاهای اخیر ارتش کویت مبنی بر وقوع حمله نیروهای ایرانی به یکی از مراکز حیاتی این کشور، ضمن تکذیب قاطع و کامل این ادعا، اعلام کرد که هیچ‌گونه عملیات نظامی یا تهاجمی از سوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در منطقه صورت نگرفته است. سخنگوی ارشد نیروهای مسلح کشورمان همچنین افزود: با توجه به پیشینه اقدامات خصمانه و نقش رژیم صهیونیستی و نیروهای آمریکایی در استفاده از پرچم دروغین و ماجراجویی‌های منطقه‌ای، این اتهامات، پوششی برای تداوم شرارت و تلاش جهت افزایش ناامنی در منطقه تلقی می‌شود.

تحرکات خصمانه اروپا علیه ایران

همچنین در همین راستا، یک منبع امنیتی نیز در گفت‌وگویی از استقرار شبکه عملیاتی پهپادی و ریزپرنده‌های اوکراین در برخی کشورهای منطقه از جمله اقلیم کردستان عراق خبر داد و گفت: عناصر اوکراینی هزاران پهپاد و ریزپرنده در این منطقه مستقر کرده‌اند. به گفته این منبع، اطلاعات مربوط به کشورهای میزبان و ابعاد این شبکه محفوظ است، اما تهران اشراف کامل بر تحرکات کی‌یف دارد و این اقدامات را بخشی از تحرکات خصمانه اروپا علیه ایران می‌داند.

همزمان، محمد مرندی، تحلیلگر ایرانی، نیز حمله به کویت را یک عملیات پرچم دروغین دانسته و احتمال نقش اوکراین در آن را مطرح کرده است؛ موضوعی که با گزارش استقرار نیروها و شبکه ریزپرنده‌های اوکراینی در شمال عراق و سوریه پیوند داده شده است. مجموع این اظهارات، نقش‌آفرینی بازیگران ثالث در حمله به کویت و تلاش برای متهم‌سازی ایران در یک عملیات پرچم دروغین را مطرح می‌کند. براساس ادعاهای مطرح شده، دو شهروند ایتالیایی در پی حمله پهپادی به یک تاسیسات حیاتی در کویت که تلاش شده به ایران منتسب شود، جان باخته‌اند. این حادثه روز پنج‌شنبه پنجم آذر ۱۴۰۵ رخ داده است.

به طور کلی، تحولات اخیر منطقه و افزایش فضاسازی رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران، این نگرانی را تقویت کرده است که برخی بازیگران خارجی درصدد طراحی سناریوهای امنیتی برای فراهم‌سازی زمینه تنش‌آفرینی و اقدامات نظامی جدید علیه ایران باشند. حمله مشکوک به تاسیسات دفاعی در کویت و طرح اتهامات شتاب‌زده علیه تهران، ضرورت بررسی ابعاد پنهان این حادثه و احتمال نقش‌آفرینی بازیگران ثالث در چارچوب عملیات‌های موسوم به پرچم دروغین را برجسته کرده است. همزمانی این حادثه با انتشار گزارش‌هایی درباره تحرکات پهپادی برخی نیروهای خارجی در منطقه، پرسش‌های جدی درباره اهداف پشت پرده این تحرکات و تلاش احتمالی برای ایجاد اجماع بین‌المللی علیه ایران مطرح می‌کند.

به نظر می‌رسد جریان‌های ضدایرانی با بهره‌گیری از فضای ملتهب منطقه، تلاش دارند از طریق انتساب حوادث مبهم امنیتی به جمهوری اسلامی ایران، زمینه مشروعیت‌بخشی به اقدامات خصمانه و افزایش فشارهای سیاسی و نظامی علیه تهران را فراهم کنند. در چنین شرایطی، بررسی دقیق شواهد میدانی، شناسایی عاملان واقعی حمله و جلوگیری از قضاوت‌های شتاب‌زده، ضرورتی اساسی برای ممانعت از گسترش بحران و گرفتار شدن کشورهای منطقه در سناریوهای طراحی‌شده است.

مجموعه تحولات اخیر نشان می‌دهد که احتمال بهره‌برداری سیاسی و رسانه‌ای از حوادث امنیتی منطقه را نمی‌توان نادیده گرفت؛ به‌ویژه آنکه هرگونه انتساب بدون ارائه شواهد معتبر می‌تواند بهانه‌ای برای تشدید تنش‌ها و فراهم‌سازی زمینه درگیری‌های تازه باشد.

ایران از مسئولیت حملات مشروع خود، شانه خالی نمی‌کند

ایران اسلامی نشان داده که اگر هدفی را زیر ضربه قرار دهد، مسئولیت آن را می‌پذیرد. زیرساخت‌های آمریکایی‌ها در داخل کشورک‌های حاشیه خلیج فارس، هدف مشروع ایران است؛ طی روزها و ماه‌های اخیر این زیرساخت‌ها به کرات توسط قوای مسلح کشورمان زیر ضربه رفته‌اند، چون مبدأ تجاوز و شیطنت علیه منافع ایران بوده‌اند. اما قضیه اخیر کویت بسیار مشکوک است؛ به ویژه آنکه نقش دولت ورشکسته اوکراین نیز در آن مشهود است؛ دولتی که خودش درگیر جنگ است، اما برای خوش‌خدمتی به رژیم اسرائیل، به شرارت علیه ایران روی آورده است.

در همان روز پنج‌شنبه که خبر حمله پهپادی به تاسیسات آلمانی کویت و مرگ دو تکنسین ایتالیایی اعلام شد، رسانه‌های کشور ایتالیا اعلام کردند که یک کشتی باری ایرانی با نام الوان که احتمالا حامل قطعات الکترونیکی ساخت چین و هند برای استفاده در نبردهای پهپادی بوده، در بندر بنغازی لیبی هدف حمله اوکراین قرار گرفته است.

پیشتر نیز اخباری مبنی بر حمله به قایق‌های ایرانی در دریای مازندران از سوی اوکراین مخابره شده بود. دولت ورشکسته زلنسکی در اوکراین باید بداند که خوش‌خدمتی‌اش برای صهیونیست‌ها و حمله به منافع ایران، قطعا برایش گران تمام خواهد شد و این احتمال بسیار بالا خواهد بود که کی‌یف از سوی تهران مورد تنبیه سخت قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران همواره تاکید کرده است که در دفاع از منافع و امنیت ملی خود، هیچ‌گونه مماشاتی با عوامل تجاوز و ناامن‌سازی منطقه نخواهد داشت. با این حال، تحولات مشکوک اخیر در کویت و همزمانی آن با گزارش‌های مربوط به تحرکات اوکراین علیه منافع ایران، ضرورت بررسی دقیق نقش بازیگران ثالث در این حوادث را دوچندان کرده است. ورود دولت اوکراین به معادلات امنیتی منطقه و طرح ادعاهایی درباره فعالیت شبکه‌های پهپادی این کشور در نزدیکی مرزهای ایران، پرسش‌های جدی درباره اهداف کی‌یف و هماهنگی احتمالی آن با جریان‌های ضدایرانی ایجاد کرده است.

به نظر می‌رسد برخی محافل خارجی تلاش دارند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اطلاعاتی و عملیاتی بازیگران ثالث، جبهه جدیدی از فشار علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد کنند؛ اقدامی که در صورت اثبات، می‌تواند پیامدهای جدی برای امنیت منطقه به همراه داشته باشد. دولت اوکراین باید بداند که تبدیل شدن به ابزاری در معادلات امنیتی رژیم صهیونیستی، نه‌تنها کمکی به حل بحران‌های داخلی این کشور نخواهد کرد، بلکه می‌تواند دامنه نزاع را نیز گسترش دهد. اگر رژیم شیطانی اسرائیل دست از پا خطا کند و با آمریکا یا بی‌آمریکا، به ایران تجاوز کند، شاید اوکراین نیز بهای این موضوع را بپردازد؛ آنگاه احتمالا مماشاتی را که روسیه پوتین با اوکراین می‌کند تهران انجام ندهد.

بیش از ۴۷ میلیارد دلار تحمیل خسارت به ماشین جنگی واشنگتن

پایگاه‌های آمریکا زیر ضرب

جنگ علیه ایران، بحث درباره آینده حضور نظامی آمریکا در غرب آسیا را وارد مرحله تازه‌ای کرده است. هزینه سنگین بازسازی پایگاه‌ها، آسیب‌پذیری تاسیسات نظامی در برابر موشک‌ها و پهپادهای ایران، نارضایتی افکار عمومی آمریکا و شکل‌گیری ترتیبات دفاعی جدید در منطقه، از عواملی هستند که می‌توانند واشنگتن را به بازنگری در شیوه و ابعاد استقرار نیروهایش وادار کنند.

عمر فاروق، تحلیلگر روابط بین‌الملل، در گزارشی در الجزیره نوشت؛ جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، آسیب‌پذیری‌های حضور نظامی واشنگتن در خاورمیانه را آشکار کرده و این احتمال را مطرح ساخته که پس از پایان جنگ، ابعاد و شیوه استقرار نیروهای آمریکایی در منطقه تغییر کند. حضور نظامی ایالات متحده در سراسر خاورمیانه گسترده است. حدود ۵۰ هزار نیروی آمریکایی و نزدیک به ۱۹ پایگاه نظامی عمده در این منطقه مستقر هستند و تجهیزات و امکانات نظامی و اشنگتن در کشورهایی از جمله بحرین، اردن و عربستان سعودی پراکنده شده‌اند. مایکل اوهانلون، پژوهشگر ارشد موسسه بروکینگز در واشنگتن، از جمله کارشناسانی است که انتظار دارد آمریکا در نهایت حضور نظامی خود در خاورمیانه را کاهش دهد. او در این باره گفت: فکر می‌کنم حضور نظامی ما کوچک‌تر، پراکنده‌تر، مستحکم‌تر و به‌طور کلی دورتر از ایران خواهد شد؛ البته نه در همه موارد. خسارت‌های وارد شده به تاسیسات نظامی آمریکا در خاورمیانه ممکن است در آینده به تغییری راهبردی منجر شود؛ تغییری که نه‌تنها ایالات متحده بلکه کشورهای دیگری را نیز که حضور نظامی آمریکا بر آنها تاثیر گذاشته است، دربر می‌گیرد.

خسارت ۴۷ میلیارد دلاری آمریکا در جنگ خود خواسته

یکی از موانع بلندمدت حفظ حضور نظامی آمریکا در منطقه، هزینه بازسازی تاسیسات آسیب‌دیده خواهد بود. بر اساس برآورد مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی (CSIS) مستقر در واشنگتن، بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده در پایگاه‌های آمریکا در منطقه ممکن است حدود ۱۰ میلیارد دلار هزینه داشته باشد. از زمان آغاز جنگ در ۲۸ فوریه، صدها سازه در پایگاه‌های آمریکا هدف حملات ایران قرار گرفته و آسیب دیده‌اند. یکی از این پایگاه‌ها در بحرین قرار دارد؛ کشوری که مقر فرماندهی نیروهای دریایی مرکزی آمریکا و ناوگان پنجم این کشور در آن مستقر است. آمریکا از سال ۱۹۴۸ حضور فرماندهی دریایی خود را در بحرین برقرار کرده است.

با این حال، براساس گزارش سروبس پژوهشی کنگره آمریکا، پایگاه موسوم به فعالیت پشتیبانی دریایی بحرین (NSA Bahrain) در روزهای نخست جنگ ایران آسیب‌های جدی دید. این گزارش هزینه بازسازی پایگاه را بیش از ۴۰۰ میلیون دلار برآورد کرده است. دیگر تجهیزات و دارایی‌های نظامی آمریکا در منطقه نیز از پیامدهای جنگ در امان نمانده‌اند. در ماه سپتامبر، گزارش بازرس کل وزارت جنگ آمریکا نشان داد که این کشور در جریان جنگ ده‌ها فروند هواپیما، از جمله بالگردهای تهاجمی و جنگنده‌های پیشرفته‌ای مانند اف-۳۵ ای و اف-۱۵ای را از دست داده است.

بر اساس آمارهای پنتاگون، هزینه کلی جنگ ایران تا ماه اکتبر از ۴۷ میلیارد دلار فراتر رفت. تصویر تایید‌شده از سوی خبرگزاری فرانسه ظاهرا یک فروند هواپیمای آواکس نیروی هوایی آمریکا را نشان می‌دهد که در پی حمله موشکی به پایگاه هوایی شاهزاده سلطان در عربستان سعودی، در ۲۹ مارس ۲۰۲۶ منهدم شده است.

بازنگری در ضرورت حفظ پایگاه‌های بزرگ

به گفته مارک کانسیان، مشاور ارشد بخش دفاع و امنیت مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی، بازسازی پایگاه‌های آمریکا تا پایان جنگ ایران بعید است. او گفت: اگر جنگ با نوعی آتش‌بس پایان یابد یا به وضعیتی نسبتا باثبات برسیم، در آن صورت شاهد کاهش شمار نیروهای آمریکایی و قطعا کاهش نیروهای تقویتی خواهیم بود و برخی پایگاه‌ها نیز بازسازی می‌شوند. با این حال، کانسیان انتظار ندارد آمریکا تمام تاسیسات نظامی هدف حملات ایران را بازسازی کند. او به مقر ناوگان پنجم دریایی آمریکا در بحرین و مرکز عملیات هوایی مشترک در پایگاه هوایی العدید قطر به‌عنوان نمونه‌هایی از این تاسیسات اشاره کرد. به گفته او، احتمال دارد برخی تاسیسات نظامی برای محافظت در برابر حملات هوایی به زیر زمین منتقل شوند. برخی دیگر نیز ممکن است به مناطق دورتر از خلیج فارس، مانند اسرائیل یا اردن، انتقال یابند.

کلی گریکو، کارشناس سیاست دفاعی و پژوهشگر ارشد مرکز استیمسون، معتقد است پایگاه‌های بزرگ آمریکا در بحرین و قطر به یک نقطه ضعف تبدیل شده‌اند؛ زیرا در محدوده برد موشک‌ها و پهپادهای ایران قرار دارند. با این حال، به گفته او، انتقال پایگاه‌ها به مناطق دورتر نیز در بلندمدت امنیت آنها را تضمین نمی‌کند؛ چراکه ایران همچنان توانایی خود برای هدف قرار دادن مناطق دوردست با استفاده از پهپادها و موشک‌ها را افزایش می‌دهد.

گریکو یکی از گزینه‌های جایگزین برای بازسازی پایگاه‌ها را ایجاد شبکه‌ای از باندهای پروازی و پایگاه‌های موقت در خاورمیانه می‌داند که در صورت وقوع درگیری دیگری بتوان از آنها استفاده کرد. برای مثال، آمریکا در جنگ علیه ایران به‌طور گسترده از تاسیساتی مانند فرودگاه بن‌گوریون اسرائیل برای سوخت‌رسانی به هواپیماهای جنگی استفاده کرده است. او گفت: آنچه اهمیت بیشتری داشت، دسترسی به مکان‌ها و توانایی جابه‌جایی در میان آنها بود، نه داشتن یک تاسیسات عملیاتی دائمی.

خواسته کشورهای منطقه چیست؟

کارشناسان می‌گویند کاهش حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه، هدفی بوده که دولت‌های مختلف این کشور در چند دوره ریاست‌جمهوری دنبال کرده‌اند. برای نمونه، دونالد ترامپ از زمان آغاز دومین دوره ریاست‌جمهوری خود در سال ۲۰۲۵، خروج نیروهای آمریکایی از سوریه و عراق را تکمیل کرده است. پیش از او نیز جو بایدن در سال ۲۰۲۱ خروج نظامیان آمریکا از افغانستان را مدیریت کرد.

با این حال، واقعیت‌های میدانی، از جمله شکل‌گیری درگیری‌های جدید با مشارکت آمریکا، تحقق هدف کاهش گسترده نیروهای نظامی این کشور را دشوار کرده است. کانسیان در این باره گفت: دولت بایدن می‌خواست آرایش نیروهای نظامی را کاهش دهد. دولت ترامپ هم همین هدف را داشت؛ اما آنها نتوانسته‌اند این کار را انجام دهند و مشخص نیست که در آینده نیز بتوانند. او افزود که متحدان و دشمنان آمریکا نیز در تعیین ابعاد حضور نظامی این کشور نقش دارند. کانسیان گفت: جهان هم در این تصمیم‌گیری نقش دارد و حتی اگر دولت آمریکا بخواهد آرایش نیروهای نظامی خود را کاهش دهد، ممکن است به دلیل تداوم تنش‌ها امکان انجام این کار وجود نداشته باشد.



با این حال، ائتلاف‌های جدیدی شکل گرفته‌اند که ممکن است وابستگی برخی متحدان منطقه‌ای آمریکا به منابع نظامی این کشور را کاهش دهند. عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان در ماه اوت توافق‌نامه دفاع مشترک مکه را امضا کردند؛ توافقی که بر اساس آن، این کشورها در صورت حمله به هر یک از اعضا، از یکدیگر حمایت خواهند کرد. کارشناسان می‌گویند این توافق می‌تواند به بازآرایی منطقه‌ای و فاصله گرفتن از اتکای امنیتی به آمریکا و قدرت نظامی این کشور منجر شود.

عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان در مجموع از ظرفیت نظامی قابل توجهی برخوردارند؛ این سه کشور بیش از یک میلیون و ۴۰۰ هزار نیروی نظامی فعال، هزاران تانک و هواپیمای نظامی و بودجه دفاعی مشترکی بیش از ۱۲۴ میلیارد دلار دارند. احتمال دارد مصر و سوریه نیز به این توافق بپیوندند و در نتیجه، منابع و ظرفیت‌های آن افزایش یابد. به گفته گریکو، چنین توافق‌هایی ممکن است نخستین گام برای متنوع‌سازی راهبردهای نظامی کشورهای منطقه و کاهش اتکای آنها به همکاری با آمریکا باشد. او گفت: منطقه پیش از آغاز این جنگ نیز به سمت متنوع‌سازی راهبردی حرکت کرده بود. پرسش اصلی در ادامه این است که آیا کشورهای منطقه وابستگی راهبردی خود را به آمریکا افزایش خواهند داد یا به تدریج اتکای امنیتی‌شان به این کشور را کاهش می‌دهند.

افزایش نارضایتی‌های داخلی در آمریکا

نارضایتی رأی‌دهندگان آمریکایی نیز ممکن است انگیزه دولت این کشور برای بازسازی تاسیسات نظامی در خاورمیانه را کاهش دهد. جنگ ایران و حمایت آمریکا از جنگ نسل‌کشی اسرائیل در غزه، در میان افکار عمومی آمریکا محبوبیت نداشته است. برای نمونه، شرکت پژوهشی ایپسوس و خبرگزاری رویترز در ماه جاری میلادی در نظرسنجی مشترکی دریافتند که ۷۱ درصد آمریکایی‌ها خواستار پایان دادن کنگره به جنگ علیه ایران هستند. این درگیری در انتخابات نیز با مخالفت گسترده‌ای روبه‌رو شد و حزب جمهوری‌خواه دونالد ترامپ در انتخابات میان‌دوره‌ای سال ۲۰۲۶، در رقابت‌های مهمی به نامزدهای دموکراتی باخت که آشکارا با جنگ مخالفت کرده بودند. در داخل حزب جمهوری‌خواه نیز واکنش‌های منفی به جنگ وجود داشت. جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا که پیشتر مخالفت خود را با جنگ‌های خارجی اعلام کرده بود، جنگ ایران را عامل عملکرد ضعیف حزبش در انتخابات میان‌دوره‌ای دانست.

ونس در شبکه‌های اجتماعی نوشت: دلیل شکست ما جنگ است. خود رئیس جمهور هم این را گفته است. همه می‌دانند چرا شکست خوردیم. هرگفت‌وگوی صادقانه‌ای درباره مسیر پیش رو باید از همین‌جا آغاز شود.

به گفته گریکو، هردو حزب سیاسی آمریکا در حال فاصله گرفتن از رویکرد مداخله‌گرایانه در سیاست خارجی هستند. او با اشاره به اختلاف نظر سیاستمداران آمریکایی درباره موضوعاتی مانند حمایت این کشور از اسرائیل، گفت: در مجموع گرایشی برای خارج کردن نیروهای نظامی آمریکا از خاورمیانه وجود دارد و افزود: بیشتر آمریکایی‌ها از سال ۱۹۹۰ یا ۱۹۹۱ به این منطقه نگاه کرده‌اند و دیده‌اند که ما پیوسته در حال انجام مداخلات نظامی هستیم؛ هیچ‌یک از آنها نتیجه خوبی نداشته است.

رژیم اسرائیل باز هم حمله کرد

استمرار تجاوزات صهیونیست‌ها به جنوب لبنان



رژیم صهیونیستی با نقض آتش‌بس لبنان به حملات هوایی و توپخانه‌ای و اقدامات ویرانگرش در جنوب لبنان ادامه داد. روز جمعه، المنار گزارش داد که منابع لبنانی از تداوم نقض آتش‌بس لبنان و حملات رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان خبر دادند.

منابع لبنانی از انفجار بزرگی خبر دادند که اشغالگران در شهرک القنطره در جنوب لبنان انجام دادند. این منابع از سلسله حملات هوایی رژیم صهیونیستی به مناطق واقع میان شهرک‌های زوطر شرقی و میفدون و حومه کفرتبنیت و منطقه واقع میان شهرک‌های القنطره و الغندوریه در جنوب لبنان خبر دادند.

همزمان منابع لبنانی از حمله توپخانه رژیم صهیونیستی به کفرتبنیت نیز خبر دادند. این حملات همزمان با پرواز گسترده جنگنده‌های اسرائیلی در ارتفاع پایین بر فراز جنوب لبنان است.

رژیم صهیونیستی از دوم مارس (۱۱ اسفند ۴۰۴)، حمله گسترده‌ای را علیه لبنان آغاز کرد که علاوه بر شهادت و زخمی شدن شماری از شهروندان لبنانی، بیش از یک میلیون نفر هم آواره شده‌اند و همچنان بخش‌هایی در جنوب این کشور در اشغال این رژیم است.

در همین حال، لبنان و رژیم صهیونیستی در اوایل تیر ۱۴۰۵ با میانجی‌گری آمریکا «توافق چارچوب» امضا کردند؛ توافقی که هدف آن پایان دادن به جنگ میان رژیم اسرائیل و حزب‌الله عنوان شده است. این توافق پس از چند دور مذاکرات مستقیم میان دو طرف در واشنگتن حاصل شد.

در عین حال، تل‌آویو تاکنون از اجرای کامل تعهدات خود در حال خودداری کرده و همزمان به حملات و تخریب مناطق مسکونی، به‌ویژه در نواحی مرزی جنوب لبنان ادامه داده است. رژیم صهیونیستی طی ماه‌های اخیر با تداوم حملات و تجاوزهای نظامی به جنوب لبنان، بارها حاکمیت این کشور را نقض کرده و خسارت‌های انسانی و زیرساختی گسترده‌ای به بار آورده است.

حزب‌الله: سکوت ما نشانه ضعف نیست

نماینده وابسته به فراکسیون وفاداری به مقاومت در پارلمان لبنان ضمن تاکید بر صلابت مقاومت گفت: سکوت ما نشانه ضعف نیست و ما در دام یأس و ناامیدی گرفتار نخواهیم شد. تلاش‌ها برای ایجاد یاس گزندی به صلابت مقاومت وارد نخواهد کرد.

علی عمار، نماینده عضو فراکسیون وفاداری به مقاومت در پارلمان لبنان، گفت: سکوت مقاومت در قبال برخی مواضع در لبنان، نشان‌دهنده ضعف یا آسیب‌پذیری نیست، بلکه ناشی از نگرانی ما برای منافع عالی لبنان است. او نسبت به تلاش‌های دشمن اسرائیلی برای ایجاد اختلاف بین مقاومت و ارتش لبنان هشدار داد و تاکید کرد که این تلاش‌ها در کشاندن آنها به رویارویی که در خدمت طرح‌های اشغالگران است، راه به جایی نخواهند برد.

عمار در سخنرانی خود در مراسم یادبود فرمانده شهید حسن قاسم رضا (حاج ابو علی رضا) که توسط حزب الله در دومین سالگرد شهادتش در مجتمع امیرالمومنین (ع) در برج البراجنه برگزار شد، بر لزوم حفظ بالاترین سطح آمادگی و آمادگی برای مقابله با دشمن اسرائیلی تاکید کرد. عمار تاکید کرد که تلاش‌ها برای ایجاد ناامیدی و سرخوردگی، صلابت مقاومت را تضعیف نخواهد کرد.

وی ضمن تمجید از مواضع نبیه بری، رئیس پارلمان لبنان درباره همدلی و اتحاد، خواستار تقویت وحدت بین مردم لبنان شد و افزود: دشمنی که لبنان را هدف قرار می‌دهد، بین یک حزب، جنبش یا فرد با دیگری تمایز قائل نمی‌شود. وی در پایان اظهار کرد که مرحله دشوار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، همبستگی، حمایت متقابل و همکاری بین لبنانی‌ها را برای غلبه بر چالش‌ها ضروری می‌سازد.

گسترش سوءتغذیه حاد میان کودکان غزه



دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل (اوچا) اعلام کرد که در نیمه نخست نوامبر ۲۰۲۶ (آبان)، دست‌کم ۶۱۳ کودک فلسطینی در نوار غزه برای درمان سوءتغذیه حاد پذیرش شده‌اند که ۶۷ نفر از آنها به شدیدترین نوع این بیماری مبتلا هستند.

براساس گزارش این نهاد سازمان ملل، سازمان‌های امدادرسان در دو هفته نخست نوامبر، حدود ۲۵ هزار و ۶۶۰ کودک ۶ تا ۵۹ ماهه را در مناطق مختلف نوار غزه از نظر سوءتغذیه بررسی کردند که در نتیجه این غربالگری، ۶۱۳ کودک برای دریافت خدمات درمانی ویژه سوءتغذیه حاد پذیرش شدند. اوچا تاکید کرد که ۶۷ نفر از این کودکان به سوءتغذیه حاد مبتلا هستند؛ وضعیتی که در صورت درمان نشدن، می‌تواند جان آنها را به خطر بیندازد. براساس این گزارش، طی همین مدت هزار و ۷۷۵ کودک در غزه غذای درمانی آماده مصرف دریافت کرده‌اند و مکمل‌های تغذیه‌ای پیشگیرانه نیز در اختیار حدود ۱۵۸ هزار و ۴۰۰ کودک و ۸۳ هزار و ۸۰۰ زن باردار و شیرده قرار گرفته است. همچنین حدود ۱۸ هزار و ۲۵۰ نفر از والدین و مراقبان کودکان، خدمات مشاوره‌ای درباره تغذیه نوزادان و کودکان خردسال در شرایط اضطراری دریافت کرده‌اند. این نهاد سازمان ملل اعلام کرد که در حال حاضر ۲۸۶ مرکز ارائه خدمات تغذیه در سراسر نوار غزه فعالیت دارند و حدود ۶ هزار و ۶۶۰ زن باردار و شیرده نیز از برنامه‌های تغذیه تکمیلی هدفمند بهره‌مند می‌شوند.

طبق گزارش‌های پیشین سازمان ملل، در نیمه نخست اکتبر (مهر) نیز ۷۱۰ کودک مبتلا به سوءتغذیه حاد در غزه برای درمان پذیرش شده بودند که ۱۰۲ نفر از آنها با نوع شدید این بیماری مواجه بودند. تداوم موارد سوءتغذیه کودکان در شرایطی گزارش می‌شود که محدودیت‌های ورود کمک‌های بشردوستانه، مشکلات اقتصادی خانواده‌ها، آسیب دیدگی زیرساخت‌های بهداشتی و کمبود برخی اقلام ضروری همچنان روند بهبود شرایط انسانی در نوار غزه را با مشکلات جدی مواجه کرده است.



سید عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

جهاد تبیین مانع تحریف حماسه ملت ایران می‌شود

شنبـه/ ۷ آذر ۱۴۰۵/ شماره ۷۰۱

طنین پرفورمنس «آتریا» در رویداد ایران دخت

مرثیه نور بر ویرانه‌های تهران



نمایش فیزیکال «آتریا» به نویسندگی و کارگردانی فاطمه سارنج، هنرمند ۱۷ ساله، شامگاه پنجشنبه ۵ آذر در سومین روز از رویداد ملی تئاتر بانوان «ایران دخت» در تالار اندیشه حوزه هنری روی صحنه رفت و با استقبال چشمگیر بانوان روبه‌رو شد. این پرفورمنس تکان‌دهنده که با هنرنمایی گروه فرم بازیگران ۴ تا ۱۶ ساله اجرا شد، روایتی از معصومیت کودکان در هجوم جنگ بود و در حضور خانواده شهید شادکامی به عنوان مهمانان ویژه، به روح مطهر این خانواده شهید تقدیم شد.

رویداد ملی تئاتر بانوان «ایران دخت» که از ۳ تا ۹ آذرماه به همت مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری انقلاب اسلامی در حال برگزاری است، این روزها کانون نمایش خلاقیت، هویت بومی و پایداری بانوان ایران شده است. رویدادی ویژه بانوان که با رویکرد محوری «ایران همیشه سرافراز» و با تمرکز بر پرفورمنس، طراحی حرکت و تئاتر فیزیکال، صحنه‌های پایتخت را به بستری برای بازخوانی حماسه‌های معاصر بدل ساخته است.

در شامگاه پنجشنبه ۵ آذر، تالار اندیشه حوزه هنری در سومین روز از این رویداد، میزبان اثری متفاوت و شگفتی‌آفرین با عنوان «آتریا» شد؛ اثری که نه تنها از حیث ساختار فرمی و زیبایی شناسی فیزیکال مورد توجه اهالی تئاتر قرار گرفت، بلکه به لحاظ بار عاطفی و حقیقت دراماتیک، شبی فراموش‌نشدنی را برای سالن پر از جمعیت بانوان تماشاگر رقم زد.

کارگردانی ۱۷ ساله و بازیگری ۴ ساله

یکی از درخشان‌ترین ویژگی‌های این اجرا، شناسنامه گروه هنری آن بود. فاطمه سارنج، نوجوان ۱۷ ساله‌ای که از هشت‌سالگی با زبان فرم، صحنه و عکاسی مستند و جنگ بالیده است، اثری را به صحنه آورد که پیچیدگی‌های فرمی و هماهنگی نشانه‌شناسانه آن تنه به تنه کارهای هنرمندان کارکشته می‌زد. او در این پرفورمنس، گروهی از کودکان و نوجوانان ۴ تا ۱۶ ساله را هدایت کرد؛ اجرایی که در آن کوچک‌ترین بازیگر تنها ۴ سال سن داشت، اما گام‌ها و حضورش روی صحنه، تصویری مجسم از لطافت و بی‌پناهی کودکان در جهان پرآشوب معاصر بود. بازیگران خردسال و نوجوان «آتریا» بدون نیاز به کلمات و دیالوگ‌های مرسوم، زبان بدن را به اعتراضی رسا بدل کردند. تقابل ظرافت اندام نحیف کودکانه با مفاهیمی چون انفجار، آوار و خشونت جنگ، کنتراستی نفس‌گیر خلق کرده بود که تماشاگران زن حاضر در سالن را از همان دقایق نخست با اثر همراه ساخت.

آوازی که سالن را تکان داد

اوج درام و نقطه عطف عاطفی نمایش زمانی رقم خورد که طراحی حرکت به لحظه تلخ و ویرانگر «از دست دادن فرزند» رسید؛ لحظه‌ای که مادرانگی و سوگ در هم آمیخت و سکوت سالن با نمایش تصاویری مستند در هم شکست. هم‌زمان با طراحی صحنه و ریتم اندوهبار اندام بازیگران، تصاویری از خانه موشک خورده و ویران شده شهید زینب شادکامی بر پرده تالار اندیشه نقش بست؛ خانه‌ای در حوالی میدان امام حسین (ع) و خیابان دماوند که در سه‌شنبه ۴ فروردین ۱۴۰۵ هدف حمله متجاوزان قرار گرفته و مدفن معصومیت زینب و خانواده‌اش شده بود.

تلفیق حرکت نمادین بازیگران، نوای موسیقی اندوهبار و تصاویر عریان آوار واقعی، احساسات تماشاگران را به‌شدت برانگیخت؛ بغض‌های فروخورده ترکید و گریه مادران و دختران حاضر در سالن، سالن اندیشه را به مجلس سوگ و داد خواهی بدل کرد. این بخش از اثر نشان داد که تئاتر چگونه می‌تواند از مرز یک بازی نمایشی فراتر رود و تاریخ زنده و رنج ملموس جامعه را بر صحنه زنده کند.

میزبانی از بازماندگان و تقدیم رسمی اجرا به شهیدان شادکامی



اتفاق ویژه شامگاه پنجشنبه، حضور اعضای خانواده شهید شادکامی به عنوان مهمانان ارجمند و ویژه این نمایش بود. حضور بستگان این خانواده شهید در میان بانوان تماشاگر، بار معنایی اثر را دوچندان کرده بود. زینب شادکامی، کودک بااستعدادی که دو سال پیش در نمایش «دنیا و یه روز عجیب» هم‌گروهی فاطمه سارنج بود و در آغازین روزهای سال ۱۴۰۵ در کنار پدر، مادر و برادر کوچکش زیر آوار موشک باران به شهادت رسید، به انگیزه اصلی خلق این پرفورمنس بدل شده بود. در پایان نمایش، گروه با تشویق‌های ممتد و ایستاده مخاطبان روبه‌رو شد؛ استقبالی گرم و پرشور که دقایق طولانی ادامه یافت. در این بخش، فاطمه سارنج با قدردانی از حضور پرشور مخاطبان زن، این اجرا را رسماً به خانواده مظلوم و مقتدر شهید شادکامی تقدیم کرد؛ لحظه‌ای پرعاطفه که با ادای احترام تمام‌قد تماشاگران و همدردی عمیق سالن با خانواده شهید همراه شد.

تئاتری که در وجدان تماشاگر امتداد یافت

نمایش «آتریا» ثابت کرد که رویداد ملی تئاتر بانوان «ایران دخت» فراتر از یک رویداد رقابتی، فرصتی واقعی برای بازتاب دردهای معاصر و امیدآفرینی در دل ویرانی‌هاست. سارنج با درآمیختن مستندنگاری بصری با تئاتر فیزیکال، صدایی به کودکان خاموش جنگ داد. استقبال پرشور بانوان از این اثر و همراهی عاطفی آنان با روایت مظلومیت زینب شادکامی، گواهی روشن بود بر این که آتریا پیامی ماندگار بر جا گذاشته است؛ نوری که از خاکستر خرابی‌ها برمی‌خیزد و هرگز اجازه نخواهد داد خون کودکان معصوم در سکوت تاریخ گم شود.

کارنامه رشادت‌های نیروی دریایی را ورق می‌زنیم

غریبانه‌های آبی بیکران

مرضیه کیان، خبرنگار گروه فرهنگ: اقیانوس در ساعت سه بامداد سیزدهم اسفندماه ۱۴۰۴ آبستن هولناک‌ترین جنایت مدرن بر پهنه بی‌کران خود شد؛ جایی که غرور مهندسی ایرانی و سفیر صلح و دریانوردی کشور، ناوشکن «دنا»، صدها مایل دورتر از هر جغرافیای تنش، در عمق آب‌های بین‌المللی جنوب سریلانکا آماج شقاوت اژدرهای متجاوز قرار گرفت. تراژدی دنا اما تنها روایت فرو رفتن یک سازه بومی در آب نبود؛ پرده برداری از اوج رذالت استکباری بود که بعدها در تریبون‌های رسمی با وقاحتی عریان اعتراف کرد به قعر فرستادن یک شناور صلح‌آمیز و غیرمسلح، برای ژنرال‌هایش «سرگرم‌کننده‌تر» از تصرف آن بوده است. این یادداشت در هنگامه روز نیروی دریایی، تاملی بی‌پرده بر تاریخ زنده دلاوری دریادلانی است که خط سرخ ایستادگی‌شان از حماسه‌های نبرد نخستین تا کارزار چهل روزه اخیر امتداد یافته؛ روایتی از خون‌های پاکی که بر امواج نیلگون جاری شد تا شرف یک ملت دست‌نخورده بماند.

دریا در حافظه تاریخی این سرزمین، تنها گستره‌ای از آب‌های مواج و شریان مبادلات تجاری نیست؛ دریا تجلی‌گاه شریف‌ترین خون‌هایی است که برای وجب به وجب مرزهای آبی، حیثیت ژئوپلیتیک و پرچم برافراشته ایران هزینه شده‌اند. روز نیروی دریایی، میقات بازخوانی رشادتی است که نقطه آغازینش در حماسه‌های بی‌پایان کارزار تحمیلی اول رقم خورد؛ همان روزهایی که دریادلان ناوچه پیکان، مروارید عزت خلیج‌فارس را در خون خویش شستند و ارتش بعث را تا پایان جنگ در بن‌بست کامل دریایی حبس کردند. آن روح جسور و تسلیم‌ناپذیر، نسل به نسل در بدنه نیروی دریایی تکثیر شد؛ در دانشکده‌های افسری قد کشید، بر روی فولاد ناوشکن‌های تمام‌ایرانی چکش خورد و تا کارزار سخت چهل‌روزه اخیر امتداد یافت. نبردی که در آن، خطوط درگیری نه در دهانه اروند و تنگه هرمز، بلکه در هزاران مایل آن‌سوتر و در قلب اقیانوس هند بازتعریف شد. دریا شهادت می‌دهد که فرزندان ایران، هرگز از پهنه آب‌ها نگریخته‌اند؛ حتی آن‌گاه که دشمن نامردمی را به نهایت رساند و قواعد نانوشته شرافت نظامی را لگدمال کرد.

اژدر دوم و جنون یک شوخی در تراژدی دنا

آنچه در سیزدهم اسفندماه رخ داد، فراتر از یک درگیری نظامی و نقض آشکار تمام کنوانسیون‌های بین‌المللی دریانوردی بود. ناوشکن دنا — سفیر افتخارآفرین دریانوردی که پیش‌تر شکوه نبوغ بومی را با پیمودن گرد جهان به رخ دنیا کشیده بود — در مسیر بازگشت از رزمایش مرکب صلح و دوستی میلان، بدون حمل مهمات جنگی هدف شبیخون ناجوانمردانه قرار گرفت. زیردریایی اتمی دشمن در دل تاریکی مطلق سه بامداد، نخستین اژدر را شلیک کرد. طبق تمام موازین شناخته شده حقوق بشردوستانه دریاها، شناوری که از حرکت بازمی‌ماند دیگر تهدید نظامی نیست و طرف مقابل موظف به امداد و نجات خدمه آن است. اما خباثت به همین جا ختم نشد؛ در حالی که ملوانان برای نجات جان خویش و قایق‌اندازی به سمت پاشنه امن ناو حرکت می‌کردند، اژدر دوم شلیک شد. دشمن عامدانه پاشنه را شکافت تا قتل عام ملوانان را قطعی کند. ۱۰۴ ستاره بر پهنه اقیانوس سقوط کردند و ۲۰ تن برای همیشه جاویدالاثر شدند. این جنایت هولناک زمانی نمک بر زخم ملت پاشید که حاکمان کاخ سفید با کلماتی سخیف اعلام کردند نابودی این ناو یک «شوخی» بود و فرماندهانشان غرق کردن آن را نسبت به توقیفش کاری «سرگرم‌کننده‌تر» یافته بودند. این واژه‌ها، سندی همیشگی بر زوال اخلاق در ماشین جنگی غرب است؛ ماشینی که کشتار انسان‌های شریف را تفریح قلمداد می‌کند.

جواد بهبودی؛ واپسین جرعه از شربت وصال

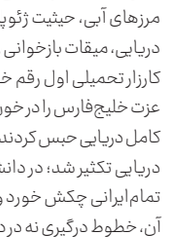

ناوسروان جواد بهبودی، نماد زلال غیرت دریادلانی بود که سفیدپوشی بر عرشه را نه یک شغل، بلکه یک سرنوشت محتوم و مقدس می‌دانستند. متولد بهمن ۱۳۶۰ بود و سال‌ها خاک غربت بندرعباس و بندرانزلی را تاب آورده بود تا امواج متلاطم، مرزهای خانه مادری‌اش را نیازارند. در خانه، تکیه‌گاه محکم دو دخترش، ستایش و ملیحه بود و با پنجه‌های هنرمندش از چوب، ناوهای کوچک و زیبایی شبیه ناوهای ایران می‌تراشید و به یادگار می‌گذاشت. آخرین بار، وقتی دست‌نوشته سرنوشت را بر پیشانی سفر خواند، تا پای درگاه خانه رفت، برگشت، لیوان آبی از دست دخترش گرفت، سر کشید و با همان لبخند همیشگی گفت: «این هم شربت شهادت». دلتنگی‌های جواد هرگز در کلمات نمی‌گنجید؛ او در آن لحظات هولناک سحرگاه اقیانوس، در میان دود و آتشی که دنا را می‌بلعید، در ثانیه‌های پیش از انفجار اژدر دوم، بی‌گمان به ستایش و ملیحه فکر می‌کرد. حالا دخترانش هر بار به پهنه آبی نگاه می‌کنند، می‌گویند پدر تا ابد نگهبان دریا شده است؛ مردی که پیکرش رفت تا شرف میهن بر فراز موج‌ها زنده بماند.

محمد فتاحی؛ جوان‌ترین نبض تپنده اقیانوس



در میان شهدای دنا، نام ناو استوار دوم محمد فتاحی با جوانی و معصومیت گره خورده است؛ دهه هشتادی رشیدی متولد مرداد ۱۳۸۴ از زاهدشهر فسا، که با قدی برآمده از غیرت و سیمایی نجیب، کم‌سن‌ترین ستاره خفته در اعماق دنا شد. هنوز بیست بهار بیشتر از عمرش نگذشته بود، اما در قامتش شجاعت سرداران کهنسال موج می‌زد. یادگار روزهای کودکی‌اش، تماشای کلاه و یونیفرم سفید درویترین مرکز استخدام بود؛ کلاهی که پشت شیشه به آن چشم دوخته و با شیفتگی به مادرش گفته بود: «ببین چه ابهتی دارد!» پیش از عزیمت به این سفر دوردست، محمد به توصیه همرزمش، مشتی از خاک با غچه پدری را در کیسه‌ای پیچید و در کوله بار گذاشت؛ خاکی از وطن که باید در روزهای سخت دوری از ساحل، پای برهنه‌اش را برآن می‌نهاد تا عطر آرامش ایران را در دل توفان حس کند. آن خاک تبرک شده، همراه با تن رشید محمد و لاشه سپید دنا در قعر اقیانوس هند آرام گرفت. پسری که دستانش بوی کارگری و کشاورزی می‌داد و ندر امامزاده بود، در شبی تاریک در خون غلتید تا نامش طعنه‌ای ابدی به خباثت متجاوزان باشد.

محمدعلی وزیری؛ دلاور ۲۸ ساله اسکورت آب‌ها

محمدعلی وزیری، جوانی ۲۸ ساله، مجرد و از پولادین‌ترین نیروهای یگان اسکورت ناوشکن دنا بود؛ پسری با قلبی پاک، باصفا و روحی سرشار از فداکاری که هرگاه ناو در دل ماموریت‌های خطیر فرو می‌رفت، چشمان بیدار و تیزبین او ضامن امنیت عرشه بود. محمدعلی عصای دست پدر و مادری رنج‌کشیده و تنها تکیه‌گاه برادرش رضا بود. او در اوج رشادت و زیبایی جوانی، لباس سپید تشریفات و رزم را با هم آمیخته بود و شهادتش مظلومانه‌ترین تصویر از یک ایستادگی خاموش را رقم زد. او غریبانه در صدها مایل دورتر از وطن آماج ترور دریایی شد؛ در مکانی که هیچ دوربینی مظلومیت افتادنش را ثبت نکرد. هنگامی که پیکر پاکش پس از روزها هجران به وطن بازگشت، همرزمانش مات، مبهوت و در عین حال لبریز از اقتدار، در کنار مزار او ایستادند و فریاد خشم خود را علیه جلادان کاخ سفید و تل‌آویو سردادند. نام وزیری بر دیواره افتخارات نیروی دریایی حک شد؛ تکاوری که تا آخرین ثانیه حیات، شانه از حفاظت دنا خالی نکرد و اقیانوس را به گواه پاکی خویش فراخواند.

محمدامین زارع؛ امتداد حیات در لبخند «نیل‌ماه»

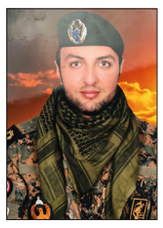

قصه ناو استوار محمدامین زارع، شاید تراژیک‌ترین و در عین حال الهام‌بخش‌ترین آینه پیوند میان ایثار و حیات در فاجعه ناو دنا باشد. او در روزهای پایانی بهمن ماه، زمانی که پای بر پله‌های ناو گذاشت و به پهنه آب‌ها خیره شد، بیش از هر چیز چشم‌انتظار طلوع زیباترین حادثه زندگی‌اش بود؛ دختری که قرار بود چند ماه بعد قدم به جهان بگذارد و پیوند عاشقانه‌اش با مهدیس را جاودانه کند. محمدامین در خلوت نگهبانی‌هایش در دل دریا، آینده سه نفره‌شان را نقاشی می‌کرد و رویای در آغوش کشیدن نوزادش را می‌پروراند. اما اژدرهای کینه استکبار، فرصت این دیدار را از او دریغ کردند و محمدامین در سیزدهم اسفند در دل اقیانوس پر کشید. چهار ماه پس از آن جنایت هولناک، در شهر رشت، صدای گریه نوزادی فضا را پر کرد؛ دختری به نام «نیل‌ماه» به دنیا آمد. نیل‌ماه هرگز گرمای آغوش زمینی پدر را لمس نخواهد کرد، اما نگاه مهربان پدرش را تا همیشه در قابی چوبی با یونیفرم سفید خواهد دید؛ یادگاری از مردی که جان داد تا فرزندش در خاکی امن و سربلند نفس بکشد.

وحید لطفی؛ پیشگام هزار فرسنگ فضیلت

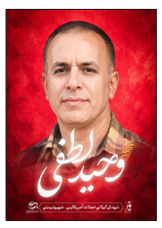

ناوبان ارشد وحید لطفی، متولد دی ماه ۱۳۶۱ در همدان، نماد کامل متانت، ادب و ایثار در خانواده و نیروی دریایی بود. با وجود فراهم بودن بسترهای شغلی در فضای آزاد، عشق خالصانه به خدمت در لباس نیروی دریایی ارتش او را به دریا پیوند زد. وحید پدری فداکار برای سه فرزندش (دو پسر و یک دختر) بود و مادری داشت که تمام عمر، حجب و حیای این پسر ارشد را ستایش می‌کرد. خواهرش شیرین همیشه با حسرت و افتخار به او می‌گفت: «تو در احترام به پدر و مادر یک قدم از من جلوتری»، اما روزی که خبر شهادتش در نماز جمعه پیچید، خواهر بر خاکش گریست و اعتراف کرد: «من فکر می‌کردم فقط یک قدم از من جلوتری، اما امروز می‌بینم هزاران فرسنگ از من پیشی گرفته‌ای». وحید همواره فروتنانه به همکارانش می‌گفت شهادت لیاقتی دست‌نیافتنی است، اما در تاریکی اقیانوس هند ثابت کرد که شایسته‌ترین‌ها زودتر برگزیده می‌شوند. پیکر او در روزهای پایانی اسفند به آغوش دارالمؤمنین همدان بازگشت تا بیرق ایستادگی مردان دریا در قلب فلات ایران نیز برافراشته بماند.

نسلی که عقب نمی‌نشیند

روایت ناو دنا و حوادث پیرامون ناوگروه ۱۰۴، آینه‌ای تمام‌نما از روحیه نسلی است که مستکبران هرگز قادر به فهم عمق ایمان و جسارت آن نیستند. خاطرات شگفت‌انگیز بازماندگان و همراهان این کاروان، از جمله روایت‌های متأثرکننده دانشجویان جوانی که در اوج بحران و غربت در اردوگاه‌های سریلانکا و در میان شایعات مداوم رسانه‌ای، مشت گره می‌کردند و با اصرار می‌خواستند «حتی با شنا به کشور بازگردند و بجنگند»، نشان داد که آب دیدگی روحی این دلاوران با هیچ ترور و بمبارانی زائل نمی‌شود. همان‌ها که پس از شهادت رفیقانشان بر عرشه دنا، در شرایطی شبیه به اسارت ایستادند و پرچم شرافت را نفروختند. ایستادگی مجروحانی چون میثم چاری‌راد و میلاد محمد قاسمی که پس از جانبازی در دنا، با حضور در پایگاه‌های اهدای خون نشان دادند فرهنگ بخشندگی و نجات، در خون دریادلان این سرزمین نهادینه است، گواه دیگری بر این حقیقت است. فرهنگ دریایی ایران، ممزوجی است از عقلانیت نظامی و شور شهادت‌طلبی؛ مکتبی که در آن عقب‌نشینی جایی ندارد و مرگ با عزت، برزیستن زیر سایه تحقیر دشمنان هزاران بار ترجیح داده می‌شود.

حسابی که بی‌پاسخ نمی‌ماند

روز نیروی دریایی، امسال نه صرفاً یک سالروز تقویمی برای مرور افتخارات گذشته، بلکه یک فراخوان بزرگ وجدان ملی و انقلابی برای تداوم مسیری است که با نام دنا، پیکان، جوشن و سبلان گره خورده است. دشمن با شلیک اژدرهای بزدلانه در سیاهی شب و سپس با ژست‌های کریه رسانه‌ای مبنی بر «سرگرم‌کننده بودن جنایت»، ذات تهی از انسانیت خود را عیان ساخت. اما پاسخ دریا همیشه سهمگین و قطعی بوده است. خون‌های بر زمین ریخته شده در اقیانوس هند، هرگز در امواج محو نخواهند شد؛ بلکه به توفانی سهمگین در اراده رزمندگان این سرزمین بدل خواهند شد که دودمان اشغالگران و تروریست‌های بین‌المللی را به قعر همان آب‌ها خواهد فرستاد. شهدای ناو دنا، با لباس‌های سفیدی که کفن سرخشان شد، بر تارک تاریخ ایستاده‌اند و به ما یادآوری می‌کنند که بهای آرامش ساحل‌هایمان، تنفس بریده بریده قهرمانانی است که تا آخرین قطره خون، بر عهد خود با خاک و پرچم وفادار ماندند. دریا انتقام پسرانش را خواهد گرفت و تاریخ، شوخی‌سازان خونریز را در زباله‌دان فراموشی دفن خواهد کرد.

دلبر آسمانی

۱۶

روایت دلتنگی همسر شهید حمیدرضا شیشه‌گران

آن شب رمضان که حمیدرضا خواب دخترش را به هم زد



روایت تلخ و سوزناک همسر شهید حمیدرضا شیشه‌گران از روزهای دشوار پس از شهادت است؛ زنی که میان خاطرات شب آخر ماه رمضان و جای خالی پدر برای دو کودک خردسالش مانده است. این یادداشت، تصویری عمیق از رنج ماندن، حبس شدن در شیشه زمان و تداوم عشق در کوچه‌پس کوچه‌های انتظار را از زبان همسری دلتنگ و مادری تنها به تصویر می‌کشد.

حالا هر روز صبح باید از کنار عکست بلند بشوم، همان که با خط نستعلیق رویش نوشته «شهید حمیدرضا شیشه‌گران!»

هر روز ناباور به چشم‌های خندانت از این سمت قاب نگاه کنم و یادم بیفتد که تو شهید شده‌ای! شهادت حتما برای تو شیرین است... اما برای من ماندن ترس دارد. ماندن در هوایی که تو دیگر در آن نیستی!

کسی که دارد می‌رود همه حواسش پی رفتن است. ثانیه‌ها برایش معنا ندارد اما زمان برای کسی که مانده؛ تو فیردارد! کسی که می‌ماند توی شیشه زمان حبس می‌شود. من توی شیشه زمان حبس شدم. زمان نمی‌گذرد.

شب‌های فاطمیه است. امیرمهدی را بغل می‌کنم و دست درسا را می‌گیرم و می‌برم روضه. می‌دانم یک گوشه مجلس، ایستاده‌ای و داری ما را نگاه می‌کنی! شاید آن شال سیاه را انداخته باشی دور گردنت، شاید ایستاده باشی پای بساط چای روضه و برای عزادارها چای می‌ریزی. نمی‌دانم!

هنوز هم گاهی به همان شب فکر می‌کنم. ماه رمضان بود و تو از تهران خودت را به قم رسانده بودی. بی‌خبر آمدی. همه خواب بودند. رفتی سراغ درسا. دختر دو ساله‌مان را بیدار کردی. تعجب کردم. تو هیچ‌وقت نمی‌گذاشتی خواب بچه به هم بخورد. آن شب اما دلت می‌خواست بیدار باشد. صدایش را بشنوی، راه رفتنش را ببینی، چند لحظه بیشتر کنارش بمانی.

از کجا باید می‌دانستم که گاهی آدم‌ها پیش از رفتن، بی‌آنکه چیزی بگویند، با جزئیات کوچک خداحافظی می‌کنند؟ آن شب گذشت و من ماندم با تصویر تو و درسا. با مردی که برای چند دقیقه خواب دخترش را به هم زد تا صدای او را بشنود.

اما قصه ماندن من همان جا تمام نشد. من آن روزها امیرمهدی را در وجودم حمل می‌کردم. پسرت را. کودکی که هنوز فرصت نکرده بود صدای پدرش را بشناسد. چهل روز بعد از رفتنت به دنیا آمد. من ماندم و دو فرزند؛ یکی که پدرش را به خاطر می‌آورد و دیگری که باید تمام عمر از روی عکس‌ها پدرش را بشناسد.

درسا هنوز گاهی منتظر توست. گاهی با هر صدایی خیال می‌کند تو آمده‌ای. گاهی عکس تو را می‌بیند و می‌خواهد کسی او را بالاتر بگیرد تا بتواند صورتت را بهتر تماشا کند. من نمی‌دانم چطور باید برای یک کودک توضیح بدهم که مردی که در عکس می‌بیند، همان کسی است که یک شب از تهران خودش را به قم رساند تا صدای قدم‌های دخترش را بشنود. امیرمهدی اما سهم دیگری از نبودنت دارد. او هیچ خاطره‌ای از تو ندارد. نه دستی که موهایش را نوازش کند، نه صدایی که اسمش را صدا بزند، نه آغوشی که روزهای بی‌قراری به آن پناه ببرد. باید برایش از تو خاطره بسازم. باید بگویم پدرش چه شکلی می‌خندید، چطور درسا را دوست داشت و چطور در آن شب آخر، برخلاف همیشه، خواب دخترش را به هم زد.

گاهی فکر می‌کنم تو رفتی و زمان برای تو همان جا ایستاد؛ اما برای من هزار بار از همان روز گذشت. من هر روز بزرگ شدن بچه‌ها را می‌بینم و هر روز نبودنت را دوباره زندگی می‌کنم. هر اتفاق تازه‌ای که می‌افتد، یک جای خالی هم کنارش هست؛ جای خالی تو. می‌گویند آدم به نبودن عادت می‌کند. اما من هنوز عادت نکرده‌ام. هنوز وقتی درسا منتظر تو می‌ماند، دلم می‌خواهد زمان از حرکت بایستد. هنوز وقتی امیرمهدی را در آغوش می‌گیرم، به این فکر می‌کنم که اگر بودی، چطور نگاهش می‌کردی. من مانده‌ام، حمیدرضا! با دو کودکی که هرکدام به شکلی تو را ندارند. با روزهایی که می‌آیند و می‌روند و با شیشه‌ای که انگار از همان شب رمضان دور من کشیده شده است. تو رفتی و من هنوز دارم زندگی می‌کنم؛ اما زندگی کردن با ماندن فرق دارد. من این را از روزی فهمیدم که دیگر هیچ‌کس از راه نرسید.

حالا شاید همان نگاه خندان پشت عکس را داری باز هم نثارمان می‌کنی. حمیدرضا! باشد سهم من خاطره‌هایت، سهم بچه‌هایم نام بلند تو و سهم این سرزمین، ایستادگی مردانی که نگذاشتند ترس، آخرین حرف این روزگار باشد. اما تو قول شفاعتت را فراموش نکن. من در این راه با تو هم‌قدم ماندم؛ تو هم آن سوی این فاصله، دست ما را رها نکن...



مهری غلامپور، نویسنده و فعال فرهنگی:

درمسجدی که دغدغه رفاقت با جوان و نوجوان نباشد، شیطان هم نمازمی‌خواند

شنبـه/ ۷ آذر ۱۴۰۵/ شماره ۷۰۱

درباره نمایش سالانه «تخفیف‌های جعلی» و سونامی پیامک‌های مزاحم

جمعه سیاه یا سیاه‌کاری جمعه



زهرا بذرافکن، خبرنگار گروه فرهنگ: چند سالی است که با رسیدن نیمه پاییز، پیش از هر تحول واقعی در بازار، این پیامک‌های انبوه تبلیغاتی هستند که آغازیک مناسبت غریبه را به شهروندان ایرانی یادآوری می‌کنند: «بلک فرایدی» به روایت ایرانی. از هشت صبح تا نیمه شب، صفحه گوشی زیر رگبار پیامک هایی قفل می شود که با لحنی هیجان زده و گاه تحکمی اعلام می‌کنند: «تا ۹۰ درصد تخفیف!»، «فقط تا امشب فرصت داری!» و «این بار واقعا فرق دارد!». کار به جایی رسیده که علاوه بر پلتفرم‌های بزرگ فروش اینترنتی، از کلینیک زیبایی و قالیشویی تا آموزشگاه زبان و لوازم یدکی خودرو هم ناگهان یادشان می‌افتد در جمعه سیاه به مردم «تخفیف استثنایی» بدهند؛ انگار فقط نانوایی سرکوچه مانده که پیامک بفرستد و سنگک کنجدی را با شمارش معکوس بفروشد.

اما زیر این همه هیاهوی تبلیغاتی، رنگ های سیاه و زرد و بنرهای چشمک زن، واقعیت تلخ و عریانی پنهان است؛ بلک فرایدی در ایران نه یک رویداد اقتصادی، نه یک سنت فرهنگی و حتی نه یک تقلید موفق از نمونه غربی است؛ بلک فرایدی ایرانی در بیشتر موارد یک فریب سازمان یافته و یک مزاحمت سالانه برای اعصاب و جیب مردم است.

مناسبتی بی‌وطن در تقویم اشتباه

برای فهم پوچی این نمایش، کافی است نگاهی به ریشه ماجرا بیندازیم. در آمریکا و بخش هایی از اروپا، جمعه سیاه از دل یک منطق تقویمی، فرهنگی و اقتصادی مشخص بیرون آمده است. فردای روزشکرگزاری، آغازرسمی فصل خرید کریسمس است؛ فروشندگان بزرگ برای خالی کردن انبارهای پایان سال میلادی، جذب نقدینگی و رقابت بر سر سبد خرید خانوار، حراج های واقعی و گاه نفسگیر برگزار می‌کنند. یعنی این روز به آیین‌های اجتماعی، تعطیلات پایان سال و چرخه مصرف آن جوامع گره خورده است.

حالا به تقویم خودمان نگاه کنید. اوایل آذر در ایران چه مناسبتی است؟ نه عید نوروزی در پیش است، نه شب یلدایی رسیده و نه زمان انبارگردانی پایان سال کسب‌وکارهاست. ما هیچ پیوندی با شکرگزاری و کریسمس نداریم، اما بخشی از بازار و صنعت تبلیغات ما، بی‌آنکه کوچک‌ترین نسبتی با زیست بوم فرهنگی و تقویمی جامعه برقرار کند، فقط پوسته‌ای غربی و پرزرق‌وبرق را کپی کرده و به زور بیلبورد و پیامک به تقویم سنجاق کرده است. نتیجه، پدیده‌ای بی‌ریشه و کاریکاتوری است؛ مثل پوشیدن پالتوی خز در چله تابستان، فقط به این دلیل که درویترین فروشگاه‌های فرنگ شیک به نظر می‌رسد. اگر قرار بر فرهنگ‌سازی برای حراج فصلی بود، آخر اسفند یا تغییر فصل‌های خودمان هزار بار منطقی‌تر از واردات کورکورانه یک نام خارجی بود.

اقتصاد تورمی و افسانه‌ای به نام حراج واقعی

مسئله اما فقط به تقلید فرهنگی ختم نمی‌شود؛ فاجعه اصلی جایی رخ می‌دهد که این پوسته وارداتی با واقعیت اقتصاد تورمی ایران برخورد می‌کند. در اقتصادی که تورم مزمن، نوسان ارز و هزینه جایگزینی کالا هر روز نفس فروشنده را می‌گیرد، «تخفیف ۵۰ تا ۸۰ درصدی واقعی» بیشتر به یک شوخی تلخ شبیه است. فروشنده‌ای که می‌داند فردا همان کالا را باید با قیمت بالاتر از عمده‌فروش بخرد، نه انگیزه‌ای برای ارزان‌فروشی دارد و نه توانش را.

پس این همه ادعای تخفیف شگفت‌انگیز از کجا می‌آید؟ پاسخ در یک کلمه خلاصه می‌شود: «قیمت‌سازی». شگردی که حالا دیگر برای بسیاری از خریداران آشنا و نخ‌نما شده است؛ فروشنده چند هفته پیش از جمعه سیاه، قیمت کالا را به شکل مصنوعی بالا می برد، سپس در روز موعود یک خط قرمز نمایشی روی همان عدد درشت می‌کشد و کالا را به قیمت معمول بازار و گاهی حتی گران‌تر از روزهای عادی به‌عنوان «تخفیف استثنایی» به مشتری می‌فروشد. درواقع، بلک‌فرایدی ایرانی به جای آنکه کالا را ارزان کند، «توهم ارزان خریدن» را به مخاطب می‌فروشد. در این میان، آنهایی هم که تخفیف واقعی می‌دهند، اغلب یا کالاهای تاریخ مصرف نزدیک، ته انباری و بی‌مشتری را وسط می‌گذارند، یا با محدود کردن موجودی به چند عدد انگشت‌شمار، فقط ازنام تخفیف برای کشاندن ترافیک به سایت و فروشگاه‌شان استفاده می‌کنند.

بمباران پیامکی؛ وقتی بازاریابی به آزار عمومی می‌رسد

ازمنظر رسانه‌ای، بلک‌فرایدی در ایران بیش از آنکه یادآور خرید باشد، یادآور تجاوز به حریم شخصی است. در روزهای منتهی به این جمعه، ادبیات بازاریابی در ایران به نازل‌ترین سطح خود سقوط می‌کند. انبوه پیامک های ناخواسته، نوتیفیکیشن های پیاپی اپلیکیشن‌ها، استوری‌های تکراری اینفلوئنسرها و بنرهایی که همه‌جا را تسخیر کرده‌اند، نه برای اطلاع‌رسانی، بلکه برای ایجاد اضطراب و «ترس از جا ماندن» طراحی شده‌اند.

از خیابان‌های فیلادلفیا تا پیامک‌های تهران

«سیاهی» این جمعه از کجا آمد؟

قصه «جمعه سیاه» در زادگاهش اصلا شبیه ویترین های بزک شده و پیامک های پرهیجان امروز نبود. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی، پلیس شهر فیلادلفیا این لقب ناخوشایند را برای فردای روز شکرگزاری ابداع کرد؛ روزی که هجوم خریداران برای آغاز فصل خرید کریسمس و سرازیر شدن تماشاگران مسابقه سنتی فوتبال آمریکایی، خیابان‌های شهر را قفل می‌کرد، ماموران را به ستوه می‌آورد و آمار سرقت از فروشگاه ها را بالا می برد. «سیاه» در اصل صفتی برای شلوغی کلافه‌کننده و دردسر بود، نه یک جشن خرید. اما دو دهه بعد، خرده‌فروشان آمریکایی که از بار منفی این نام دل خوشی نداشتند، روایت را به نفع خودشان چرخاندند و پای دفاتر حسابداری را وسط کشیدند؛ جایی که ضرر با جوهر قرمز و سود با جوهر سیاه ثبت می‌شد. به این ترتیب، جمعه سیاه شد روزگذر فروشگاه ها از زیان به سود، آن هم به پشتوانه حراج‌های واقعی، رقابت بی‌رحمانه برندها و خالی کردن انبارها پیش از سال نو میلادی.

اما این سنت، در سفرش از فیلادلفیا به تهران، همه چیزش را در گمرک جا گذاشت و فقط نام و رنگش را با خود آورد. در اینجا نه شکرگزاری‌ای در کار است که فردایش بازار منفجر شود، نه کریسمسی در راه است که انبارها برایش خالی شوند و نه اقتصاد کم تورمی وجود دارد که فروشنده بتواند روی سود کم و فروش بالا حساب بازکند. تنها چیزی که از نسخه اصلی فیلادلفیا در ایران زنده مانده، همان حس اولیه پلیس آن شهر است: کلافگی، شلوغی آزاردهنده و احساس درمحاصره بودن؛ با این تفاوت که آنجا شلوغی در خیابان بود و اینجا در صندوق پیامک‌های گوشی ما. بلک فرایدی ایرانی، نه دفتر حسابداری بازار را با رقابت سالم سیاه کرده و نه جیب مشتری را پر، فقط اعتماد میان خریدار و فروشنده را سیاه کرده است.

این هجوم رسانه‌ای یک پیامد فرهنگی و اجتماعی خطرناک دارد، یعنی فرسایش کامل اعتماد. وقتی مخاطب می بیند هر سال با کلمات پرطمطراق فریب داده می‌شود، وقتی قیمت تخفیف خورده را با یک جست‌وجوی ساده در بازار مقایسه می‌کند و می‌فهمد سرش کلاه رفته، واکنشش دیگر هیجان خرید نیست؛ تمسخر، خشم و بی اعتمادی است. امروز در شبکه های اجتماعی فارسی، بخش بزرگی از واکنش‌ها به بلک فرایدی، نه اشتیاق برای خرید، بلکه طنز تلخ درباره قیمت‌های جعلی و دلزدگی از برندهایی است که آرامش روزمره مردم را با پیامک‌های تبلیغاتی به هم می‌ریزند. بلک‌فرایدی ایرانی، در نهایت، نام مستعار بی‌اخلاقی تبلیغاتی در بازاری بی‌نظارت است؛ نمایشی که در آن فقط یک چیز واقعا «سیاه» است: کارنامه شفافیت و احترام به شعور مخاطب!

گردش مالی قابل توجه ۲۸.۷۷ میلیارد تومانی

شگفتی‌سازی اصفهان و کردستان در فروش حضوری «بازارکتاب»

۱۷ هزار و ۷۳۹ خریدار در هفته کتاب سی‌وچهارم ۴۳ هزار و ۱۸۱ جلد کتاب از کتاب فروشی‌های عضو سامانه «بازارکتاب» خریدند؛ آماری که از غلبه ۹۲ درصدی فروش حضوری، تمرکز ۸۵ درصدی درآمد در دست ۳۵ درصد کتاب‌فروشی‌ها و پیشتازی اصفهان و کردستان جلوتر از تهران حکایت دارد. طرح پاییزه فروش حضوری و مجازی کتاب فروشی ها در سامانه «بازار کتاب» همزمان با سی‌وچهارمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران با شعار «با کتاب گفت‌وگو کنیم»، ۲۳ تا ۳۰ آبان ۱۴۰۵ و با مشارکت ۳۱۲ کتاب‌فروشی از شنبه ۲۳ آبان آغاز شد و پس از دو روز تمدید، ساعت ۲۴ یک‌شنبه یکم آذر ۱۴۰۵ به پایان رسید. بر پایه گزارش رسمی روابط عمومی و امور بین‌الملل خانه کتاب و ادبیات ایران (منتشرشده در چهارم آذر ۱۴۰۵)، در این بازه ۱۷ هزار و ۷۳۹ خریدار از سراسر کشور ۴۳ هزار و ۱۸۱ جلد کتاب خریدند؛ رقمی معادل میانگین حدود ۲.۴ جلد کتاب به ازای هر مخاطب. گردش مالی کل طرح به ۲۸۷ میلیارد و ۷۲۸ میلیون و ۱۲۷ هزار و ۵۱ ریال (حدود ۲۸.۷۷ میلیارد تومان) رسید و ۵۱ میلیارد و ۷۸۶ میلیون و ۵۸۵ هزار و ۶۰۹ ریال (حدود ۵.۱۸ میلیارد تومان) یارانه به خریداران اختصاص یافت. سیاست یارانه‌ای این دوره با اولویت حمایت از تالیف داخلی، ۲۵ درصد برای کتاب‌های تالیفی و ۱۵ درصد برای آثار ترجمه‌ای تا سقف دو میلیون تومان تعیین شده بود. در ترکیب جنسیتی نیز زنان با ۹ هزار و ۶۱۳ خریدار (۵۴ درصد) سهم بیشتری از بازار داشتند و مردان با هشت هزار و ۱۲۶ خریدار (۴۶ درصد) در رتبه دوم قرار گرفتند.

بازگشت پرقدرت ویترین‌ها

برجسته‌ترین پیام رفتاری داده های طرح پاییزه «بازار کتاب»، برتری قاطع خرید حضوری بر سفارش آنلاین است. از ۴۳ هزار و ۱۸۱ جلد کتاب فروخته شده، ۳۵ هزار و ۹۱۶ جلد (۸۳ درصد) در فضای فیزیکی کتاب‌فروشی‌ها و تنها هفت هزار و ۲۶۵ جلد (۱۷ درصد) به صورت مجازی به فروش رسید.

در شاخص ریالی این شکاف عمیق‌تر است: ۲۶۴ میلیارد و ۷۳۸ میلیون و ۷۴۴ هزار و ۱۵۳ ریال (۹۲ درصد کل فروش) سهم خریدهای حضوری و ۲۲ میلیارد و ۹۸۹ میلیون و ۳۸۲ هزار و ۸۹۸ ریال (هشت درصد) سهم فروش مجازی بوده است. الگوی مصرف یارانه نیز دقیقا همین نسبت را نشان می دهد؛ ۴۷ میلیارد و ۵۸۸ میلیون و ۷۳ هزار و ۸۹۰ ریال (۹۲ درصد) در خریدهای حضوری و چهار میلیارد و ۱۹۸ میلیون و ۵۱۱ هزار و ۷۲۰ ریال (هشت درصد) در خریدهای مجازی هزینه شد. تفاوت سهم عددی (۸۳ درصد) و سهم ریالی (۹۲ درصد) گویای آن است که مخاطبان در مراجعه حضوری، کتاب های گران‌تر یا سبدهای سنگین‌تری انتخاب کرده‌اند؛ موضوعی که نقش تجربه ورق زدن کتاب و مشاوره کتاب‌فروش را در اقتصاد نشر برجسته می‌کند.

تمرکز ۸۵ درصدی درآمد در دست ۷۲ کتاب‌فروشی

کارنامه کتاب‌فروشی‌های عضو طرح از تمرکز بالای گردش مالی در شمار محدودی از فروشگاه‌های بزرگ حکایت دارد. طبق آمار خانه کتاب و ادبیات ایران، یک کتاب‌فروشی به تنهایی رکورد فروش بالاتر از ۴۰ میلیارد ریال (بیش از چهار میلیارد تومان) را ثبت کرده است؛ رقمی معادل نزدیک به ۱۴ درصد کل فروش کشوری طرح.

در لایه های بعدی، ۱۵ کتاب‌فروشی فروشی میان پنج تا ۱۰ میلیارد ریال و ۵۶ کتاب‌فروشی فروشی میان یک تا پنج میلیارد ریال داشتند. در مجموع، ۷۲ کتاب‌فروشی- معادل ۳۵ درصد کتاب‌فروشی‌های دارای فروش- از مرز ۱۰۰ میلیون تومان گذشتند و فروش ۲۴۴ میلیارد و ۴۵۶ میلیون و ۶۰۹ هزار و ۷۶۶ ریالی آنها ۸۵ درصد کل گردش مالی طرح را پوشش داد. در سوی مقابل، ۶۵ درصد دیگر کتاب‌فروشی‌های دارای فروش تنها ۱۵ درصد باقی‌مانده از بازار این طرح را میان خود تقسیم کردند.

نقشه استانی کتاب‌خوانی؛ پیشتازی اصفهان و کردستان

غافلگیرکننده‌ترین بخش آمار، جابه‌جایی معادلات جغرافیایی فروش کتاب است؛ جایی که تهران در هر سه شاخص تعداد خریدار، مبلغ فروش و یارانه دریافتی پس از اصفهان، کردستان و خراسان رضوی ایستاد. استان اصفهان با پنج هزار و ۹۲۵ خریدار (۳۳ درصد کل خریداران کشور)، سهم ۲۹ درصدی از مبلغ فروش و دریافت ۱۴ میلیارد و ۷۴۵ میلیون و ۴۷۵ هزار و ۷۵۲ ریال یارانه (۲۸ درصد) صدرنشین مطلق کشور شد.

پس از آن، استان کردستان با یک هزار و ۹۲۵ خریدار (۱۱ درصد)، سهم ۱۷ درصدی از مبلغ فروش و ۹ میلیارد و ۴۵۰ میلیون و ۷۵۴ هزار و ۵۰۰ ریال یارانه (۱۸ درصد) شگفتی‌سازی کرد؛ نسبت ۱۷ درصدی مبلغ خرید به سهم ۱۱ درصدی خریداران در کردستان نشان می‌دهد سرانه ریالی خرید کتاب در این استان به‌مراتب بالاتر از میانگین کشوری بوده است.

در رتبه‌های بعدی تعداد خریداران، خراسان رضوی با یک هزار و ۵۳۲ نفر (۹ درصد)، تهران با یک هزار و ۵۰۶ نفر (هشت درصد)، قم با یک هزار و ۲۶۸ نفر (هفت درصد)، گیلان با یک هزار و ۲۵۴ نفر (هفت درصد) و خوزستان با ۷۰۹ نفر (چهار درصد) قرار دارند. از نظر مبلغ خرید، پنج استان اصفهان (۲۹ درصد)، کردستان (۱۷ درصد)، خراسان رضوی (۹ درصد)، تهران (هشت درصد) و قم (هفت درصد) در مجموع ۷۱ درصد کل گردش مالی طرح را رقم زدند. در توزیع یارانه نیز پس از اصفهان و کردستان، خراسان رضوی با پنج میلیارد و یک میلیون و ۲۲۶ هزار و ۱۵۰ ریال (۱۰ درصد)، قم با چهار میلیارد و ۱۶ میلیون و ۲۱۲ هزار و ۴۸۷ ریال (هشت درصد) و تهران با سه میلیارد و ۹۱۹ میلیون و ۴۰۶ هزار و ۸۰۵ ریال (هشت درصد) رتبه‌های سوم تا پنجم را ثبت کردند.

سبد سلیقه مخاطبان و تداوم سلطه ادبیات

تفکیک موضوعی کتاب های فروخته شده نشان می‌دهد سبد خرید مخاطبان بر سه محور «ادبیات» با ۱۱ هزار و ۲۵۴ جلد (۳۳ درصد)، «کودک و نوجوان» با ۶ هزار و ۴۱۱ جلد (۱۹ درصد) و «دین» با پنج هزار و ۲۲ جلد (۱۵ درصد) استوار است؛ سه موضوعی که به‌تنهایی ۶۷ درصد فروش موضوعی طرح را تشکیل می‌دهند. در رتبه‌های بعدی، «علوم اجتماعی» (دو هزار و ۴۰۶ جلد، هفت درصد)، «روان‌شناسی» (دو هزار و ۲۷۵ جلد، هفت درصد)، «تاریخ و جغرافیا» (دو هزار و ۱۶۲ جلد، ۶ درصد)، «کمک‌درسی و آموزشی» (یک هزار و ۲۰۴ جلد، چهار درصد)، «هنر» (یک هزار و ۵۲ جلد، سه درصد)، «فلسفه و منطق» (۷۵۵ جلد، دو درصد) و «علوم پزشکی» (۶۵۰ جلد، دو درصد) قرار دارند. سهم اندک چهار درصدی کتاب‌های کمک‌درسی نشان می‌دهد یارانه طرح عمدتا به سمت کتاب‌های عمومی، ادبی و فکری هدایت شده است.

در سطح ناشران نیز کتاب های نشر «چشمه» با یک هزار و ۸۳۶ سفارش (هفت درصد) در صدر پرفروش‌ها قرار گرفتند. پس از آن، «کلک آزادگان» با یک هزار و ۳۰۹ سفارش (پنج درصد)، «موسسه فرهنگی ماهور» با ۹۹۷ سفارش (چهار درصد) و سپس ناشران «دارالکتب الاسلامیه» (۹۴۲ سفارش)، «ماهریس» (۹۲۰ سفارش)، «احسان» (۸۱۴ سفارش)، «جویا مجد» (۷۹۴ سفارش)، «بهجت» (۷۶۸ سفارش) و «شرکت انتشارات علمی و فرهنگی» (۷۴۰ سفارش)- هر یک با سهم سه درصدی- بیشترین سفارش‌ها را در کتاب‌فروشی‌های عضو طرح پاییزه «بازارکتاب» به خود اختصاص دادند.

چهره‌های فرهنگی، ناشران و مخاطبان ادبیات، در تشییع رضا امیرخانی اذعان کردند

جز خیر از او ندیدیم

مراسم تشییع و خاکسپاری رضا امیرخانی، نویسنده و پژوهشگر ادبی، روز جمعه ششم آذر ۱۴۰۵ پس از برگزاری آیین وداع در منزل شخصی‌اش، در قطعه ۵۱ بهشت زهرا (س) برگزار شد و پیکر او در کنار مزار پدرش، محمدعلی امیرخانی، آرام گرفت.

به گزارش «آگاه» صبح جمعه ششم آذر ۱۴۰۵، ابتدا مراسم عزاداری و وداع با پیکر رضا امیرخانی در منزل شخصی او برگزار شد و سپس پیکر این نویسنده برای تشییع و تدفین به بهشت زهرا (س) منتقل شد. این مراسم در قطعه ۵۱ بهشت زهرا (س) با تلاوت قرآن آغاز شد و حاضران بر پیکر او نماز اقامه کردند. در ادامه، تابوت این نویسنده که با پرچمی منقش به نام «یا قمر بنی‌هاشم (ع)» پوشانده شده بود، تا محل تدفین بدرقه شد.

در این مراسم، حسین محمدی به نمایندگی از رهبر انقلاب اسلامی حضور داشت. علاوه بر او، جمع پرشماری از مدیران فرهنگی، نویسندگان، شاعران، مترجمان، سینماگران و ناشران در بهشت زهرا (س) شرکت کردند. محسن جوادی معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، غلامرضا امیرخانی رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی، حجت‌الاسلام محمدرضا زائری، ابراهیم و یوسف حاتمی‌کیا، محمدمهدی عسگرپور، بهروز شعیبی، اسدالله امرایی، مصطفی رحماندوست، احمد دهقان، مجید قیصری، محمدرضا بایرامی، محسن مومنی شریف، حبیب احمدزاده، گلعلی بابایی، قاسمعلی فراست، سعید بیابانکی، سهیل محمودی، ناصر فیض، امید مهدی نژاد، هادی حیدری، هادی خورشاهیان، جواد و حامد محقق، ابراهیم زاهدی مطلق، حمیدرضا شاه‌آبادی، مهدی قزلی، مهدی فیروزان، علی‌اصغر عزتی‌پاک، احسان رضایی، جواد موگویی و عباس دعایی از جمله حاضران این آیین بودند. همچنین شماری از مدیران نشر و فعالان بازار کتاب، از جمله محمدعلی جعفریه مدیر نشر ثالث، رضا هاشمی‌نژاد مدیر نشر افق، نادر قدیانی، مرتضی کاردر مدیر نشر هرمس، آیت معروفی مدیر انتشارات خوارزمی و سعید مکرمی مدیر کتاب‌فروشی ترنجستان در این مراسم حضور یافتند. طبق اطلاعیه خانواده امیرخانی مراسم ترحیم این نویسنده امروز شنبه هفتم آذر از ساعت ۱۴ تا ۱۶ در مسجد اعظم قلهک (خیابان شهید کلاهدوز) برگزار می‌شود.

دستی را به خاک می‌سپاریم که پیش از قلم، دست می‌گرفت

در بخش سخنرانی این مراسم، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا زائری با اشاره به ویژگی‌های اخلاقی و رفتار اجتماعی رضا امیرخانی، سخنانش را خطاب به حضرت ولی‌عصر(عج) آغاز کرد و گفت: «آقا امروز، روز شماست و دوست ما مهمان شما شده است. ما امروز او را به شما برمی‌گردانیم. امروز دلی را به خاک می‌سپاریم که جز مهر و محبت در آن نبود، سری را به خاک می‌سپاریم که جز هوای خدمت و مردمداری نداشت، دستی را به خاک می‌سپاریم که پیش از قلم، دست می‌گرفت و پایی را به خاک می‌سپاریم که برای گره‌گشایی فرسنگ‌ها می‌پیمود.»

او در ادامه افزود: «از شما می پرسم حیف آن دست‌ها نیست که به زیر خاک بروند؟ حیف آن چشم‌های نازنین نیست که به سنگ لحد خیره شوند؟ آن لبخندهای شیرین رضا کجا خواهد رفت و آن لحن دلنشین را دیگر چگونه بشنویم؟» زائری در پایان سخنانش گفت: «او رها شد و ما را گرفتار کرد. او شوق پرواز داشت و آسمانی شد؛ آری، قفس تن برای آن جان پاک کوچک بود. خوشا به سعادتش که اکنون در وسعتی بیکران و بی‌انتها به پرواز درآمده است.»

در بخش دیگری از مراسم و بر اساس وصیت رضا امیرخانی، روضه حضرت ابوالفضل العباس (ع) بر سر مزار او خوانده شد. هنگام تدفین نیز بخشی از فایل صوتی روضه‌خوانی خود این نویسنده برای حاضران پخش شد؛ فایلی که در آن امیرخانی ضمن طلب رحمت الهی، دعای «اللهم إنا لا نعلم منه إلا خیراً و أنت أعلم به منا» را قرائت می‌کند.

امرایی: صداقت با خود، مهم‌ترین ویژگی امیرخانی بود

اسدالله امرایی، مترجم، در حاشیه این مراسم با ابراز تاسف از درگذشت رضا امیرخانی گفت که دوستان و همکاران او حدود یک سال با نگرانی پیگیر وضعیت درمانی‌اش بودند، اما در نهایت این نویسنده را از دست دادند. او با اشاره به ویژگی‌های حرفه‌ای امیرخانی توضیح داد که مهم‌ترین خصوصیت او صداقتش با خود بود؛ چراکه همواره تلاش می‌کرد به قلم و نوشتن وفادار بماند و در مسیر نویسندگی صادقانه حرکت کند. امرایی با تاکید بر ماندگاری اثر اجتماعی نویسندگان خاطرنشان کرد که بسیاری از دارایی‌های مادی انسان پس از مرگ فروخته، بخشیده یا از بین می‌روند، اما آنچه باقی می‌ماند، تاثیری است که فرد بر زندگی دیگران می‌گذارد و امیرخانی بر زندگی بسیاری از مخاطبان خود اثر گذاشت.

اسماعیلی: در عین جسارت و تجربه‌گرایی، فردی منضبط بود

در همین ارتباط، رضا اسماعیلی، شاعر و پژوهشگر ادبی، شخصیت رضا امیرخانی را ترکیبی از روحیه ماجراجو و انضباط کاری توصیف کرد. به گفته او، امیرخانی به تماشای جهان از یک زاویه ثابت بسنده نمی‌کرد و همانگونه که در زندگی شخصی به سراغ تجربه‌هایی چون سفر با پرواز می‌رفت، در نویسندگی نیز از تکرار تجربه‌های پیشین دوری می‌کرد و به دنبال شیوه‌های تازه در زبان و روایت بود.

اسماعیلی با اشاره به دوران همکاری با امیرخانی در انجمن قلم ایران، به خاطره‌ای از یکی از نشست های این انجمن با حضور وزیر فرهنگ وقت اشاره کرد و گفت امیرخانی برای رعایت دقیق زمان‌بندی برنامه و فرصت سخنرانان، از یک دستگاه کرنومتر استفاده می‌کرد؛ رفتاری که به گفته او نشان‌دهنده دقت، مسئولیت‌پذیری و احترام او به وقت دیگران بود. این پژوهشگر همچنین رمان «رهش» را فراتر از یک روایت خانوادگی دانست.

بیابانکی: خود را به دسته‌بندی‌های جناحی محدود نکرد

سعید بیابانکی، شاعر، نیز روز تشییع رضا امیرخانی را روزی بسیار تلخ خواند و تاکید کرد که او فراتر از یک نویسنده، فردی رفیق‌دوست بود که با وجود تفاوت دیدگاه‌های سیاسی و فرهنگی، توانسته بود با طیف‌های گوناگون ارتباط برقرار کند و خود را به مرزهای جناحی محدود نکند. بیابانکی با اشاره به صراحت لهجه و روحیه انتقادی امیرخانی گفت که در قلم او نوعی جادوگری وجود داشت که بخشی از آن نتیجه تمرین و ممارست خودش و بخشی دیگر موهبتی خدادادی بود. او قدرت تخیل و تصویرسازی امیرخانی، از جمله توانایی‌اش در روایت دقیق جهان فکری و شغلی شخصیت‌های زن را قابل توجه دانست و افزود که ادبیات ایران سرمایه‌ای بزرگ را از دست داده است، اما آثار او در زبان فارسی ماندگار خواهند ماند و بهترین توصیه به علاقه‌مندان، خواندن کتاب‌های اوست.

کارنامه‌ای که در حافظه ادبیات ایران زنده می‌ماند

رضا امیرخانی متولد ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۲ در تهران و دانش‌آموخته رشته مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف بود. او فعالیت حرفه‌ای داستان‌نویسی را از دهه ۷۰ با انتشار رمان «ارمیا» آغاز کرد و با آثاری مانند «من او»، «ازبه»، «بی‌وتن»، «قیدار» و «رهش» به یکی از نویسندگان پرمخاطب ادبیات معاصر تبدیل شد. رمان «رهش» در سال ۱۳۹۷ برگزیده جایزه ادبی جلال آل‌احمد شد. امیرخانی در حوزه سفرنامه و جستارهای اجتماعی نیز آثاری همچون «داستان سیستان»، «جانستان کابلستان»، «نشت نشا»، «نفحات نفت» و «نیم‌دانگ پیونگ‌یانگ» را منتشر کرده است.

این نویسنده نهم آذر ۱۴۰۴ هنگام پرواز با پاراگلایدر در منطقه مشاء دماوند دچار سانحه و آسیب مغزی شد. او پس از حدود دو ماه بستری در بخش مراقبت های ویژه یکی از بیمارستان‌های تهران، دهم دی با نظر پزشکان و تصمیم خانواده برای ادامه مراقبت ها به منزل منتقل شد، اما سرانجام دوشنبه دوم آذر ۱۴۰۵، نزدیک به یک سال پس از آن حادثه، درگذشت.





مهدی علیزاده، مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران خبر داد
ورود ۳۰۰ اتوبوس جدید به تهران تا پایان سال

آغاز بازنگری و اصلاح سند اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر

ستاد مبارزه با مواد مخدر

مدیرکل توسعه و مشارکت‌های مردمی ستاد مبارزه با مواد مخدر، از آغاز فرآیند بازنگری و اصلاح سند اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر خبر داد و بر ضرورت ساماندهی فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و ایجاد شبکه‌ای منسجم برای تقویت مشارکت‌های اجتماعی تاکید کرد.

به گزارش «آگاه» علیرضا برازی در هفتاد‌وهشتمین نشست تخصصی کمیته توسعه مشارکت‌های مردمی، با اشاره به تدوین سند اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۷ و ابلاغ آن در سال ۱۳۹۸، اظهار کرد: این سند با وجود تدوین، در عمل اجرایی و عملیاتی نشد؛ از این‌رو، با آسیب‌شناسی و دریافت دیدگاه دستگاه‌های اجرایی، سازمان‌های مردم‌نهاد و کارشناسان، فرآیند به‌روزرسانی و اصلاح آن در دستور کار قرار گرفت.

وی افزود: بازطراحی ساختار سند، تعیین متولیان و تقسیم کار ملی، بومی‌سازی و اجرای تدریجی، ارتقای اثربخشی، تقویت مشارکت‌های اجتماعی و تدوین شاخص‌های پایش و ارزیابی، از محورهای اصلی اصلاح این سند است. برازی همچنین با اشاره به شناسایی حدود ۲۵۰۰ سازمان مردم‌نهاد فعال در حوزه‌های مختلف مبارزه با اعتیاد، گفت: فعالیت این سازمان‌ها در بخش‌هایی مانند پیشگیری، درمان، کاهش آسیب، صیانت و اشتغال پراکنده است و برای ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی، ساماندهی و توسعه شبکه ملی سازمان‌های مردم‌نهاد ضروری است.

مدیرکل توسعه و مشارکت‌های مردمی ستاد با تاکید بر اینکه شبکه‌سازی صرفا به معنای ایجاد سامانه یا بستر مجازی نیست، تصریح کرد: شبکه ملی باید بر پایه همکاری، تبادل اطلاعات، هماهنگی فعالیت‌ها، اشتراک دانش و مشارکت راهبردی سازمان‌های مردم‌نهاد شکل بگیرد؛ به‌گونه‌ای که ضمن حفظ استقلال این سازمان‌ها، ظرفیت‌های آنها در مسیر اهداف مشترک به کار گرفته شود.

وی در ادامه، به اجرای طرح‌های آموزشی و توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد اشاره کرد و گفت: در قالب اجرای آزمایشی طرح آموزش تسهیل‌گری در استان‌ها، حدود ۹۰۰ سازمان مردم‌نهاد در دوره‌های آموزشی فرزندپروری مشارکت کردند و اثربخشی این آموزش‌ها نیز از طریق ارزیابی دانش، نگرش و رفتار مخاطبان مورد بررسی قرار گرفت.

برازی همچنین از طراحی برنامه پنج ساله آموزش سازمان‌های مردم‌نهاد بر اساس نیازسنجی آموزشی خبر داد و افزود: تقویت نظارت و ارزیابی اثربخشی فعالیت سمن‌ها و ارتقای توان کارشناسان دستگاه‌های اجرایی از دیگر ضرورت‌های این حوزه است.

وی در پایان با دعوت از دستگاه‌های عضو کمیته برای مشارکت در شکل‌گیری شبکه ملی سازمان‌های مردم‌نهاد، خواستار همکاری و همراهی اعضا برای تدوین الگوی مشخص شبکه‌سازی و جلوگیری از موازی‌کاری در فعالیت‌های اجتماعی حوزه مبارزه با اعتیاد شد.

سرانه فضاهای ورزشی دانش‌آموزان به ۵۸ صدم مترمربع می‌رسد



معاون تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش با اشاره به افزایش سه هزار فضای ورزشی در کشور، گفت: سرانه فضاهای ورزشی دانش‌آموزان که تا پایان سال ۱۴۰۴ معادل ۴۸ صدم مترمربع بود، با احتساب فضاهای جدید به ۵۸ صدم مترمربع افزایش می‌یابد.

محمد جعفری، درباره تعداد مدارس فاقد فضای ورزشی در کشور، با بیان اینکه تعریف فضای ورزشی در مدارس باید از فضای حیاط مدرسه تفکیک شود، گفت: حیاط مدرسه که معمولا دارای زمین آسفالت یا سیمانی است، به‌عنوان یکی از فضاهای مورد استفاده برای فعالیت‌های ورزشی دانش‌آموزان محسوب می‌شود و مدارس کشور از چنین فضایی برخوردارند؛ اما منظور از فضای ورزشی استاندارد، فضاهایی است که با طراحی مناسب و رعایت الزامات ایمنی، زمینه فعالیت ورزشی دانش‌آموزان را با رغبت و کیفیت بیشتری فراهم می‌کنند.

وی افزود: دانش‌آموزان به فضاهای ورزشی متنوعی نیاز دارند؛ به‌عنوان مثال، دانش‌آموزان پسر علاقه‌مند به فعالیت در زمین‌های چمن و دانش‌آموزان دختر خواهان استفاده از کفپوش‌های ایمن و استاندارد هستند. بنابراین، وقتی از سرانه فضای ورزشی صحبت می‌کنیم، منظور فضاهایی مانند سالن‌های ورزشی، کلاس‌های درس تربیت بدنی، زمین‌های چمن مصنوعی، استخرها و سایر فضاهای مکمل ورزشی است که دانش‌آموزان بتوانند در داخل یا خارج از مدرسه از آنها استفاده کنند.

معاون تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش با اشاره به آمار فضاهای ورزشی کشور، ادامه داد: تا پایان سال ۱۴۰۴، تعداد ۱۲ هزار و ۶۶ فضای ورزشی در کشور داشتیم که با اضافه شدن حدود سه هزار فضای ورزشی جدید، این تعداد به حدود ۱۵ هزار فضا می‌رسد.

جعفری با تاکید بر اینکه در آموزش و پرورش، سرانه فضاهای ورزشی اهمیت بیشتری از تعداد این فضاها دارد، درباره ترکیب فضاهای ورزشی موجود، گفت: تا پایان سال ۱۴۰۴، تعداد زمین‌های چمن مصنوعی به چهار هزار و ۹۶۶، سالن‌های ورزشی با سقف بلند به دو هزار و ۸۵۳، استخرها به ۲۱۶، زمین‌های چمن طبیعی به ۱۳۷، کفپوش‌های فضای روباز به ۶۴۲، سالن‌های ورزشی با سقف کوتاه به هزار و ۴۸۰، زمین‌های ساحلی به ۱۱۱ و پیست‌های دو میدانی به ۶۳ مورد رسیده است.

وی با اشاره به هدف‌گذاری برنامه هفتم توسعه برای افزایش سرانه فضای ورزشی دانش‌آموزان به یک مترمربع، افزود: سرانه فضاهای ورزشی تا پایان سال ۱۴۰۴، ۴۸ صدم مترمربع بود که با اضافه شدن سه هزار فضای ورزشی جدید به ۵۸ صدم مترمربع خواهد رسید. معاون تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه افزایش هزینه‌ها، محدودیت‌هایی را برای توسعه فضاهای ورزشی به وجود می‌آورد، گفت: با وجود این شرایط تلاش می‌کنیم هر سال نزدیک به سه هزار فضای ورزشی جدید در کشور ایجاد کنیم.

اخلاق کسب؛ یکی از قدیمی‌ترین مشاغل محله‌ای

عطر اعتماد عطار



در دکان قدیمی که بازمی‌شود، بوی دارچین و آویشن و گل محمدی با هوای بیرون درهم می‌آمیزد. قفسه‌ها تا نزدیک سقف بالا رفته‌اند. شیشه‌های پر از گیاهان خشک، قوطی‌های ادویه، کیسه‌های پارچه‌ای و ظرف‌هایی که محتویات‌شان برای مشتریان قدیمی آشناست. روی پیشخوان، ترازو جا خوش کرده و کنار آن کاغذهای بسته‌بندی قرار دارد. عطار دستش را به سوی یکی از قفسه‌ها می‌برد، اما پیش از آنکه چیزی بردارد از مشتری می‌پرسد دقیقا چه می‌خواهد. مشتری نام گیاه را به یاد نمی‌آورد. از رنگ و شکلش می‌گوید. عطار چند سوال می‌پرسد، دو سه ظرف را نشانش می‌دهد و بالاخره مشتری یکی را انتخاب می‌کند. خرید چند دقیقه بیشتر طول می‌کشد، اما گفت‌وگو از جنس همان مکالمه‌هایی است که در دکان‌های محله‌ای قدیمی اتفاق می‌افتاد جایی که فروشنده فقط منتظر شنیدن نام کالا و دریافت پول نبود.

به گزارش «آگاه» عطاری از جمله کسب‌هایی است که شناخت جنس، تجربه و ارتباط با مردم در آن به هم گره خورده‌اند. برای عطار قدیمی، حرفه از پشت پیشخوان و با سال‌ها کار کردن شکل می‌گرفت از یاد گرفتن نام گیاهان، تشخیص کیفیت، کار با ترازو و شناخت مشتریانی که گاه سال‌ها به یک دکان مراجعه می‌کردند. عطارهای قدیمی معمولا کار را از شاگردی آغاز کرده‌اند دوره‌ای که در آن، پیش از فروشندگی، باید جنس را می‌شناختند و کارهای روزمره دکان را یاد می‌گرفتند. مرتب کردن قفسه‌ها، پاک کردن ظرف‌ها، آماده کردن سفارش‌ها و آشنایی با گیاهان، بخشی از مسیر یادگیری بود.

حسین جعفری، عطار قدیمی محله نیکنام در شهر تهران می‌گوید: موقع شروع کار همه چیز را بلد نبودیم. باید جنس‌ها را می‌شناختیم، اسم‌شان را یاد می‌گرفتیم، می‌فهمیدیم کدام تازه است و کدام کیفیتش را از دست داده. صاحب مغازه می‌گفت وقتی چیزی را نمی‌شناسی، نباید به مشتری بگویی این همان چیزی است که می‌خواهی. اول یاد بگیر، بعد بفروش. در آن سال‌ها، بخشی از آموزش از طریق مشاهده و تجربه منتقل می‌شد. شاگرد، رفتار استاد با مشتری را می‌دید، نحوه پاسخ دادن به پرسش‌ها را یاد می‌گرفت و با تکرار کار، شناخت بیشتری از محصولات پیدا می‌کرد. اشتباه در شناخت جنس یا تحویل سفارش نیز بخشی از تجربه‌ای بود که باید از آن درس می‌گرفت.

در بعضی دکان‌های قدیمی، دفتر حساب نسیه بخشی از کار روزانه بود. مشتریانی که خرید می‌کردند اما پولشان را همان روز نمی‌پرداختند، نامشان در دفتر می‌ماند تا بعدا حساب کنند. این شیوه در کسب‌های محله‌ای که فروشنده و خریدار یکدیگر را می‌شناختند، گاهی راهی برای گذر از تنگنای مالی خانواده‌ها بود. عطار با یادآوری خاطره‌ای می‌گوید: بعضی‌ها آخر ماه حساب می‌کردند، بعضی‌ها وقتی حقوق می‌گرفتند می‌آمدند پولشان را می‌دادند. اگر کسی را می‌شناختیم و می‌دانستیم گرفتار است، سخت نمی‌گرفتیم. نمی‌شد برای چند قلم جنس کسی را دست خالی برگرداند.

نسیه البته به شرایط مالی دکان و شناخت فروشنده از مشتری بستگی داشت و همه کسبه چنین امکانی نداشتند. با این حال، در برخی محله‌ها دفتر نسیه فقط ثبت بدهی نبود نشانه‌ای از رابطه‌ای بود که خریدهای روزمره را به شناخت از وضعیت زندگی مردم پیوند می‌داد.

ترازو از ابزارهای اصلی عطاری است وسیله‌ای که هر روز برای وزن کردن ادویه و گیاهان به کار می‌رود. درست وزن کردن جنس، کم نگذاشتن از مقدار سفارش و جبران اشتباه، از اصولی است که مشتری در معامله انتظار دارد رعایت شود. جعفری از حساسیت استادش بروزن کردن یاد می‌کند: اگر مشتری یک مقدار مشخص جنس می‌خواهد، همان مقدار را می‌دهم حتی کمی بیشتر. کم گذاشتن شاید به چشم مشتری نیاید، اما خودت می‌دانی و خدای خودت. اگر ترازو درست کار نمی‌کند، باید درستش کنی. نمی‌شود حساب مردم را با اشتباه نگه داشت.

در بازار، وزن و قیمت باید روشن باشد. فروشنده مسئول اندازه‌گیری است و مشتری نباید به دلیل ناآگاهی یا اعتماد، کمتر از مقدار سفارش خود دریافت کند. در کسب عطاری، ترازو هر روز این مسئولیت را مقابل فروشنده قرار می‌دهد. جنس مانده را به اسم جنس تازه نمی‌فروختیم. گیاهان خشک و ادویه‌ها به شرایط نگهداری، رطوبت، زمان و کیفیت اولیه وابسته‌اند. تغییر رنگ، بو یا ظاهر محصول می‌تواند نشانه‌ای از افت کیفیت باشد و شناخت این تفاوت‌ها بخشی از تجربه فروشنده است.

عطار در این روایت درباره جنس نامرغوب می‌گوید: اگر جنس کیفیت نداشت، نمی‌شد آن را به اسم جنس خوب فروخت. مشتری شاید همان لحظه متوجه نمی‌شد، اما بعد می‌فهمید. اگر بار خوب نبود، باید می‌گفتیم جنس درجه‌اش پایین‌تر است یا اگر جنس مرغوب نداشتیم. نباید جنس ضعیف را با جنس خوب قاطی می‌کردیم.

همه مشتریان عطاری با شناخت قبلی از محصولات وارد مغازه نمی‌شوند. بعضی نام گیاه را فراموش کرده‌اند، بعضی آن را از روی شکل به یاد می‌آورند و برخی با اطلاعاتی که از آشنایان یا فضای مجازی شنیده‌اند، دنبال محصولی می‌گردند. وقتی جنس در دکان نبود در بازارهای قدیمی، مغازه‌ها در کنار هم فعالیت می‌کردند و رقابت برای فروش وجود داشت؛ اما گاهی همکاری میان کسبه، راهی برای تامین نیاز مشتری بود. اگر عطار محصولی را نداشت، ممکن بود مشتری را به همکار دیگری راهنمایی کند.

جعفری از این رفتار می‌گوید: اگر جنسی را نداشتیم، به مشتری می‌گفتیم فلان دکان دارد. نمی‌شد برای اینکه مشتری از دکان بیرون نرود، چیزی را که نداشتیم به او بفروشیم. همکار ما هم اگر چیزی نداشت، ممکن بود مشتری را پیش ما بفرستد. این همکاری همیشه به معنای نبود رقابت نبود کسبه همچنان برای فروش و حفظ مشتری تلاش می‌کردند. اما در برخی موقعیت‌ها، راه انداختن کار مشتری مهم‌تر از آن بود که حتما خرید در همان مغازه انجام شود. عطاری امروز؛ با مسئولیتی بیشتر مسئولیت عطاری در حوزه سلامت هم معنا پیدا می‌کرد مهم‌ترینش همین بود. اینکه یک گیاه یا پودر یا خوراکی به اشتباه به فردی داده نشود که سلامت او را به خطر بیندازد. عطاران خودشان پزشک بودند. آنها که هنوز هم قدیمی‌تر هستند وقتی نگاهی می‌اندازند به چهره یک فرد می‌دانند باید چه دمنوشی بخورد و چه غذایی استفاده نکند یا با کدام داروی گیاهی بهتر می‌شود. حتی خیلی‌ها عطاران را امین خود می‌دانستند و از او برای بیماری‌های خودشان کمک می‌خواستند. حالا این رفتار حکیمانه کمتر شده و عطاران خواص آنچه شنیده‌اند را بازگو می‌کنند.

عطاری امروز با بازار متفاوتی روبه روست. محصولات بسته‌بندی شده، فروش اینترنتی، تبلیغات شبکه‌های اجتماعی و تنوع فرآورده‌های گیاهی، شکل خرید و فروش را تغییر داده‌اند. مشتری ممکن است با دیدن تبلیغی درباره درمان یک بیماری وارد دکان شود و از فروشنده انتظار داشته باشد محصولی برای مشکل خود معرفی کند. در چنین شرایطی، شناخت محصول به تنهایی کافی نیست. فروشنده باید منشأ و کیفیت کالا را تا حد امکان روشن کند، از وعده‌های درمانی بی‌پشتوانه پرهیز کند و بداند چه زمانی اطلاعات او برای پاسخ دادن به پرسش مشتری کافی نیست. برخی گیاهان ممکن است با داروها تداخل داشته باشند یا برای افراد دارای بیماری‌های خاص و زنان باردار مناسب نباشند؛ بنابراین توصیه به مصرف، بدون شناخت شرایط فرد، می‌تواند خطرآفرین باشد.

مسئولیت عطاران امروز، در کنار آشنایی با محصولات، شناخت حدود حرفه خود و پرهیز از جایگزین کردن توصیه فروش با تشخیص پزشکی است. مشتری‌ای که برای بیماری جدی مراجعه می‌کند، باید در صورت نیاز به پزشک یا متخصص ارجاع داده شود، نه اینکه با وعده درمان قطعی به خرید محصول ترغیب شود. در کسب و کار قدیمی، شاگرد از استاد شناخت جنس و شیوه اداره دکان را یاد می‌گرفت امروز نیز این آموزش، اگر قرار است با نیازهای بازار جدید همراه شود، باید اطلاعات علمی معتبر، آگاهی از محدودیت مصرف و مسئولیت در برابر سلامت خریدار را دربر بگیرد. دکان عطاری شاید هنوز همان قفسه‌های پر از گیاه و ادویه را داشته باشد، اما بازارش تغییر کرده است. آنچه از گذشته می‌تواند باقی بماند، نه صرفا شکل دکان یا ابزارهای قدیمی، بلکه آداب معامله است درست وزن کردن، معرفی بی‌کم‌وکاست جنس، پاسخ دادن به پرسش مشتری و فروختن کالایی که فروشنده درباره آن اطلاعات کافی دارد. اینها رفتارهایی هستند که در هر دوره، می‌توانند کیفیت یک کسب را تعیین کنند.

معاون رئیس جمهور در امور توسعه روستایی و مناطق محروم:

۱۳ جان‌باخته حادثه اتوبوس آبدانان، فرزندان ایران بودند

معاون رئیس‌جمهور در امور توسعه روستایی و مناطق محروم با تسلیت جان باختن ۱۳ نفر در حادثه واژگونی اتوبوس آبدانان، این رویداد را ضایعه‌ای سنگین برای کشور دانست و گفت که دولت خود را متعهد به پیگیری و تحقق مطالبات قانونی خانواده‌های جان‌باختگان می‌داند و برای رسیدگی به این خواسته‌ها و جلوگیری از تکرار حوادث مشابه تلاش می‌کند.

به گزارش «آگاه» عبدالکریم حسین زاده در دیدار با خانواده های جان باختگان حادثه واژگونی اتوبوس آبدانان اظهار کرد: این ۱۳ نفر تنها فرزندان خانواده‌های داغدار نبودند، بلکه فرزندان ایران بودند و اندوه از دست دادن آنان در سراسر کشور احساس شد. وی افزود: پس از انتشار خبر این حادثه، واکنش‌ها و پیام‌های همدردی مردم از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب کشور نشان داد که این مصیبت، اندوهی ملی است و مردم ایران خود را در غم خانواده‌های داغدار شریک می‌دانند.

معاون رئیس جمهور با اشاره به جایگاه علمی و تخصصی جان باختگان گفت: ما در این حادثه تنها تعدادی از شهروندان خود را از دست ندادیم، بلکه سرمایه‌های اجتماعی و فنی کشور را از دست دادیم، انسان‌هایی که پرورش و تربیت آنها سال‌ها زمان می‌برد تا بتوانند در مسیر پیشرفت و توسعه سرزمین خود نقش‌آفرینی کنند.

حسین زاده با بیان اینکه شفافیت و اعتمادسازی باید مبنای پیگیری مطالبات باشد، گفت: خانواده‌ها می‌توانند بدون واسطه با دفتر اینجانب در ارتباط باشند و موارد و درخواست‌های خود را مطرح کنند تا موضوع‌ها از مسیر مسئولان مربوط پیگیری شود.

معاون رئیس جمهور در امور توسعه روستایی و مناطق محروم با اشاره به ضرورت اصلاح روندها و پیشگیری از حوادث مشابه تاکید کرد: نمی‌توان حادثه‌ای را که اتفاق افتاده به نقطه صفر بازگرداند، اما می‌توان با شناسایی کاستی‌ها و اصلاح رویه‌ها از تکرار چنین رخدادهای تلخی جلوگیری کرد تا دیگر شاهد از دست رفتن جان شهروندان نباشیم. حسین‌زاده با اعلام اینکه گزارش مطالبات و مسائل مطرح شده از سوی خانواده‌ها را پس از بازگشت به تهران به رئیس جمهور ارائه خواهد کرد، گفت: امیدوارم با پیگیری جدی دستگاه‌های مسئول، خواسته‌های قانونی خانواده‌ها محقق شود و بخشی از سنگینی این مصیبت کاهش یابد.

در این دیدار استاندار ایلام، نماینده مردم حوزه جنوب استان در مجلس شورای اسلامی و شماری از مدیران دستگاه‌های اجرایی حضور داشتند. شامگاه شنبه ۲۳ آبان اتوبوس حامل ۳۰ نفر از کارکنان شرکت پالایش گاز و گاز مایع ان جی ال (NGL) دهلران در مسیر دشت عباس به مورموری آبدانان و در محدوده سه‌گرواژگون شد. در این حادثه تلخ، ۱۳ نفر از سرنشینان جان باختند و ۱۷ نفر دیگر برای دریافت خدمات درمانی به مراکز پزشکی شهرستان‌های دهلران، دزفول و ایلام انتقال یافتند.

به دنبال این رخداد، رئیس جمهور، معاون اول رئیس جمهور و وزیر کشور در تماس‌ها و پیام‌های جداگانه، دستورهای لازم را برای بسیج همه امکانات درمانی و امدادی صادر کردند. نماینده ولی‌فقیه و استاندار ایلام نیز با صدور پیامی مشترک، یک روز عزای عمومی در سراسر استان اعلام کردند. پس از بررسی نهایی کارشناسان فنی و پلیس، رعایت نکردن سرعت مطمئنه از سوی راننده، تخطی شرکت راه‌اندازی و بهره‌برداری صنایع نفت از نظام‌های دولتی و سرپیچی از قاعده‌های قانونی و رعایت نشدن ضوابط ایمنی مسیر از سوی اداره راهداری و حمل‌ونقل به عنوان مقصر حادثه واژگونی اتوبوس کارکنان پتروپالایش دهلران در جاده دشت‌عباس- مورموری اعلام شد.





سیدمصطفی آذرکیش، معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش‌وپرورش:

برنامه آموزش هوش مصنوعی برای ۲۰۰ هزار معلم اجرا می‌شود



از توسعه فردی و اجتماعی بانوان تا حمایت از مادران و زنان سرپرست خانوار

«زن مادری کرد، وطن ماند»؛ تهران در آستانه هفته زن

تهران در آستانه هفته بزرگداشت مقام زن و مادر، مجموعه‌ای از برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی را برای گرامیداشت این مناسبت تدارک دیده است؛ برنامه‌هایی که قرار است از میدان انقلاب و بوستان‌های پایتخت تا مراکز کوثر، محلات و فضاهای حمل‌ونقل عمومی را دربر بگیرد. امسال این برنامه‌ها با شعار «زن مادری کرد، وطن ماند» برگزار می‌شود؛ شعاری که به گفته مریم اردبیلی، رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران، تلاش دارد مفهوم مادری را از چارچوب محدود خانواده فراتر ببرد و به نقش زنان در حفظ جریان زندگی، مراقبت اجتماعی و حضور مسئولانه در عرصه‌های مختلف شهر پیوند بزند. برنامه‌های امسال، علاوه بر جشن‌ها و رویدادهای مناسبتی، فرصتی برای معرفی بخشی از اقدامات شهرداری در حوزه زنان و خانواده است؛ از افتتاح و بهره‌برداری از زیرساخت‌های جدید ویژه بانوان گرفته تا حمایت از کسب‌وکارهای زنان سرپرست خانوار و توسعه شبکه زنان کنشگر محلات.

مادری؛ مفهومی فراتر از خانه و خانواده

شعار محوری امسال، «زن مادری کرد، وطن ماند»، بر مبنای روایتی از نقش‌آفرینی زنان در تحولات و شرایط دشوار یک سال گذشته انتخاب شده است. اردبیلی در تشریح این شعار تاکید کرده است که منظور از مادری صرفا مادر زیستی یا مسئولیت تربیت فرزندان در محیط خانواده نیست، بلکه هر زنی که با مسئولیت‌پذیری، مراقبت و حضور موثر خود برای حفظ شهر و وطن تلاش کرده، در این تعریف جای می‌گیرد.

از این منظر، محله‌ها، خیابان‌ها و میدان‌های شهر نیز بخشی از قلمرو مسئولیت و مراقبت زنان محسوب می‌شوند؛ زنانی که در شرایط دشوار، با وجود خستگی و محدودیت‌ها، برای تداوم زندگی اجتماعی و حفظ آرامش خانواده‌ها و شهروندان تلاش کرده‌اند. در همین راستا، کاروان‌های شادی با هویت بصری این شعار در مناطق مختلف تهران حرکت خواهند کرد. توزیع هدایای کوچک و اقلام فرهنگی، حضور شبانه در کنار میدان‌ها و اجرای برنامه‌های مناسبتی از جمله فعالیت‌های این کاروان‌هاست. جشن مرکزی میلاد نیز روز جمعه ۱۳ آذر در میدان انقلاب برگزار می‌شود. این مراسم با میزبانی زنان شهر تهران طراحی شده و احتمال دارد محدوده آن از سردر دانشگاه تهران تا خیابان جمالزاده امتداد پیدا کند. مجموعه‌ای از خدمات، برنامه‌های فرهنگی، اجراهای هنری و بخش‌های مرتبط با کارآفرینی زنان در این رویداد پیش‌بینی شده است.

۳۵۲ جشن در محلات؛ تلاش برای محله‌محور شدن برنامه‌ها

یکی از ویژگی‌های برنامه‌های امسال، گسترش فعالیت‌ها از یک مراسم متمرکز شهری به سطح محلات است. بر اساس اعلام رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران، ۳۵۲ جشن محله‌ای ویژه زنان در مناطق مختلف پایتخت برگزار خواهد شد. این برنامه‌ها در کنار جشن مرکزی میدان انقلاب، قرار است امکان مشارکت زنان و خانواده‌ها را در نقاط مختلف شهر فراهم کند. همچنین سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه شهرداری در فضاهای خدماتی خود، از جمله ایستگاه‌های مترو، اتوبوس‌ها و سایر نقاط ارتباط مستقیم با شهروندان، برنامه‌هایی نظیر فضاسازی، چراغانی، اهدای هدیه و اجرای فعالیت‌های مناسبتی خواهند داشت.

از دیگر برنامه‌های محله‌محور، رویداد «ریشه» است که با هدف شناسایی، شبکه‌سازی و توانمندسازی زنان کنشگر شهر تهران طراحی شده است. تمرکز این رویداد بر زنانی است که در محلات فعالیت اجتماعی دارند و در بسیاری از موارد، بدون برخورداری از ساختار رسمی، بخش مهمی از فعالیت‌های اجتماعی و محلی را پیش می‌برند.

از زیرساخت‌های زنانه تا پردیس‌های خانواده‌محور

توسعه فضاهای اختصاصی زنان یکی از محورهای مهم فعالیت مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران است. به گفته اردبیلی، در هفته زن امسال حدود هفت تا هشت افتتاح و همچنین هفت تا هشت مورد تغییر کاربری و آغاز بهره‌برداری از ظرفیت‌های جدید پیش‌بینی شده است. در حال حاضر، حدود ۱۷۰ هکتار زیرساخت ویژه بانوان در تهران وجود دارد که بوستان‌های بانوان و مراکز شهربانو بخشی از آن را تشکیل می‌دهند. با این حال، برنامه توسعه زیرساخت‌ها صرفا به فضاهای اختصاصی زنان محدود نیست.

یکی از طرح‌های در دست پیگیری، احداث پنج پردیس خانواده محور در پنج منطقه تهران است. این مجموعه‌ها قرار است با ترکیبی از امکانات ورزشی، تفریحی، مشاوره‌ای و بازی، فضاهایی برای استفاده بانوان، آقایان و خانواده‌ها فراهم کنند. مطالعات اولیه و شناسایی موقعیت‌ها انجام شده و برای برخی از آنها طرح‌های اولیه نیز تهیه شده است؛ با این حال، اجرای پروژه‌ها به دلیل شرایط خاص سال گذشته به تعویق افتاده و در اولویت برنامه‌های سال آینده قرار گرفته است. در کنار توسعه زیرساخت‌ها، بازسازی مراکز آسیب‌دیده حوزه زنان نیز از اقدامات انجام‌شده عنوان شده است. اردبیلی اعلام کرده که زیرساخت‌های زنانه‌ای که در جریان جنگ‌های ۱۲ روزه و ۴۰ روزه آسیب دیده بودند، بازسازی شده و به چرخه ارائه خدمات بازگشته‌اند.

حمایت اقتصادی؛ از مراکز کوثر تا بازارچه‌های محلی

توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار و صاحبان مشاغل خانگی از دیگر محورهای فعالیت شهرداری است. مراکز کوثر یکی از بسترهای اصلی این فعالیت به شمار می‌روند؛ مراکزی که امکان اشتغال و تولید را برای بخشی از زنان سرپرست خانوار فراهم کرده‌اند. در این میان، شهرداری تلاش کرده است حمایت از این زنان را از کمک‌های مقطعی فراتر ببرد و با ایجاد فرصت سفارش، فروش و عرضه محصولات، زمینه تداوم فعالیت اقتصادی آنها را فراهم کند.

براساس آمار اعلام‌شده از سوی اردبیلی، از ابتدای سال جاری تاکنون بیش از ۱۰۰ میدان بازار برای عرضه محصولات زنان برگزار شده است. همچنین در مجموع ۳۵۲ بازار محلی با مشارکت ۵۲۸۰ کسب‌وکار در تهران فعالیت داشته‌اند. بخشی از حمایت‌ها نیز از طریق خرید محصولات تولیدی زنان توسط مجموعه شهرداری انجام می‌شود. اختصاص سفارش برای تامین هدایا، البسه و برخی اقلام مورد نیاز سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه، از جمله راهکارهایی است که با هدف ایجاد بازار فروش برای تولیدکنندگان زن دنبال شده است.

در هفته زن نیز بازارچه‌های محلی و غرفه‌های خوداشتغالی در بوستان‌ها و حاشیه جشن‌ها برپا خواهند شد. بخش ویژه کارآفرینی زنان در جشن میدان انقلاب نیز فرصتی برای معرفی و فروش محصولات این گروه خواهد بود.

برنامه‌های هفته بزرگداشت مقام زن و مادر از سوی رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران تشریح شد

از حمایت ۳۸ هزار مادر تهرانی تا رویدادهای بین‌المللی هفته زن

رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران با تشریح برنامه‌های این مرکز به مناسبت هفته بزرگداشت مقام زن و مادر، از ادامه اجرای بسته حمایتی «چشم‌روشنی» برای بیش از ۳۸ هزار مادر تهرانی، برگزاری رویدادهای هنری با محوریت زنان شهید، برنامه‌های ویژه گروه‌های مختلف زنان و برگزاری نشست بین‌المللی «زن و مقاومت» خبر داد.

«چشم‌روشنی»؛ حمایت از بیش از ۳۸ هزار مادر تهرانی

مریم اردبیلی با اشاره به اجرای بسته حمایتی «چشم‌روشنی» اظهار کرد: تاکنون بیش از ۳۸ هزار مادر تهرانی تحت پوشش این طرح قرار گرفته‌اند و اعتبار حمایتی آنها به‌صورت ماهانه از طریق کیف پول شهروندی در بستر شهرزاد شارژ می‌شود.

وی افزود: مادران می‌توانند از اعتبار اختصاص‌یافته برای خرید از فروشگاه‌های شهروند و میادین میوه و تره‌بار استفاده کنند و مبالغ استفاده‌نشده نیز در کیف پول باقی می‌ماند و به ماه‌های بعد منتقل می‌شود.

رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران با بیان اینکه میزان استفاده از اعتبار این طرح بیش از ۷۵ درصد بوده است، گفت: برنامه‌ریزی برای توسعه خدمات این بسته در حوزه‌های ورزشی، فرهنگی، آموزشی و مشاوره‌ای در حال انجام است. همچنین موضوع افزایش تخفیف کالاهای ضروری کودکان، از جمله پوشک، در دست بررسی قرار دارد.

از «ایران‌دخت» تا «نقش ماندگار»؛ روایت زنان در قاب هنر

اردبیلی با اشاره به برنامه‌های فرهنگی و هنری هفته زن اظهار کرد: رویداد ملی «ایران‌دخت» با هدف فراهم کردن بستری برای روایت موضوعات مرتبط با ایران از طریق هنر زنان برگزار شده و در جریان آن ۹۳ اثر مورد بررسی قرار گرفته است.

وی افزود: در این رویداد تلاش شده است یک فضای کاملا زنانه در حوزه هنرهای نمایشی شکل بگیرد؛ به‌گونه‌ای که کارگردانان، بازیگران و عوامل صحنه و پشت صحنه از میان زنان متخصص انتخاب شده‌اند. نمایش‌های صحنه‌ای و اجراهای خیابانی این رویداد در نقاط مختلف شهر اجرا می‌شود و بخشی از آن نیز در جشن میدان انقلاب به نمایش درمی‌آید.

اردبیلی همچنین از برگزاری رویداد هنری «نقش ماندگار» با محوریت زنان شهید تهران خبر داد و گفت: در طول یک سال گذشته ۱۰۷ زن شهید در تهران داشته‌ایم و قرار است هنرمندان و استادان با خلق پرتره‌هایی از این زنان، یاد و نقش آنها را در قالب آثار هنری ثبت کنند.

وی با اشاره به ادامه رویداد «ایران مهرجاودان» تصریح کرد: مرحله نخست این رویداد سال گذشته با طراحی مجموعه‌ای از آثار هنرهای تجسمی برگزار شد و امسال ساخت و اجرای بخشی از این آثار آغاز می‌شود. امیدواریم پس از تکمیل و اصلاح آثار، نمایشگاهی بلندمدت برای بازدید شهروندان برپا شود.

رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران، اجرای ویدئومپینگ در میدان آزادی با محوریت شعار «زن مادری کرد، وطن ماند» را از دیگر برنامه‌های هفته زن برشمرد و افزود: برنامه‌های مرتبط با شخصیت مرضیه دباغ و رویداد «میم مثل مرضیه» نیز در این ایام برگزار خواهد شد.

اردبیلی همچنین از رونمایی مجموعه کتاب‌های تاریخ شفاهی زنان شاخص و اثرگذار خبر داد و گفت: این مجموعه با هدف ثبت تجربه‌ها و روایت زندگی زنان تاثیرگذار در چند دهه گذشته تدوین شده است.

از جشنواره بانوان شهرداری تا برنامه ویژه زنان زندانی

اردبیلی با اشاره به برنامه‌های ویژه گروه‌های مختلف زنان گفت: برای حدود ۱۱ هزار و ۸۰۰ بانوی شاغل در شهرداری تهران، جشنواره‌ای ۱۰ روزه در نظر گرفته شده است. همچنین یک جشنواره یک‌روزه با مجموعه‌ای از خدمات و برنامه‌های متنوع در یکی از بوستان‌های منطقه ۱۸ برگزار خواهد شد.

وی افزود: برای زنان شاغل در مراکز کوثر نیز برنامه‌های ویژه‌ای پیش‌بینی شده است. لیگ بازی‌های خانوادگی که با هدف ایجاد نشاط و تعامل میان زنان سرپرست خانوار و خانواده‌های‌شان آغاز شده، در هفته زن به مرحله اختتامیه می‌رسد.



رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران از همکاری با سازمان زندان‌ها و مجموعه قوه قضاییه برای برگزاری جشنواره‌ای دو روزه ویژه زنان زندانی خبر داد و اظهار کرد: تلاش کرده‌ایم برنامه‌های هفته زن گروه‌های مختلف زنان را دربر بگیرد و زمینه مشارکت آنها در این رویدادها فراهم شود.

اردبیلی همچنین با اشاره به برنامه‌های ویژه دختران نوجوان گفت: مجموعه رویدادهای «هزار امید» با محوریت خلاقیت، نوآوری و کنشگری دخترانه دنبال می‌شود. در این حوزه بیش از ۱۰۰ مدل فعالیت طراحی شده و حدود ۶۰ رویداد از این مجموعه در سال جاری برگزار شده است.

وی افزود: موضوعاتی همچون هنر، فعالیت‌های اجتماعی، زیست فناوری و هوش مصنوعی در برنامه‌های ویژه دختران مورد توجه قرار گرفته و تلاش شده است زمینه بروز توانمندی‌ها و افزایش مشارکت اجتماعی آنان فراهم شود.

نشست بین‌المللی «زن و مقاومت» با حضور نمایندگان ۲۱ کشور

اردبیلی برگزاری نشست بین‌المللی «زن و مقاومت» را از دیگر برنامه‌های هفته زن عنوان کرد و گفت: در این نشست، زنان شاخصی از کشورهای مختلف حضور خواهند داشت و درباره نقش زنان در مواجهه با جریان‌های استعماری و مقاومت در برابر زیاده‌خواهی‌های جهانی گفت‌وگو خواهند کرد.

وی افزود: این نشست با همکاری بخش بین‌الملل شهرداری تهران برگزار می‌شود و فرصتی برای تبادل تجربه و دیدگاه میان زنان کشورهای مختلف درباره نقش‌آفرینی اجتماعی آنان در تحولات و مقاومت‌های جهانی خواهد بود.

مستندسازی نقش زنان در میدان‌ها و محله‌ها

رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران در بخش دیگری از سخنان خود از انجام پژوهشی با همکاری مرکز پژوهش‌های مجلس و مجموعه شهرداری تهران درباره نقش زنان در میدان‌ها و محلات خبر داد و اظهار کرد: در این پژوهش تلاش شده است علاوه بر بررسی داده‌های آماری، از طریق مصاحبه‌های کیفی و عمیق، تجربه‌ها و روایت‌های زنان کنشگر نیز ثبت و بررسی شود.

وی تاکید کرد: هدف از این مطالعات، شناخت دقیق‌تر نقش زنان در شرایط دشوار و ثبت تجربه‌های آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی است؛ موضوعی که می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آینده حوزه زنان و خانواده مورد استفاده قرار گیرد.

ثبات تامین کالاهای اساسی

وضعیت ذخایر استراتژیک مطلوب است



معاون توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی، با تاکید بر رفع هرگونه نگرانی در خصوص تامین کالاهای اساسی، از وضعیت مطلوب ذخایر استراتژیک خبر داد.

به گزارش «آگاه» محمدرضا طلایی با تاکید بر رفع هرگونه نگرانی در خصوص تامین کالاهای اساسی در جمع خبرنگاران، از وضعیت مطلوب ذخایر گندم و کالاهای پروتئینی خبر داد. وی همچنین با اشاره به نوسانات قیمتی محصولات زراعی نظیر گوجه‌فرنگی و پیاز، تاکید کرد که با ورود محصولات جدید از مناطق جنوبی، قیمت‌ها در کوتاه‌مدت متعادل خواهد شد.

تامین بدون محدودیت کالاهای اساسی و ذخایر استراتژیک گندم

معاون توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی، پیرامون وضعیت واردات کالاهای اساسی و تامین گوشت، تاکید کرد که روند واردات طبق روال قانونی و بدون هیچ‌گونه محدودیتی در جریان است. وی با اشاره به ثبات بازار، افزود: فراوانی کالاها در بازار، از جمله روغن، حبوبات و برنج، عامل اصلی است که باعث شده برخی محصولات حتی پایین‌تر از قیمت تمام‌شده عرضه شوند. ما ذخایر بسیار خوبی در بخش خصوصی و دولتی داریم و حتی در صورت عدم واردات، این ذخایر تا ماه‌ها نیاز کشور را پوشش می‌دهد.

وی در خصوص امنیت غذایی و ذخایر استراتژیک، اظهار کرد: وضعیت ذخیره گندم بسیار مطلوب است. ما هم از طریق بنادر جنوبی و هم شمالی، در حال تکمیل ذخایر خود هستیم تا برای شروع سال جدید، با ذخایر بسیار قدرتمندی در بازار حضور داشته باشیم.

تحلیل نوسانات قیمتی؛ گذار از دوره خارج فصل

طلایی در پاسخ به انتقادات مربوط به افزایش قیمت محصولات زراعی مانند گوجه‌فرنگی و سیب‌زمینی، با اشاره به ماهیت فصلی محصولات، تصریح کرد: در حال حاضر با توجه به پایان فصل برداشت و ورود به دوره خارج فصل، هزینه‌های انبارداری، سردخانه‌ها و حمل‌ونقل باعث افزایش قیمت شده است، اما با ورود محصول جدید از مناطق جنوبی مانند جیرفت در هفته‌های آتی، بازار گوجه‌فرنگی به سرعت متعادل خواهد شد.

وی همچنین درباره وضعیت پیاز افزود: در حال حاضر روزانه مقادیر قابل توجهی پیاز از طریق سازمان تعاون روستایی، از انبارها به بازار تهران و سایر استان‌ها عرضه می‌شود. اگرچه هزینه‌های سردخانه‌ای باعث بالا رفتن قیمت شده، اما با همکاری پیازکاران و ورود برداشت‌های جدید، قیمت‌ها در کوتاه‌مدت کاهش خواهد یافت.

رویکرد صادراتی و مدیریت چالش‌های بازرگانی

معاون توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی در ادامه سخنان خود، به مدیریت صادرات محصولات کشاورزی پرداخت و از سیاست‌های حمایتی وزارت جهاد کشاورزی خبر داد و اظهار کرد: ما برای حفظ تعادل بازار، صادرات برخی محصولات مانند پیاز را محدود کرده‌ایم. همچنین در حوزه گوجه‌فرنگی، تنها صادرات گوجه‌های گلخانه‌ای مجاز است، زیرا این محصولات به دلیل هزینه بالای تولید، صرفا برای اهداف صادراتی تولید می‌شوند و نباید جایگزین محصولات زراعی داخلی شوند. وی با اشاره به چالش‌های صادراتی گفت: اگرچه در برخی عرصه‌ها با چالش‌هایی در مرزها مواجه هستیم که در حال رفع آنها هستیم، اما هدف اصلی ما حفظ توازن میان نیاز داخلی و ظرفیت‌های صادراتی است تا از نوسانات شدید قیمتی جلوگیری شود.

سامانه مدیریت سرعت بحرانی در ۵۶۲ محور کشور فعال است



رئیس پلیس راهور فراجا از فعالیت سامانه مدیریت سرعت بحرانی در ۵۶۲ محور کشور خبر داد.

به گزارش خبرگزاری «مهر» سردار سیدتیمور حسینی در جمع خبرنگاران و در حاشیه مراسم بهره‌برداری از سامانه‌های هوشمند پلیس راهور اظهار کرد: هوشمندسازی و توسعه سازمان در ابعاد مختلف، از اولویت‌های مهم فراجا به عنوان مجموعه‌ای خدمات‌رسان و تامین‌کننده امنیت است. در همین راستا، سامانه جامع هوشمند در حوزه پلیس راه و راهور طراحی شده که دو زیرسامانه «ثبت ساعت» و «مدیریت سرعت بحرانی» از بخش‌های آن هستند.

وی افزود: این سامانه‌ها امکان رصد و پایش ناوگان حمل‌ونقل و کاربران جاده‌ای را در گستره جغرافیایی کشور فراهم می‌کنند و با کنترل سرعت و رفتار رانندگان، به کاهش تصادفات، کاهش آسیب‌های ناشی از سوانح و ارتقای نظارت بر حمل‌ونقل زمینی کمک خواهند کرد.

سردار حسینی با تشریح مفهوم سرعت بحرانی گفت: سرعتی که بیش از ۲۰ کیلومتر بر ساعت بالاتر از سرعت مجاز محور باشد، سرعت بحرانی محسوب می‌شود؛ برای مثال، در محوری با سرعت مجاز ۱۱۰ کیلومتر بر ساعت، سرعت‌های بالاتر از ۱۳۰ کیلومتر در ساعت در این دسته قرار می‌گیرند.

رئیس پلیس راهور فراجا ادامه داد: در حال حاضر سامانه مدیریت سرعت بحرانی در تمام استان‌های کشور فعال است و ۵۶۲ محور را پوشش می‌دهد. برنامه توسعه‌ای پلیس، گسترش پوشش این سامانه به محورهای اصلی کشور و نصب تجهیزات جدید در مسیرهای بیشتر است.

وی همچنین از برنامه پلیس برای اجرای طرح کنترل سرعت بحرانی در بزرگراه‌های شهری خبر داد و گفت: تحقق این هدف نیازمند همکاری شهرداری‌ها و اتصال سامانه‌های موجود در معابر شهری به زیرساخت‌های پلیس است.

حسینی با اشاره به نتایج اولیه اجرای این طرح بیان کرد: پس از آغاز فعالیت سامانه مدیریت سرعت بحرانی، در ماه‌های مهر و آبان کاهش چشمگیری در تصادفات مشاهده شده است. وی در پایان با تاکید بر بومی بودن سامانه‌های جدید خاطرنشان کرد: این سامانه‌ها با ابتکار و خلاقیت متخصصان و مهندسان مجموعه فراجا طراحی و تولید شده‌اند و قابلیت‌های آنها حاصل توان فنی داخلی است.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
آگاه
روزنامه ۷۰۱

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست
سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah_ir

شنبه
۷ آذر ماه ۱۴۰۵
۱۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ | ۲۸ نوامبر ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۵:۱۸
اذان ظهر	۱۱:۵۰
اذان مغرب	۱۷:۱۴
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۰۶

درد گردن و شانه؛ مهم‌ترین عارضه شغلی کارمندان



در تحقیق جدیدی درباره سلامت کارکنان اداری، ارتباط میان دردهای جسمی، خستگی و رضایت از شغل بررسی شده است؛ موضوعی که با افزایش کارهای پشت میزنشینی اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

کاهش فعالیت بدنی و افزایش زمان نشستن، از ویژگی های مهم سبک زندگی امروزی به شمار می‌رود. بسیاری از افراد بخش قابل توجهی از روز خود را در محیط کار و پشت میز می‌گذرانند و فرصت محدودی برای راه رفتن، تغییر وضعیت بدن یا انجام حرکات کششی دارند. کارکنان اداری به دلیل ماهیت شغل خود معمولا ساعت‌های زیادی با رایانه کار می‌کنند و ممکن است برای مدت طولانی در یک وضعیت ثابت باقی بمانند. چنین شرایطی می‌تواند به ایجاد درد، خشکی، ناراحتی یا کاهش توانایی حرکتی در بخش‌هایی مانند گردن، شانه، کمر، مچ دست و پاها منجر شود. این مشکلات فقط باعث ناراحتی جسمی نمی‌شوند، بلکه می‌توانند انجام وظایف روزانه، کیفیت زندگی و بهره‌وری کاری را نیز تحت تاثیر قرار دهند.

دردهای اسکلتی عضلانی مرتبط با کار، یکی از مسائل مهم سلامت در جمعیت شاغل محسوب می‌شوند. سازمان جهانی سلامت، WHO، این مشکلات را در میان عوامل اصلی ناتوانی و کاهش کیفیت زندگی افراد شاغل قرارداده است. کمردرد نیز در بسیاری از کشورهای جهان یکی از مهم‌ترین علت های ناتوانی شناخته شده است. عوامل مختلفی در شکل‌گیری این دردها نقش دارند؛ از جمله تغذیه نامناسب، مصرف سیگار، استراحت ناکافی، اضافه‌وزن، سن، وضعیت بدنی نامناسب، حرکات تکراری و طراحی نامناسب میز و صندلی. استرس های شغلی نیز می‌توانند تنش عضلانی را افزایش دهند. از سوی دیگر، درد مداوم ممکن است خستگی را بیشتر و رضایت فرد از شغلش را کمتر کند؛ بنابراین، مسئله مورد اشاره تنها جسمی نیست و با شرایط روانی و اجتماعی کارکنان نیز ارتباط دارد.

نتایج همچنین نشان دادند میان خستگی و درد قوزک پا ارتباطی مثبت وجود دارد؛ یعنی با افزایش خستگی، احتمال گزارش درد در این ناحیه بیشتر می‌شود. همچنین میان خستگی و رضایت شغلی رابطه‌ای منفی مشاهده شد. به بیان ساده، کارکنانی که خستگی بیشتری داشتند، رضایت کمتری از شغل خود گزارش کردند. این یافته ها نشان می دهد دردهای جسمی و خستگی می‌توانند درکنار هم بر تجربه کاری کارکنان اثر بگذارند.

بر اساس نتیجه گیری پژوهش، جنسیت زن، اضافه وزن، ساعات طولانی کار با رایانه، مصرف سیگار و استرس ادراک شده، هرکدام با افزایش درد در برخی نواحی بدن ارتباط داشتند. بر اساس جمع بندی پژوهشگران، اجرای همزمان مداخلات ارگونومیک، برنامه های کاهش استرس، مدیریت خستگی، فعالیت بدنی منظم و کنترل وزن می تواند به بهبود سلامت کارکنان، افزایش رضایت شغلی و ارتقای بهره‌وری سازمانی کمک کند.

بهترین زمان نوشیدن چای برای داشتن خواب بهتر

در حالی که نوشیدن چای ممکن است به آرامش شما کمک کند، محدودیت های خاصی در مورد زمان نوشیدن آن برای بهترین نتیجه وجود دارد.

به گزارش یاهو هلث، ژاکلین فلیشر، متخصص تغذیه، می گوید: «بهترین زمان برای نوشیدن چای بدون کافئین برای خواب بهتر حدود یک ساعت قبل از خواب است.» او می‌گوید: «نوشیدن چای قبل از خواب می‌تواند یک آیین آرام‌بخش باشد، سیستم عصبی را آرام کند و به آرامش بدن کمک کند.» احتمالا چای های کافئین دار را به عنوان بخشی از یک روال خواب نمی نوشید، اما این بدان معنا نیست که آنها بدون فایده هستند. شما هنوز هم می‌توانید در طول روز از چای سیاه یا سبز لذت ببرید، بدون اینکه لزوما استراحت شبانه را قربانی کنید. ترفند این نیست که بدانید چه زمانی آن را بنوشید، بلکه باید بدانید چه زمانی نوشیدن آن را متوقف کنید.

برای چای های کافئین دار، مهلت معمول حداقل ۶ ساعت قبل از خواب است، اگرچه فلیشر توصیه می‌کند افرادی که به کافئین حساسیت خاصی دارند، هشت تا ۱۰ ساعت قبل از خواب نوشیدن آن را متوقف کنند.

او به یک مطالعه اشاره می‌کند که نشان می‌دهد چای و قهوه کافئین دار مصرف شده در ساعت ۹ شب، خوابیدن را سخت‌تر می‌کند، زمان خواب را کاهش می‌دهد و کیفیت خواب را بدتر می‌کند و دوزهای بیشتر باعث اختلال بیشتر می‌شود.

بهترین گزینه های فلیشر برای قبل از خواب، دمنوش های گیاهی بدون کافئین مانند چای بابونه، نعناع یا ریشه سنبل الطیب است. او می گوید: «بابونه دارای برخی از امیدوارکننده‌ترین شواهد بالینی است که مطالعات حاکی از بهبود بالقوه در کیفیت خواب هستند. اگرچه یافته ها در تمام معیارهای خواب یکسان نیستند.»

آب و هوا

ورود سامانه بارشی به کشور از روز یکشنبه

سامانه بارشی جدید از روز یک‌شنبه وارد کشور می‌شود و از روز سه‌شنبه دما در نیمه شمالی کاهش می‌یابد.

بر اساس پیش‌بینی سازمان هواشناسی، تا ظهر روز یک‌شنبه جوی آرام در بیشتر مناطق کشور حاکم خواهد بود و در شهرهای صنعتی و پرجمعیت به‌دلیل افزایش غلظت آلاینده ها، کیفیت هوا کاهش می یابد. از بعدازظهر یک شنبه با ورود سامانه بارشی از شمال غرب کشور، بارش ها در این مناطق آغاز می‌شود. این سامانه روز دوشنبه بخش هایی از شمال غرب، غرب، جنوب غرب و مناطق مرکزی کشور را تحت تاثیر قرار می دهد و در برخی ساعات موجب بارندگی، رعد و برق و وزش باد شدید موقت خواهد شد. همچنین در برخی مناطق احتمال وقوع گرد و خاک وجود دارد و در مناطق سردسیر نیز بارش برف پیش بینی می‌شود. فعالیت این سامانه روز سه‌شنبه شدت می‌گیرد و علاوه بر مناطق یادشده، سواحل غربی و مرکزی دریای خزر، دامنه های جنوبی البرز مرکزی و بخش هایی از جنوب کشور را نیز دربر می‌گیرد. بر اساس پیش بینی‌ها، از روز سه‌شنبه دمای هوا در نیمه شمالی کشور به‌طور محسوسی کاهش خواهد یافت.



روستای صراخیه در قلب تالاب بین‌المللی شادگان

روستای صراخیه در قلب تالاب بین‌المللی شادگان، یکی از جلوه‌های منحصربه‌فرد زندگی در پیوند با طبیعت در جنوب ایران است. در این روستا، آبراهه‌های تالاب مسیر اصلی تردد اهالی هستند و قایق‌ها نقش وسایل نقلیه را ایفا می‌کنند. صراخیه که به «ونیز ایران» شهرت دارد، علاوه بر برخورداری از ظرفیت‌های گردشگری، بخشی از هویت فرهنگی و معیشت بومی مردم خوزستان را در خود جای داده است.

عکس: عزیز بابانژاد / تسنیم

فروش اسباب‌بازی‌های سخنگو در نیویورک ممنوع شد!

ایالت نیویورک آمریکا، فروش اسباب‌بازی‌های مجهز به چت‌بات‌های هوش مصنوعی را برای کودکان ممنوع کرد. شرکت‌هایی که این ممنوعیت پنج ساله را نقض کنند، با جریمه روزانه ۱۵۰۰۰ دلار مواجه خواهند شد.

کتی هوچول، فرماندار نیویورک، قانون ممنوعیت پنج ساله فروش اسباب بازی های مجهز به چت بات هوش مصنوعی، از جمله عروسک ها و ربات هایی که از اینترنت برای مکالمه با کودکان استفاده می‌کنند را امضا کرده است. این قانون جدید دارای برخی از موارد از جمله جریمه‌های سنگین روزانه برای هر تخلفی است که توسط دادستان کل ایالت اعمال می‌شود.

هوچول در بیانیه‌ای گفت: والدینی که برای تعطیلات یا هر مناسبت دیگری هدیه می خرند، نباید نگران این باشند که چت‌بات‌های خطرناک که به شکل اسباب‌بازی هستند، می‌توانند فرزندان‌شان را در معرض مکالمات نامناسب قرار دهند، احساسات آنها را دستکاری کنند یا حریم خصوصی آنها را به خطر بیندازند. هوچول که خود را اولین «فرماندار مادر» نیویورک می‌نامد، گفت که این اقدام جدید، عمیقا شخصی است.

لتیتیا جیمز، دادستان کل نیویورک گفت: چت‌بات‌های هوش مصنوعی در اسباب بازی های کودکان، آنان را در معرض محتوای نامناسب قرار می دهند و سلامت روان آنها را در معرض خطر قرار می دهند. به گفته دفتر فرماندار، متخلفان برای هر تخلف با مجازات مدنی تا ۱۵۰۰۰ دلار در روز روبه رو می‌شوند. جیمز افزود که شعبه وی در اجرای این قانون و سایر اقدامات برای جلوگیری از آسیب رساندن سیستم‌های هوش مصنوعی تردید نخواهد کرد و گفت: ما اجازه نخواهیم داد که سلامت فرزندانمان به آسیب جانبی شرکت‌های بزرگ فناوری تبدیل شود.

سبک زندگی

نحوه پخت کشک بادمجان در هواپز

چه کار کنیم بادمجان در هواپز خشک نشود؟



طرز تهیه کشک بادمجان رژیمی با هواپز را همراه با مواد لازم، دما و زمان پخت و فوت و فن سرخ کردن بادمجان با روغن کم و بدون خشک شدن یاد بگیریم.

امروزه مردم از رژیم غذایی غنی از مواد مغذی و روش های پخت سالم پیروی می‌کنند، به همین خاطر استفاده از هواپز یا همان ایرفرایر که به سرخ کن بدون روغن معروف است، متداول شده و شما می‌توانید غذاهایی چون مرغ، سیب زمینی، بادمجان، بروکلی، مارچوبه، قارچ و گل کلم، گوشت، استیک، همبرگر و... را در هواپز درست کنید.

بادمجان سرخ شده در هواپز روغن فوق‌العاده کمی دارد و طعم آن بسیار لذیذ است، می‌توانید از این بادمجان برای تهیه انواع خورش و همچنین کشک بادمجان رژیمی، کشک بادمجان مجلسی و میرزا قاسمی گیلانی استفاده کنید. در ادامه طرز تهیه بادمجان در هواپز بدون خشک شدن را آموزش داده‌ایم:

مواد لازم برای کشک بادمجان رژیمی با هواپز برای چهار نفر

بادمجان: ۶ عدد متوسط
کشک: نصف پیمانه
پیاز: دو عدد متوسط
سیر: چهار حبه
گردوی: خردشده دو قاشق غذاخوری
نعناع: خشک یک قاشق غذاخوری
سرکه: سه قاشق غذاخوری
روغن: دو قاشق غذاخوری
آب: به مقدار لازم
زردچوبه: نصف قاشق چای‌خوری
فلفل سیاه: یک چهارم قاشق چای‌خوری
نمک: به مقدار لازم

طرز تهیه بادمجان در هواپز بدون خشک شدن

برای اینکه بادمجان شما در هواپز خشک نشده و طلایی و خوشرنگ شود، به روش زیر عمل کنید:

- بادمجان‌ها را پوست بگیرید.
- بادمجان‌ها را خیلی نازک نکنید و آنها را از طول به دو یا سه قسمت مساوی تقسیم کنید.
- برای گرفتن تلخی بادمجان‌ها دو قاشق سرکه، مقداری زردچوبه و کمی نمک به آنها اضافه کرده و بگذارید یک ساعت بماند.
- قبل از سرخ کردن بادمجان یک قاشق روغن را با کمی آب، یک قاشق سرکه و کمی زردچوبه ترکیب کنید.
- با برس این ترکیب را روی بادمجان‌ها بزنید.
- درون هواپز کاغذ روغنی قرار دهید و بادمجان‌ها را روی آن بچینید.
- دمای هواپز را روی ۱۹۰ درجه سانتی‌گراد و مدت زمان ۱۴ دقیقه بگذارید.
- بعد از ۱۰ دقیقه در هواپز را باز کنید.
- مخلوط روغن و آب و... را با برس بار دیگر روی بادمجان‌ها بزنید.

اجازه دهید بادمجان‌ها برای چهار دقیقه دیگر در هواپز بمانند. در نهایت بادمجان‌ها را سرو کنید و از بافت ترد و رنگ طلایی آنها لذت ببرید.

بادمجان‌های سرخ شده در هواپز را بکوبید.

سیر و پیاز خرد شده را با ادویه‌ها تفت دهید و به بادمجان‌ها اضافه کنید.

نعناع داغ، گردوی خرد شده و کشک را به بادمجان‌ها بیفزایید.

کشک بادمجان شما آماده است، نوش جان.

نکات و فوت و فن‌های طرز پخت بادمجان در هواپز

بادمجان‌های قلمی، کم‌تخم و گوشتی انتخاب کنید تا کشک بادمجان بافت نرم‌تر و طعم بهتری داشته باشد.

اگر بادمجان‌ها را بدون اسپری کردن روغن در هواپز قرار دهید، بادمجان‌ها خشک و بد طعم می‌شوند.

اگر دمای هواپز برای پخت بادمجان زیاد باشد یا بادمجان‌های شما خیلی نازک برش زده شده باشند، ممکن است بادمجان‌ها خیلی زود خشک شوند.

استفاده از ترکیب آب و روغن مانع خشک شدن بادمجان در هواپز می‌شود.

برای پخت بادمجان در هواپز بهتر است بادمجان‌ها را خیلی نازک نکنید، ضخامت بادمجان‌ها باید حدود یک بند انگشت باشد.

سبد هواپز را بیش از حد پر نکنید و بادمجان‌ها را روی هم قرار ندهید تا جریان هوا به پخت یکنواخت آنها کمک کند.

در طرز پخت بادمجان در سرخ کن بدون روغن می‌توانید از بادمجان‌ها با پوست نیز استفاده کنید.

زمان پخت بادمجان در هواپز به ضخامت آنها بستگی دارد، هرچه بادمجان‌ها نازک‌تر باشند، زمان پخت کوتاه‌تر است.

پیش از خارج کردن بادمجان‌ها از هواپز، با چنگال میزان نرمی آنها را بررسی کنید؛ طلایی شدن سطح بادمجان به‌تنهایی نشانه پخت کامل آن نیست.

طرز تهیه بادمجان در ایرفرایر آسان است و در این روش کشک بادمجان‌تان پر روغن و مضر نخواهد شد.

برای گرفتن تلخی بادمجان می‌توانید قبل از پخت به آن مقداری نمک اضافه کنید.

در روش تهیه بادمجان در هواپز، دیگر نیازی به قرار دادن بادمجان‌ها در آب نمک نیست.

حین پخت بادمجان در هواپز چند بار در هواپز را باز کنید و بادمجان‌ها را بررسی و زیرو رو کنید تا همه قسمت‌های آنها به خوبی سرخ شود و خشک نشود.

برای اینکه بادمجان سرخ شده در هواپز طلایی شود، بادمجان‌ها را با ضخامت یکسان برش دهید، همچنین زیر و رو کردن بادمجان‌ها موجب تردتر شدن بافت بادمجان‌ها می‌شود.

برای حفظ حالت رژیمی غذا، در مصرف روغن، گردو و پیازداغ زیاده‌روی نکنید.

#تجربه_کردم

وقتی همه ترکت می‌کنن...
وقتی در اوج بی‌کسی، «گیر» می‌کنی...
وقتی در مقروض‌ترین «شرایط»ی...
وقتی همه کسانی که عمرت رو پاشون گذاشتی، بهت «نارو» می‌زنن...
وقتی ـ به خاطر خوش اومدن دیگران ـ اعتقادهات رو کنار می ذاری... و همون‌ها ولت می‌کنن...
وقتی احساس می‌کنی ـ حتی یه نفر ـ تکیه‌گاه نداری...
تنها کسی که از همه سو در آغوشش می‌گیردت... «امام زمان»ه رفیق جان!

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

عمر طولانی با تنظیم زمان صبحانه

یک مطالعه بزرگ روی بیش از ۳۱ هزار بزرگسال نشان داده است که دیر خوردن اولین وعده غذایی و غذا خوردن بعد از نیمه‌شب با افزایش خطر مرگ مرتبط است. این یافته ها یک ارتباط را نشان می دهد، نه اثباتی که تغییر ساعت سرنوشت فرد را تغییر می‌دهد. با این حال، این نتایج نشان می‌دهد سلامت ممکن است نه تنها به آنچه می خوریم، بلکه به زمان آن نیز بستگی داشته باشد.

مطالعات قبلی نخوردن صبحانه و خوردن آخر شب را با سلامتی ضعیف‌تر مرتبط می‌دانستند. محققان داده‌های ۳۱۰۴۴ بزرگسال ۴۰ ساله و بالاتر را در نظرسنجی ملی سلامت و تغذیه ایالات متحده بین سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۱۸ تجزیه و تحلیل کردند. شرکت‌کنندگان هر چیزی را که در ۲۴ ساعت گذشته خورده یا نوشیده بودند، از جمله زمان مصرف هر ماده گزارش کردند.

این مطالعه، هر غذا یا نوشیدنی حاوی کالری را که بعد از ساعت چهار صبح مصرف می‌شود به‌عنوان «اولین وعده غذایی» تعریف کرد، به این معنی که الزاما یک صبحانه معمولی در حالت نشسته پشت میز نبود. کالری دریافتی نهایی به آخرین وعده غذایی تبدیل شد و زمان بین آنها به پنجره غذا تبدیل شد. این تیم این گزارش‌ها را به مرگ‌های ثبت‌شده تا پایان سال ۲۰۱۹ مرتبط کرد.

محققان مشاهده کردند در مقایسه با خوردن صبحانه بین هفت تا هشت صبح، اولین وعده غذایی بین ساعت هشت تا ۱۰ صبح با ۱۰ درصد بیشتر خطر مرگ به هر دلیلی مرتبط بود.

این تفاوت بین ساعت ۱۰ صبح تا ظهر به ۱۹ درصد و بعد از ظهر به ۲۹ درصد رسید. شی لی شان، نویسنده ارشد این مقاله و دانشمند تغذیه از دانشگاه علم و فناوری هوآژانگ گفت: «با این حال، این بدان معنا نیست که ساعت هفت تا هشت بعد از ظهر زمان مناسبی برای شام برای همه است.»

شان توضیح داد که دیر غذا خوردن ممکن است ریتم شبانه روزی و متابولیسم را مختل کند. اولین وعده غذایی روزیا خوردن آخر شب ممکن است به ناهماهنگی شبانه روزی و اختلالات متابولیک، از جمله اختلال در متابولیسم لیپید و گلوکز منجر شود.

مطالعات حیوانی به مسیرهای احتمالی شامل افزایش وزن، تجمع چربی کبد، اختلال در ساعت در اندام‌های خارج از مغز و تغییر جذب چربی اشاره می‌کند.



ماده معدنی مهم برای کنترل قند خون و سلامت چشم

منیزیم فقط به کاهش استرس و بهبود خواب کمک نمی‌کند؛ این ماده معدنی می‌تواند در سلامت عروق خونی و کنترل قند خون هم نقش داشته باشد. نتایج یک پژوهش جدید نشان می دهد افراد مبتلا به دیابت نوع ۲ دچار رتینوپاتی دیابتی هستند، یافته‌ای که اهمیت توجه به این ماده معدنی را در مراقبت منظم از چشم برجسته می‌کند. منیزیم یک ماده معدنی است که بیشتر به عنوان یک ماده معدنی ضد استرس و به عنوان یک ماده آرام بخش قبل از خواب شناخته شده است. اما منیزیم همچنین نقش مهمی در تعادل قند خون دارد.

مصرف بیشتر منیزیم با کاهش خطر ابتلا به دیابت نوع ۲ مرتبط است و داشتن سطوح سالم منیزیم ممکن است از عوارض برای کسانی که دیابت نوع ۲ دارند، به ویژه رتینوپاتی دیابتی محافظت کند. افراد مبتلا به دیابت ممکن است به بیماری چشمی به نام رتینوپاتی دیابتی مبتلا شوند. این عارضه زمانی است که سطح قند خون بالا باعث آسیب به رگ‌های خونی در شبکیه چشم می‌شود.

منیزیم از چندین فرآیند مرتبط با سلامت متابولیک و عروق پشتیبانی می‌کند، از جمله:

- **سیگنال‌دهی انسولین:** منیزیم به سلول‌ها کمک می‌کند تا به درستی به انسولین پاسخ دهند.
- **متابولیسم گلوکز:** از حرکت گلوکز به داخل سلول‌ها پشتیبانی می‌کند.
- **عملکرد عروق خونی:** منیزیم کافی به حفظ گردش خون سالم کمک می‌کند.
- **کنترل التهاب:** سطوح پایین منیزیم با افزایش استرس التهابی مرتبط است.

با گذشت زمان، اختلالات در این سیستم‌ها ممکن است به آسیب عروق خونی کوچک که مشخصه رتینوپاتی دیابتی است، منجر شود. برای افراد مبتلا به دیابت نوع ۲، این تحقیق بر اهمیت نظارت بر وضعیت ریزمغذی‌ها علاوه بر سطح قند خون تاکید می‌کند. سبزیجات با برگ‌های تیره، دانه‌های کدو تنبل، بادام، لوبیا سیاه و غلات سبوس‌دار همگی منابع خوبی از منیزیم هستند و سلامت کلی را ارتقا می‌دهند.

در صورت نیاز با پزشک خود در مورد مصرف مکمل‌های منیزیم مشورت کنید. مراقبت‌های پیشگیرانه و منظم از چشم برای مشاهده هرگونه تغییر در بینایی یا سلامت چشم بسیار مهم است و امکان مداخله زودهنگام را فراهم می‌کند.

